





## زهرا طیّبی - علی فلاحي

گروه‌سیاست

آتش‌زدن اتوبوس‌ها، پرتاب کوکتل مولوتف، غارت مغازه‌ها و با اسلحه چرخیدن در خیابان اقداماتی است که نمی‌شود

تعبیری جز شورش و آشوب به آن اطلاق کرد. آنچه گفته شد مواردی از اتفاقاتی است که در چند شب گذشته به‌وفور در خیابان‌های فرانسه دیده‌می‌شود و باید به مخاطبان حق داد که عنوان آشوب را روی آن بنهند. آنچه اما محل انتقاد است این است که برخی از افراد و رسانه‌هایی که این‌روزها به اتفاقات فرانسه به چشم آشوب می‌نگرند درمورد اتفاقات مشابهی که

# سیاست

رسانه‌های اپوزیسیون در روایت ماجرای فرانسه چقدر صادق بودند؟

# دل‌وایسان شورش پاریس

چند ماه پیش در ایران رخ داد نظر کاملا متفاوتی داشته‌و بدون اینکه انتقادی به پرتاب کردن کوکتل مولوتف و تخریب اموال عمومی از جانب آشوبگران داشته‌باشند عنوان اعتراض مدنی بر التهابات نهاده‌و آن را تشویق نمی‌کردند. این مواجهه متناقض در رسانه‌های معاند خارج‌نشین به‌قدری واضح و گل‌درشت است که مخاطبان بدون داشتن دانش سیاسی و



## وقوع سونامی خشونت‌بار در فرانسه به‌ر روایت اینترنشنال

امادرمورد ناآرامی‌های فرانسه‌جای خود را به «سونامی خشونت‌بار»، «باند‌های خشونت‌طلب» و «آشوبگران» داده‌است، معترضان حالا آشوبگرانی هستند که به اموال عمومی آسیب می‌زنند. تحلیل یکی از کارشناسان اینترنشنال درباره آنچه در خیابان‌های فرانسه درحال وقوع است، از این حیث قابل توجه است: « کسانی که به خیابان آمده‌اند بیشتر از آنچه باید به خشونت دست زده‌اند... فروشگاه‌ها غارت شده‌اند... حتی داروخانه‌ها ویران شده‌اند. مغازه‌های جواهرفروشی غارت شده‌اند، در واقع چیزی که باید بگویم این است که گروهی هستند به اسم (کسر) اینها کاری ندارند که اعتراضات و تظاهرات به‌دنبال چیست. اینها بیش از ۳۰۰ نفر هستند و به محض اینکه یک تظاهراتی راه می‌افتد، وارد عمل می‌شوند و مغازه‌هایی را که وسایل الکترونیکی، تلفن و ضبط‌صوت دارد و مکان‌هایی را که جواهرات و لباس دارند، غارت می‌کنند، اینها را حتی پلیس هم می‌شناسد، » نکته قابل توجه اینکه این شبکه درمورد آنچه در خیابان‌های این کشور درحال وقوع است از انقلاب علیه حکومت صحتی به میان نمی‌آورد و با تاکید عامل بیشتر این ناآرامی را عموماً آشوبگرانی می‌خواند که حال فرصت جولان پیدا کرده‌اند: « افرادی که در جمععات شرکت می‌کنند، افراد حاشیه‌شهرها، افراد مربوط به شبکه‌های دزدی محله‌ها، افراد مربوط به شبکه‌های قاچاق، ناراضی‌های سیاسی چپ افراطی، کسانی هستند که قبلا در زندان بوده و خارج شده‌اند؛ یک مجموعه کاملاً نامتجانس. در میان آنچه می‌بینیم، با هیچ گونه‌خواست مواجه نیستیم. «یکی دیگر از این کارشناسان می‌گوید: «معترضان که می‌توانیم به آنها بگوییم آشوبگران، دست به سرقت و آشوب می‌زنند و به هیچ عنوان خواسته مشخصی را دنبال نمی‌کنند. آشوبگران درحال تخریب و سرقت هستند و هیچ خواسته مشخصی را دنبال نمی‌کنند. این ناآرامی‌ها و این جدال بین پلیس و آشوبگرانی که من آنها را اسلام‌گرایان تندرو و مهاجران حاشیه‌نشین می‌خوانم، به‌همراه نسل جدید فرانسه در مرکز تخریب و آشوب‌ها آمده‌اند. « علاوه‌براینکه اینترنشنال در این میان صحتی از انقلاب نمی‌کند، از لفظ موش و گربه بازی بین پلیس و مردم درباره این اتفاقات استفاده می‌کند، یکی از کارشناس این شبکه می‌گوید: «در محله‌ای که من زندگی می‌کنم تا پنج صبح نتوانستیم بخوابیم، چون یک بازی موش و گربه بین پلیس و معترضان وجود داشت و معترضان سعی می‌کنند با سروصدا و آتش بازی، توجه‌ها را به خود جلب کنند. « از رویکرد رسانه‌ای اینترنشنال برمی‌آید که این رسانه اعتراضات فرانسه را شورش خیابانی توصیف می‌کند که عمده افراد آن را شخصیت‌های تبهکار و مترصد فرصت برای غارت و آشوب تشکیل می‌دهند که زندگی مردم را مختل کرده‌اند و همه مردم به‌جز عده معدودی، مخالف این اقدامات هستند. حال آنکه این رسانه در شرایط مشابه در ایران رویکردی کاملاً متضاد با آنچه‌ا الان اتخاذ کرده، درپیش گرفته‌بود و این طور القامی کرد که اعتراضات ایران یک جنبش انقلابی است و معترضان با آتش زدن اماکن، ماشین‌ها و بنرها درحال انجام اقدامی اعتراضی و انقلابی هستند.



## بلوغ سیاسی زودرس؛ توجیه منوتو برای روایت متناقض

در بین رسانه‌های معاند تلویزیون منوتو سعی داشته کمترین پرداخت را به موضوع فرانسه‌نشان دهد تا مبادا مخاطبان آن متوجه تناقض رفتاری این رسانه در مواجهه با اتفاقات داخلی ایران و فرانسه شوند. منوتو در کانال تلگرامی خود در چندروز اخیر تنها دو مطلب مرتبط با پلیس فرانسه منتشر کرده که از آنها نیز فقط یکی به اعتراضات اخیر مربوط می‌شود. منوتو در اوج اعتراضات فرانسه یکی از دو خبری را که به پلیس فرانسه مربوط می‌شود، به‌پیدا شدن ۴۰ راس گوسفند توسط پلیس در یک محوطه ۱۰ متری اختصاص داده‌ات نشان دهد برای این شبکه‌ها ارزش‌های خبری به‌نحوی دیگری تعیین شده‌اند. منوتو در تنها خبر مرتبط با فرانسه که در کانال تلگرام خود منتشر کرده با رویکردی به پرداخت خبر اقدام کرده است که کاملاً متناقض با شیوه این شبکه در پوشش آشوب‌های ایران بود. این شبکه که در روایت خبر بدون اشاره به برخورد‌های پلیس فرانسه صرفاً رفتارهای خشن معترضان را مورد اشاره قرار می‌دهد و می‌نویسد: «درپی گسترش اعتراضات در فرانسه، شب گذشته یک پارکینگ اتوبوس‌های شهری در شمال پاریس به آتش کشیده شد. ظاهراً یک گروه از معترضان با « کوکتل مولوتف» به اتوبوس‌های پارک‌شده حمله کرده‌اند و حداقل ۱۲ اتوبوس با آتش‌سوزی عمدی تخریب شده‌اند.» بعد از این روایت یک‌سوی منوتو به‌نقل از شرکت حمل‌ونقل عمومی پاریس اقدامات معترضان را غیرقابل قبول می‌خواند و خسارات به داریایی‌های این شرکت را محکوم می‌کند. شبکه منوتو درحالی چنین رویکردی را نسبت به اتفاقات فرانسه دارد که درمورد ایران ماجرا کاملاً برعکس بوده و این شبکه به‌جای آنکه اقدامات هنجارشکنانه‌ای همچون آموزش ساخت کوکتل مولوتف و استفاده از آن علیه شهروندان را مورد تقبیح قرار دهد، صرفاً اخبار برخورد با آشوبگران را با اغراق و تحریف روایت می‌کرد. شبکه منوتو درحالی که نسبت به اتفاقات فرانسه بی‌توجه است، مرور اتفاقات سال گذشته در ایران و فضا سازی حول آن را در صدر اخبار خود قرار داده‌ است، به‌طور مثال در برنامه‌ای که تحت‌عنوان اتاق خبر در شبکه تلویزیونی منوتو پخش می‌شود، اخبار ناامیدکننده درمورد ایران در همان ابتدا پخش می‌شود



## محک ادعای بی‌طرفی بی‌بی‌سی

حکلات معترضان به نیروهای پلیس می‌پردازد. این رسانه در چندین پست مجزا به اعمال خشونت‌بار معترضان ازجمله «مجروح شدن ۴۵ نیروی پلیس» پرداخته است. بی‌بی‌سی حتی از شمارش مواردی که مواد آتش‌زده به‌سمت پلیس پرتاب شده است غافل نمانده و تعداد این پرتاب‌ها را ۸۰۰ مورد گزارش کرده‌ است. این شبکه یک خبر مجزا در رابطه با حمله معترضان به خانه یکی از شهرداران حومه پاریس منتشر کرده و نوشته‌است معترضان درحالی درصد آتش‌زدن خانه شهردار بودند که «همسر و فرزندان ۵ و ۷ ساله این شهردار در خانه در خواب بودند.» این اقدام معترضان فرانسوی حتما یادآور خشونت‌های بسیار وحشتناک‌تری علیه ماموران حافظ امنیت در ایران در جریان حوادث سال گذشته است. درحالی که هنوز در فرانسه هیچ مأمور دولتی یا نیروی پلیسی کشته‌نشده‌ام‌ای بی‌بی‌سی بخش عمده‌ای از اخبار خود در رابطه با این حوادث را به روایت خشونت‌ها علیه پلیس اختصاص داده‌ است. اما در زمان آشوب‌های سال گذشته ایران بی‌بی‌سی فارسی تنها وقتی به‌گشته‌شدن نیروهای پلیس یا افرادی غیرنظامی مانند آرمان علی‌وردی و روح‌الله عجمیان اشاره می‌کرد که قصد داشت خبر دستگیری یا بازگزاری دادگاه‌متهمان این جنایات را اعلام کند. همچنین بی‌بی‌سی فارسی از هیچ تلاشی برای ایجاد شک و تردید در دست داشتن آشوبگران در قتل‌های مذکور فروگذار نمی‌کرد، به‌طور مثال در ماجرای شهادت آرمان علی‌وردی فیلم شکنجه‌او توسط آشوبگران منتشر شده بود و آنها با افتخار از ضرب و شتم آرمان سخن می‌گفتند که منجر به شهادت او شد. اما بی‌بی‌سی با نادیده گرفتن مستندات قطعی سعی در پاک کردن لکه ننگ چنین جنایت هولناکی را از دامان معترضان داشت و نوشت: «رسانه‌های دولتی

بی‌بی‌سی فارسی از قدیمی‌ترین رسانه‌های فارسی‌زبان خارجی به‌حساب می‌آید و تحت حمایت مالی مستقیم دولت انگلیس قرار دارد. این رسانه نیز در روزهای گذشته پوشش جالبی از حوادثی که در فرانسه رخ داده داشته‌ است. مقایسه شیوه و ادبیات روایت این رسانه از حوادث فرانسه و اتفاقات مشابهی که سال گذشته در ایران رخ داد، می‌تواند محک خوبی برای سنجش ادعاهای پرشمار بی‌طرفی این رسانه باشد. بی‌بی‌سی فارسی در مطلبی با عنوان «چرا می‌توانید به بی‌بی‌سی اعتماد کنید؟» که به‌صورت ثابت در قسمت پایینی سایت خود قرار داده‌ است به تشریح خط‌مشی‌های رسانه‌ای خود پرداخته‌ است. قبل از مقایسه روایت این‌بنگاه خبرپرآکنبی از اعتراضات در ایران و فرانسه، بد نیست مسطوری از این متن را مرور کنیم. بی‌بی‌سی در این مطلب ادعا می‌کند که «ما مستقل، بی‌طرف و راستگو هستیم. ما معتقد به دستیابی به بالاترین استاندارد در زمینه دقت عمل و انصاف هستیم و تلاش می‌کنیم هرگز از روی عمد مخاطبان خود را گمراه نکنیم. ... تعهد ما به رعایت انصاف سستون ارتباط ما با مخاطب براساس اعتماد است. در تمام خروجی‌ها ما هر موضوعی را با بی‌طرفی دنبال می‌کنیم و همه نقطه‌نظرات را حول آن موضوع بازتاب می‌دهیم.» با وجود این عبارات، نیاز به توضیح بیشتری از آنچه بی‌بی‌سی درمورد خود ادعا می‌کند، وجود ندارد. با توجه به شباهت بسیار بالایی که حوادث روزهای گذشته فرانسه با آشوب‌های پاییز سال گذشته در ایران از جهات مختلف دارد، فرصت مناسبی است که ادعاهای بی‌بی‌سی فارسی را بسنجیم. از سه‌شنبه بی‌بی‌سی فارسی که به‌صورت میانگین چیزی حدود ۱۰۰ پست در کانال تلگرام خود منتشر می‌کند، به‌طور متوسط روزی یک پست را به حوادث فرانسه

سکوت بهترین راهبرد برای حفظ آبرو است اما از آنجایی که ماهیت رسانه اطلاع‌رسانی و پرداخت به اخبار مهم جهان را لازم می‌کند این رسانه‌ها نیز به ناچار در موارد معدودی به اخبار فرانسه پرداخته‌اند که البته در همین معدود موارد نیز مصدایق خوبی برای نشان دادن تعاریف دوگانه آنها از آشوب خیابانی وجود دارد.

و خبری مختصر درمورد اتفاقات فرانسه نیز در بخش دوم مورد اشاره قرار می‌گیرد. حال آنکه اگر ارزش‌های خبری موردتوجه باشد یک برنامه مرتبط با اخبار باید جدیدترین خبر را بازشر دهد، به‌ویژه آنکه آن خبر مرتبط با اتفاقات و آشوب‌های بزرگی باشد که در چند شب اخیر در پاریس و شهرهای حوم رخ داده‌ است. در برنامه اتاق خبر شبکه منوتو که شنبه ۱۰ تیر از این شبکه پیش شد، سازندگان در بخش ابتدایی برنامه یک‌واژه جدید خلق کردند و چندین دقیقه به موضوعی تحت‌عنوان «بلوغ سیاسی زودرس» پرداختند تا نشان دهند معترضان در ایران ولو اگر سن کمی هم داشته‌باشند، از فهم و درک کافی برای اعتراض برخوردارند. رویکرد متناقض اما خیلی‌زود دست آنها را رو می‌کند؛ چراکه چند دقیقه بعد زمانی که در قسمت دوم برنامه به موضوع اتفاقات فرانسه با عنوان شورش پرداخته می‌شود، کارشناس دعوت‌شده معترضان را جوانان و نوجوانان خارجی تبار می‌خواند تا به این طریق بتواند منطق پشت شکل‌گیری اعتراضات را زیرسوال ببرد و آن را بخشی کودکانه جلوه‌دهد. مجری برنامه نیز با عباراتی همچون «آشوبگران باشکستن و پتیرن فروشگاه‌ها دست به غارت‌زدند» لفظ شورش‌ی را به آنها اطلاق کند و برخورد با آنها را موجه جلوه دهد.

در قسمت دیگری از برنامه اتاق خبر مجری با پرسیدن این سوال که آیا در جریان مراسم تشییع نوجوان ۱۷ ساله تنشی بین معترضان و پلیس به‌وجود آمده، قصد دارد مطابق خط‌خبر این رسانه این‌گونه به مخاطب بوقعا القا کند که رویکرد پلیس با معترضان در فرانسه کاملاً منطقی بوده‌ است. کارشناس این شبکه اما سناریو مجری را برهم زده و از کشته شدن دو نفر خبر می‌دهد. این کارشناس در ادامه برای موجه جلوه دادن علت مرگ این دو نفر می‌گوید: «قربانی‌ها قربانی‌های پاریس نیستند، یک‌نفر هنگام غارت مغازه‌ها از بام افتاده و دیگری توسط یک تیرانداز غیررسمی، این‌گونه صحنه‌ها نتیجه عمل یک‌اقلیت بسیار بسیار ناچیز است.» این رسانه درحالی سعی می‌کند کشته‌شدگان حوادث پاریس را نادیده بگیرد که درمورد حوادث ایران نظر دیگری داشته و هرگونه حادثه منجر به فوتی را به التهابات خیابانی مرتبط می‌دانست.

بسیار تاکید کرده‌اند، سیاست‌های شهرسازی این کشور در دهه‌های گذشته بوده‌ است. «آسیب به اموال عمومی و غارت مغازه‌ها اتفاقات ناخوشایندی است و فارغ از اینکه علت اصلی آن کشته شدن نوجوان فرانسوی تحت‌تاثیر نژادپرستی نهاده‌نیده‌شده در پلیس فرانسه باشد یا ایرادات ساختاری و مشکلات معیشتی مردم این کشور امر مذمومی است. همان‌طور که اگر این اتفاقات در ایران نیز رخ دهد و منجر به سلب آسایش مردم شود باید آن را نقد کرد. اما از نگاه گردانندگان رسانه‌های معاند و خارج‌نشین چنین اقداماتی صرفاً زمانی مذموم است که ریشه در مشکلات اقتصادی فرانسه داشته باشد نه ایران.



## روایت آشوب‌ها در فرانسه به‌زبان رادیو فردا

کرده‌ است. در بخشی از این گزارش آمده: «اعتراضاتی که تاکنون چهارشب پیاپی در شهرهای مختلف فرانسه ادامه داشته، شدت خشونت‌های غیرقابل‌توجیه و غیرقابل‌قبولش منجر به تخریب گسترده اموال عمومی و خصوصی شده و عمق نفرت معترضان بهت عمومی را برانگیخته، دلیل مشخص دارد. شناخت این دلایل نه‌تنها موجب درک این اعتراضات خواهد شد، بلکه مصونیتی دربرابر دام تبلیغات جهت‌دار حکومت‌هایی چون جمهوری اسلامی ایجاد می‌کند.» این گزارش در شرح دلیل این اعتراضات، می‌نویسد: «یکی از مهم‌ترین دلایل اعتراضات فرانسه که خود رسانه‌ها و کارشناسان فرانسوی در روزهای اخیر بر آن

لیون، تولوز و برست موجی از واکنش شهروندان و مقام‌های فرانسه را برانگیخته است.» رادیو فردا در شرح آنچه برای ناثل اتفاق افتاده نیز نوشته: «براساس اعلام دستگاه قضایی فرانسه، این نوجوان در خط ویژه اتوبوس درحال رانندگی باسرعت زیاد بود و پشت چراغ قرمز هم توقف نکرد و پلیس به همین دلیل او را متوقف کرده بود.» این رسانه اما سعی کرده کمتر به‌دام تناقض‌گویی‌هایی بیفتد که رسانه‌های فارسی‌زبان مثل اینترنشنال، بی‌بی‌سی و منوتو دچار آن شده‌اند. رادیو فردا به‌جای این رویکرد تلاش داشته پرداخت دوگانه به ناآرامی‌ها فرانسه و ایران را توجیه کند. نمونه آن گزارش‌شی است که این رسانه در سایت خود منتشر

موج خشم و تصاویر خشونت‌باری که از ناآرامی‌ها در فرانسه درحال انتشار است، باعث شده توجه رسانه‌های دنیا به‌سمت این اتفاقات جلب شود. در این میان اما رادیو فردا درکنار دیگر رسانه‌های فارسی‌زبان خارج‌نشین، در پرداخت به اخبار آشوب‌ها در فرانسه به روایت کلیت ماجرا بسنده کرده و تا جایی ممکن جزئیات و اتفاقات درحال وقوع در فرانسه را پوشش نداده‌ است، از طرفی تنها به روایت اتفاقات فرانسه بدون موضع‌گیری مشخص پرداخته‌ اما در مواردی هم اشاره می‌کند موج تخریب‌ها باعث بروز ناراضیاتی مردم شده‌ است. «میزان تخریب اموال و اماکن عمومی در شامگاه چهارشنبه در شهرهای مختلف کشور ازجمله



# برگزاری دوره کشوری طرح اعتلای حضور هزار استاد

دبیران اتحادیه انجمن‌های علمی برق و اقتصاد در گفت‌وگو با «فرهیختگان»:

## دفاتر سیاست‌گذاری پاتوق جلسات دوره‌های هستند

■ ایده‌های دانشجویی به نفع وزارتخانه صادره می‌شود  
چنین اقداماتی بستن دست انجمن‌هاست

■ ۴۲ اتحادیه ثبت شده داریم اما ۲۶ اتحادیه فعالند

■ انجمن علمی می‌تواند حلقه وصل باشد  
اما خودش به تنهایی نمی‌تواند خلق ارزش کند



**فرهیختگان**  
**دانشگاه**

شماره مسلسل ۶۶۴ | دوشنبه ۱۴ خرداد ۱۴۰۲ | ۱۴ دیمه ۱۴۴۴ | ۳ جولای ۲۰۲۳ | شماره ۳۹۰۲  
Mon | 3 Jul 2023 | vol.15 | No. 3902 | 16 Pages  
www.fdn.ir

رئیس دانشگاه آزاد خواستار شد

**کلاس درس دفاع مقدس برای همه جوانان سهل الوصول شود**

دبیر هیات حمایت از کرسی‌های نظریه پردازی، نقد و مناظره در گفت‌وگو با «فرهیختگان» مطرح کرد

**تولید ۶۶ نظریه علمی در طول ۴۰ سال گذشته**

معاون فرهنگی دانشجویی دانشگاه آزاد واحد یاسوج به «فرهیختگان» خبر داد

**واحد یاسوج میزبان جشنواره ملی شعر مهدوی اقوام**

### گفت‌وگو

معاون امور مجلس و سخنگوی دانشگاه آزاد در گفت‌وگو با «فرهیختگان» خبر داد

## برگزاری دوره کشوری طرح اعتلای حضور هزار استاد

یعنی تا پایان خرداد ۱۴۰۲ چهار هزار نفر از اعضای هیات علمی واحدهای دانشگاهی، موفق به شرکت در مرحله مقدماتی و استانی آن شده و امیدواریم تا پایان شهریور، بیش از ده هزار نفر از اساتید واحدهای دانشگاهی در این دوره‌ها شرکت کنند. « قربانی تصریح کرد: «مخاطبان دوره طرح ملی اعتلا، اساتید، کارمندان و مسئولان دانشگاه آزاد و کارکنان سازمان مرکزی هستند که به صورت کارگاهی و به روش هم‌اندیشی و مباحثه در این دوره‌ها مشارکت دارند. توصیه موکد شده که در راستای ارتقای ارتباطات اجتماعی دانشگاه و نیز بهره‌گیری از ظرفیت علمی، فرهنگی، اجتماعی و مدیریتی از حضور مسئولان استانی و منطقه‌ای همچون ائمه جمعه، استاندانان، فرماندهان سپاه، نمایندگان مجلس شورای اسلامی و دیگر مدیران استانی به نحو مقتضی و متناسب با عناوین دروس، استفاده شود. «معاون امور مجلس و سخنگوی دانشگاه آزاد در ادامه گفت: «دوره‌ها به نحوی برگزار می‌شوند که نتیجه آن ضمن ارتقای سرمایه اجتماعی نظام اسلامی، به تقویت و تعالی مرجعیت فکری و اجتماعی دانشگاهیان منتهی شده که شرکت‌کنندگان در این دوره‌ها، با شناخت دقیق نظام سلطه و رفتارشناسی دشمنان نظام اسلامی از ارزش‌ها و دستاوردهای انقلاب اسلامی، دفاع عقلانی کرده و به نقد عالمانه مکاتب الحادی و التقاطی و جهاد تبیین در سطوح گوناگون اقدام کنند. «او اضافه کرد: «محتوا

محمد قربانی گلشن آباد، معاون امور مجلس و سخنگوی دانشگاه آزاد در گفت‌وگو با «فرهیختگان» درباره جزئیات این طرح گفت: «در راستای تحقق، اجرایی‌سازی و عملیاتی کردن منویات، فرامین و رهنمودهای رهبر حکیم انقلاب اسلامی و تأکید مکرر ایشان مبنی بر «جهاد تبیین به مثابه یک فریضه قطعی و فوری» اولین دوره «طرح ملی اعتلا»، تعالی معرفتی، مهارتی و حرفه‌ای مسئولان، اساتید و کارمندان دانشگاه آزاد) کلید خورد. طرحی که براساس مفاد سیاست‌های کلی ابلاغی مقام‌معتبر رهبری در حوزه علم و فناوری، نقشه جامع علمی کشور و سند تحول و تعالی دانشگاه آزاد تدوین شده است. از اسفندماه سال گذشته تا پایان خرداد امسال حدود ۴ هزار نفر از اعضای هیات علمی این دانشگاه در دوره‌استانی این طرح شرکت کرده‌اند. حالا هم قرار است با توجه به ضرورت تداوم و استمرار این دوره تعالی بخش معرفتی و مهارتی دوره کشوری طرح اعتلا با شرکت هزار نفر از اساتید واحدهای دانشگاهی در روزهای سه‌شنبه و چهارشنبه یعنی سیزدهم تا چهاردهم تیرماه در سازمان مرکزی دانشگاه آزاد برگزار شود.

محمد قربانی گلشن آباد، معاون امور مجلس و سخنگوی دانشگاه آزاد در گفت‌وگو با «فرهیختگان» درباره جزئیات این طرح گفت: «در راستای تحقق، اجرایی‌سازی و عملیاتی کردن منویات، فرامین و رهنمودهای رهبر حکیم انقلاب اسلامی و تأکید مکرر ایشان مبنی بر «جهاد تبیین به مثابه یک فریضه قطعی و فوری» اولین دوره «طرح ملی اعتلا»، تعالی معرفتی، مهارتی و حرفه‌ای مسئولان، اساتید، دانشجویان و کارکنان واحدهای دانشگاهی و در جهت شبکه‌سازی اجتماعی، بصیرت‌افزایی انقلابی و توانمندسازی حرفه‌ای در چهارچوب تحقق «سازمان جهاد تبیین» در حال برگزاری است. « او درباره اهداف برگزاری طرح ملی اعتلای توضیح داد: «تعمیق بصیرت انقلابی، دانش سیاسی و اجتماعی استادان، کارمندان و ارتقای سرمایه اجتماعی نظام اسلامی با تقویت و تعالی مرجعیت فکری و اجتماعی دانشگاهیان از جمله اهداف برگزاری این رویداد است. همچنین تقویت و تحکیم سازمان جهاد تبیین مورد تأکید مکرر رهبر حکیم انقلاب اسلامی، شبکه‌سازی هم‌افزاد در چهارچوب بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی و تعالی اجتماعی و تحول فرهنگی دانشگاهیان از اهداف دیگری است که در این طرح پیگیری می‌شود. «

قربانی با بیان اینکه طرح ملی اعتلا با لحاظ مفاد سیاست‌های کلی ابلاغی مقام‌معتبر رهبری در حوزه علم و فناوری، نقشه جامع علمی کشور، سند دانشگاه اسلامی، سند تحول و تعالی دانشگاه آزاد و... طراحی و در حال اجراست ادامه داد: «این طرح در دو مرحله مقدماتی یعنی اسفند ۱۴۰۱ تا شهریور ۱۴۰۲ و تکمیلی یعنی از مهر ۱۴۰۲ تا شهریور ۱۴۰۳ برگزار می‌شود. « معاون امور مجلس و سخنگوی دانشگاه آزاد با تأکید بر اینکه این دوره‌ها در سه سطح تعریف شده‌اند اظهار کرد: «این طرح در سه مرحله استانی، منطقه‌ای و کشوری برگزار می‌شود. تاکنون



سارا طاهری خبرنگار گروه دانشگاه

### راه‌اندازی کارخانه تولید پلاستیک زیست‌تخریب‌پذیر در دانشگاه آزاد مشهد

رئیس دانشگاه آزاد خراسان رضوی و مشهد گفت: «دانشگاه آزاد مشهد به زودی با کمک اساتید سرآمد و با مشارکت آستان قدس رضوی، صاحب کارخانه تولید پلاستیک زیست‌تخریب‌پذیر خواهد شد که پیش‌بینی می‌کنیم تا پایان سال ۱۴۰۲ این طرح صنعتی را عملیاتی کنیم. «

محسن مرادی با بیان اینکه در آینده نزدیک دانشگاه آزاد مشهد به یکی از واحدهای تولید قطعه مبدل خواهد شد، اظهار کرد: «یک کارخانه نوآوری در مشهد با همکاری بخش خصوصی ایجاد کرده‌ایم که در این کارخانه قرار است در کنار شرکت‌های دانش‌بنیان ما ۱۰ واحد فناوری هم مستقر شوند و تقریباً یک‌ماه دیگر افتتاح می‌شود. «

رئیس دانشگاه آزاد خراسان رضوی و مشهد ادامه داد: «دانشگاه آزاد مشهد به زودی با کمک اساتید سرآمد و فرهیخته و با مشارکت آستان قدس رضوی، صاحب کارخانه تولید پلاستیک زیست‌تخریب‌پذیر خواهد شد که پیش‌بینی می‌کنیم تا پایان سال ۱۴۰۲ این طرح صنعتی را عملیاتی کنیم. « وی در بخش دیگری از سخنان خود با اشاره به طرح تأمین مسکن کارکنان، خاطرنشان کرد: «ما در استان خراسان رضوی نسبت به تهیه مسکن برای کارکنان و اعضای هیات علمی برنامه‌ریزی کرده‌ایم و برای اجرای این طرح نیز یک زمین ۲۰۰ هکتاری در اختیار داریم. «

مرادی با بیان اینکه مخاطب این طرح بانزستستان کارکنان و اعضای هیات علمی واحدهای دانشگاه آزاد در استان خراسان رضوی هستند، تصریح کرد: «قرار است در این طرح قیمت تمام‌شده زمین از متقاضیان دریافت نشود تا هم یک مزیت رفاهی برای همکاران محسوب شود و کسانی هم که در طول خدمت خود نتوانستند صاحب مسکن شوند از این فرصت استفاده کنند. «رئیس دانشگاه آزاد خراسان رضوی و مشهد با بیان اینکه ما به دنبال ساخت خانه‌های ویلایی دو طبقه در این فضا هستیم، اضافه کرد: «هزینه‌ساخت نیز بر عهده متقاضیان است. «

۳. همراه داشتن کلیه مستندات پژوهشی و آموزشی مربوطه در زمان حضور در جلسه آزمون اختصاصی (مصاحبه) الزامی است. نمی‌رود. «

### تقویم آموزشی سال تحصیلی ۱۴۰۳-۱۴۰۲ دانشگاه آزاد اعلام شد

محمد علی اکبری معاون علوم، مهندسی و کشاورزی دانشگاه، محمدهادی همایون معاون علوم انسانی و هنر دانشگاه و محسن نقر معاون علوم پزشکی دانشگاه، دستورالعمل «تقویم آموزشی سال تحصیلی ۱۴۰۳-۲۰۱۴۰۲» گروه علوم پزشکی را به روسای استان‌ها و واحدهای ویژه دانشگاه آزاد ابلاغ کردند.

### دوره تربیت مربی کودک مردادماه برگزار می‌شود

عاصمه قاسمی گفت: «این‌نامه مرکز تربیت اسلامی کودک (تاک) ابلاغ شده است و مقرر شده که این مرکز در سه حوزه راه‌اندازی کودکستان‌ها در واحدهای دانشگاه آزاد، تولید محتوای تربیتی برای کودکستان‌های دانشگاه و تولید محتوا برای تربیت مربی کودکستان‌ها و همچنین تربیت مربی فعالیت خود را آغاز کند. «

وی ادامه داد: «این مرکز ذیل معاونت علوم تربیتی فعالیت خود را آغاز خواهد کرد که با تشکیل گروه‌های تخصصی در سه حوزه‌ای که ذکر شد کار به‌صورت جدی تر آغاز و تکمیل می‌شود. «مشاور امور بانوان و خانواده دانشگاه آزاد تصریح کرد: «در حال حاضر راه‌اندازی کودکستان‌ها هم در تهران و هم در استان‌ها آغاز شده است و ما هم در ستاد با تولید محتوا و تربیت مربی آنها را کمک می‌کنیم و این در واقع اولین مرحله تاک است. «

قاسمی افزود: «با توجه به راه‌اندازی تاک و اینکه یکی از رسالت‌های آن تربیت مربی است، دوره تربیت مربی کودک مردادماه در سطح کشوری برگزار می‌شود. « وی خاطرنشان کرد: «اساتید، دانشجویان و کارکنانی که شرایط لازم را داشته باشند می‌توانند در این طرح شرکت کنند و در نهایت در کودکستان‌های دانشگاه آزاد در سراسر کشور مشغول به کار شوند. «

بروند. باید برای هزینه‌ها فکر کرد؛ چراکه اگر جوان نرود امیدی به ساخته شدنش نمی‌رود. «

### ثبت نام نقل و انتقال و میهمانی دانشجویان دانشگاه آزاد آغاز شد

ثبت نام نقل و انتقال و میهمانی دانشجویان دانشگاه آزاد برای نیمسال اول سال تحصیلی ۱۴۰۳-۲۰۱۴۰۲ آغاز شده و تا روز سه‌شنبه ۱۰ مردادماه ادامه دارد. متقاضیان برای ثبت‌نام به سامانه مدیریت نقل و انتقال دانشجویی دانشگاه آزاد (منادا) به نشانی <http://monada.iau.ir> مراجعه کنند. با توجه به اینکه تمامی مراحل فرآیند رسیدگی به درخواست‌های نقل و انتقال و میهمانی از طریق سامانه منادا قابل پیگیری است، متقاضیان از مراجعه حضوری به سازمان مرکزی خودداری کنند. لازم به ذکر است صرفاً درخواست متقاضیانی بررسی خواهد شد که شماره پرونده از طریق سامانه دریافت کرده‌اند.

### اعلام جزئیات آزمون اختصاصی کارشناسی ارشد واحدهای ارس، کیش و امارات

ثبت نام کنندگان مرحله تکمیل ظرفیت آزمون اختصاصی (مصاحبه) دوره کارشناسی ارشد سال ۱۴۰۱ واحدهای ارس، کیش و امارات به منظور اطلاع از تاریخ، زمان و محل مصاحبه خود از روز گذشته با مراجعه به پایگاه اینترنتی <http://ssp.iau.ir> می‌توانند نسبت به دریافت اطلاعات فوق اقدام کنند. داوطلبانی که در بیش از یک مجموعه ثبت‌نام کرده‌اند، اطلاعات مربوط به تاریخ، زمان و محل مصاحبه خود را در پایگاه اینترنتی مذکور به‌طور همزمان مشاهده خواهند کرد. همچنین به داوطلبان توصیه می‌شود به نکات ذیل دقت کنند:

۱. حضور در تاریخ و زمان اعلام شده در محل آزمون اختصاصی (مصاحبه) الزامی و عدم حضور در زمان مقرر به منزله انصراف است. ۲. در زمان حضور در آزمون اختصاصی (مصاحبه) لازم است اصل کارت ملی یا شناسنامه عکس دار همراه داشته باشند.

### چه خبر از دانشگاه

#### کلاس درس دفاع مقدس برای همه جوانان سهل الوصول شود

دکتر محمد مهدی طهرانچی، رئیس دانشگاه آزاد اسلامی در همایش «تجلی ایثار» و تجلیل از دست‌اندرکاران راهیان نور اظهار کرد: «محیط‌های آموزشی ما به شدت نیازمند روش‌های نوین آموزشی است. فضای مهارتی جای خود را به محیط‌های رفاقتی داده است. چه باید کرد؟» وی با اشاره به سخنان مقام‌معتبر رهبری درباره راهیان نور گفت: «مقام‌معتبر رهبری می‌فرمایند راهیان نور یک فناوری نوین برای استفاده از معدن طلای دفاع مقدس است. این رویکرد امروز نجات‌بخش جوانان ماست و باید جدی گرفته شود. « دکتر طهرانچی افزود: «راهیان نور یک فناوری مقابل فناوری مجازی است. مگر غیر از این است که فرزندان خود را در دریای وانهادیم که دشمنان آنها در ساحل قرار دارند. وعده خداوند به موسی (ع) بود که «وَأَلْقَيْتُ عَلَيْكَ مِجَنَّةَ مِثْلٍ» یعنی من محبتم را به تو القا کردم و لذا خداوند گویی به جوانان ما وعده داده محبتم را به دل شما می‌اندازم و شما را جلوی چشم‌های من می‌سازم. بنابراین راهیان نور اولین نکته است، الفای محبت خدا به جوانان ما است. از فضای شهر ساخته شده توسط دشمنان خارج شده و وارد وادی محبت و عشق می‌شوند. « رئیس دانشگاه آزاد با اشاره به آیه ۱۶۹ سوره آل عمران اظهار کرد: «خداوند در این آیه می‌فرماید که وَلَا تَحْسَبِ الَّذِينَ قُتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْواتًا بَلْ أحياءٌ عندهم يُرزقون (ای پیامبر! هرگز گمان میرکسانی که در راه خدا کشته شدند، مردگانند! بلکه آنان زنده‌اند و نزد پروردگارش روزی داده می‌شوند. «) دکتر طهرانچی ادامه داد: «راهیان پیشرفت برای آشنایی جوانان با ظرفیت‌های مهم است، ولی محبت در اولویت است و بعد ساخته شدن ایجاد می‌شود، باید راهیان نور مورد توجه باشد؛ چراکه بی‌بديل است. وقتی جوان وارد آن فضا می‌شود از جهان خودش جدا می‌شود و در دایره خدا قرار می‌گیرد و این را باید قدر بدانیم. «رئیس دانشگاه آزاد گفت: «باید این کلاس درس را برای همه جوانان سهل الوصول کنیم. باید به نقطه‌ای برسیم همه جوانان ۱۸ سالگی یک بار راهیان نور



به‌نظر می‌رسد شورای حمایت و نظارت بر فعالیت‌های

**انجمن‌ها و اتحادیه‌های علمی دانشجویی کشور تا امروز آن‌طور که باید شناخته‌نشده، با توجه‌به این مساله‌نقش آن رادر تعیین‌سیاستگذاری انجمن‌هاچطور ارزیابی می‌کنید؟**

**مرادی:** در ابتدا درباره‌ی خود‌شورا، اعضایش واینکه چه کاری انجام می‌دهد، بگویم. شورای حمایت و نظارت بر فعالیت‌های انجمن‌ها و اتحادیه‌های علمی، متشکل از سه عضو است که دو نفر از آنها نماینده‌ی اتحادیه‌های کشور و یک نفر نماینده‌ی مجامع دانشگاه‌ها است. طبق آیین‌نامه‌ها، اساسنامه‌ها و دستورالعمل‌هایی که تدوین شده، در این‌شورا برای حمایت از اتحادیه‌ها، انجمن‌ها، رویدادهایی که می‌خواهند برگزار کنند و روی‌موجو‌ها‌بود‌چه‌ای‌که‌می‌خواهند‌به‌آنها‌بدهند،‌باید‌تجمع‌نظر داشته‌باشد. مساله‌ی دیگر که اساسی‌تر هم است، تدوین دستورالعمل‌ها و آیین‌نامه‌ها است که امروز به آن ورود کرده و با همکاری بقیه اعضای‌شورا شامل معاون فرهنگی وزارت علوم، مدیرکل پشتیبانی فرهنگی وزارت علوم، یک نماینده از اساتید دانشگاه‌ها و یک نماینده از بدنه وزارت علوم مشغول همکاری درباره آن هستیم. کار دیگر این‌روزهای ما سیاستگذاری درباره جشنواره حرکت و موضوع بعدی هم زمان برگزاری انتخابات استدری‌انجمن‌ها‌و‌فرا‌آینده‌ای‌است‌که‌باید‌طی‌کنند. قبول دارم که پیش از این، فعالیت‌های‌شورا پررنگ نبوده که دلیل آن وجود بیماری کرونا در کشور بود؛ چرا که این مساله باعث شد تا زمان انتخابات اتحادیه‌ها جابه‌جا شده و مجازی برگزار شود. با این حال این دوره با حمایت‌هایی که انجام می‌شود، ان‌شاء‌الله شاهد نقش پررنگ‌تر‌شورا خواهیم بود.

**در ابتدا هم گفتم که‌شورا خیلی شناخته‌شده نیست. نقش فعالان انجمن‌ها در این عدم‌شناخت چقدر است؟**

**مرادی:** آسیب‌شناسی این قضیه آن است که خود انجمن‌ها و اتحادیه‌های علمی تقریبا خیلی شناخته‌شده نبودند. ما که همگی ابتدا دبیر انجمن بودیم و بعد دبیر اتحادیه شدیم و من نیز الان چهار سال در این فضا هستم. وقتی شروع کردیم برای مثال انجمن علمی دانشگاه‌های خودمان را یک‌سری از اساتید خودمان نمی‌شناختندو از طرف اتحادیه‌ی جلاسی که با نهاد‌های خصوصی و دولتی می‌گذاشتیم، نمی‌شناختند و بیشتر وقت انرژی ما صرف این می‌شد که به آنها ظرفیت‌هایمان، تعداد جمعیت‌مان و اینها را بشناسانیم. این امر یکی از مشکلات بود که پیش‌تر گذاشتیم و در مرحله بعد از این اعتماد که وارد‌شورا شدیم، بنا داریم که این‌شورا را به جاهای دیگر هم بشناسانیم.

**چه خلئی احساس می‌شده که تغییر و تدوین آیین‌نامه مدنظر‌شورا قرار گرفت؟**

**مرادی:** سابق بر این برای انجمن‌های کل کشور یک آیین‌نامه کلی وجود داشت و اگر اشتباه‌کنیم برای اتحادیه‌ها دستورالعمل داشتیم.

**توکلاسی:** در مورد آیین‌نامه‌های حاکم بر فعالیت‌های فضای دانشجویی دو دسته تقسیم‌بندی کلی وجود دارد؛ یکی آیین‌نامه‌های داخلی هستند که وزارت علوم آنها را تدوین و تصویب کرده و به مرحله اجرا می‌گذارد. دیگری آیین‌نامه‌هایی هستند که در سطح شورای عالی انقلاب فرهنگی تصویب می‌شوند. به‌طور مثال آیین‌نامه قبلی مربوط به انجمن‌ها که مصوب سال ۹۶ بود، مربوط به شورای عالی انقلاب فرهنگی بود. باید به این مساله اشاره کنم که فضای انجمن‌های علمی فضایی پویاست و می‌طلبد که هر چند سال یک‌بار تغییر کرده و برحسب نیازها و ضرورت‌های هر برهه، آیین‌نامه هم تغییر کند. طبیعتا وزارت علوم نمی‌تواند برای هر کدام از این تغییرات، آن را به شورای عالی انقلاب فرهنگی برده و مصوبه بگیرد. بنابراین آخرین مصوبه آیین‌نامه انجمن‌ها که سال ۱۴۰۰ بود، دیگر مصوبه شورای عالی انقلاب فرهنگی را نداشتت و برای بقیه بخش‌ها مانند اتحادیه‌های علمی - دانشجویی و فعالیت‌هایی مثل جشنواره حرکت یک‌شبهه‌نامه‌ی دستورالعمل ابلاغ می‌شود. درحالی‌که جشنواره‌های علمی، آیین‌نامه‌ها شامل خود و ساختار سفت و محکم‌تری رادر دستگاه‌های اجرایی کشور دارند. نکته‌ای که باید مدنظر قرار داد، اینکه اتحادیه‌های علمی - دانشجویی تا به امروز همواره در سطح آیین‌نامه، بخشی از آیین‌نامه انجمن‌های علمی بودند، اما قرار است ان‌شاء‌الله این رویه تغییر کرده و خود اتحادیه‌ها هم صاحب یک آیین‌نامه مجزا شوند و به این ترتیب، وجاهت و جایگاه آنها تثبیت و تقویت شود.

**شورای جدید قرار است چه مسیری را برای حمایت از انجمن‌ها و اتحادیه‌های علمی دنبال کند؟**

**مرادی:** نکته‌ای در بحث ارتباطات بین‌المللی وجود دارد، اینکه مشابه تشکیل‌های علمی - دانشجویی که ما داخل ایران داریم تا حدی در دانشگاه‌های خارج از ایران هم وجود دارد و آنها هم متشکل‌های علمی، اتحادیه‌ها و انجمن‌هایی دارند.

هدف از سیاستگذاری ما این است که بتوانیم به این شکل‌ها نزدیک‌شویم، چون خیلی وقت‌ها بین دو دانشگاه و نهاد‌های بالادستی تفاهنامه بسته می‌شود و شرایط مهمیاست، ولی قشر دانشجویی ورود نمی‌کند یا اینکه اطلاع ندارد که می‌تواند از این ظرفیت استفاده کند. ما می‌خواهیم این ارتباطاتی که ایجاد می‌شود و این تفاهنامه‌ها به‌طور مستقیم میان قشرهای دانشجویی بین دو کشور، تعامل و ارتباط برقرار کند. دقیقا امروز در مرکز همکاری‌های وزارت علوم درباره همین مساله جلسه‌ای داشتیم و صحبت می‌کردیم که چگونه می‌توانیم سنگ بنای این قضیه را بگذاریم.

**انجمن‌های علمی دانشجویی‌رامی‌توان نمایندگان‌نخبگان**

**دانشجو معرفی کرد که انتظار می‌رود در چالش‌های مختلف کشور مثل مساله اشتغال که گریبانگیر دانشجویان هم هست نقش آفرینی کنند. این رویکرد تا چه میزان مورد توجه اعضای انجمن‌ها قرار دارد؟**

**توکلاسی:** لازم است که جمله شما را تصحیح کنم. اینکه انجمن‌های علمی محفل نخبگانی فعالان دانشجویی است، با ذکر این شرط درست است که تعریف‌مان از نخبه را وسیع‌تر کنیم. ما یک تعریف کلاسیک از نخبه داریم. در کشورمان نهادی به نام بنیاد ملی نخبگان تاسیس شده است و معیارهای کمی را قرار داده‌اندومی‌گویند که فلان فرد نخبه است؛ یعنی اگر این تعریف را بخواهیم معیار قرار دهیم، لزوما نه، انجمن‌های علمی محفل نخبگانی نیستند. باید توجه داشت که بعضا از این قضیه علیه انجمن‌ها استفاده می‌کنند. به عبارتی به ما می‌گویند چرا شما چنین ادعایی دارید، درحالی‌که معرف جامعه‌نخبگان نیستید؟! اما اگر نخبه را فردی در نظر بگیریم که دغدغه دارد و کنشگر است و نسبت به جامعه‌ای که در آن حضور دارد بی تفاوت نیست، چه در سطح دانشکده و دانشگاه و چه در سطح ملی ودر همان راستا توانایی‌ها و مهارت‌هایی را هم دارد که امروزه به آن مهارت‌های نرم گفته می‌شود و می‌تواند ارتباط بگیرد، رویدادی را برگزار کرده و خلق ارزشی کند و برای ارزش‌های علمی که در دانشگاه معمول است، بله می‌توان گفت که با این تعریف، انجمن‌های علمی محفل اصلی نخبگان دانشجویی هستند. حالا درباره این سوال که آیا باید یک نهاد رسمی حاکمیتی برای اینها اشتغال‌زایی کند یا اینکه باید چاره آن فراهم شود، در کشورهای مختلف دو دیدگاه متفاوت است. بعضی کشورها وزارت کار و یک نهاد کانون‌های کاریابی ایجاد می‌کنند؛ در کشور خود ما به تعداد دانشگاه‌های کشور، دفاتر کارآفرینی در دانشگاه‌ها وجود دارد؛ اما باید دید اینها چقدر اثرگذار بوده‌اند؟ بعد از آن باید مطالبه کنیم که وزارت علوم در این زمینه ورود کرده و برای این دانشجویان کار

ایجاد کند. مساله اصلی اینجاست که انجمن علمی و فعالان علمی - دانشجویی اگر همان مسیر که نسبت به آن دغدغه داشته را با علمی که دارند به‌دست می‌آورند همراه کنند و نیازی که در جامعه بازار وجود دارد را در نظر بگیرند، خودشان می‌توانند کارآفرینی به معنای ارزش آفرینی و خلق ارزش و نه اینکه لزوما شغل ایجاد کنند، را به همراه بیاورند. نمونه آن را من در دانشگاه علامه دیدم که در ایام کرونا یک انجمن علمی آمد محتوای آموزشی دروس آموزش پرورش کشور را به محتوای تصویری و آموزشی در فضای مجازی تبدیل کرد. آنها این را به‌صورت رایگان در اختیار دیگران قرار دادند، اما می‌توانستند آن را در قالب یک استراتاپ به یک کسب‌وکار تبدیل کنند. حلقه مفقوده در این میان یکی محتوای فراگیری برای خلق ارزش است و دیگری کسب دانش به‌روزی است که متاسفانه در دانشگاه‌های ما وجود ندارد و اینکه بگویم این را به‌صورت اختصاصی برای انجمن علمی فراهم کنند، درست نیست؛ چرا که این نیاز همه دانشگاه‌ها و دانشجویهای ماست و ما اگر دانشگاه‌های قوی‌تری داشته باشیم، قطعا انجمن علمی بهتری هم خواهیم داشت. ما الان آقدر عقب مانده‌ایم که این‌رویه برعکس شده و انجمن علمی از دانشگاه جلوتر است. اینجاست که ما می‌خواهیم به انجمن علمی فضا بدهند و با فرآیندهای بروکراتیک برای ارائه‌موجو‌ها و قواعد ساختاری که نباید این نهاد و آن نهاد را نیاز دارد، دست و پای انجمن‌ها را نبندند تا آنها خودشان عامل مولدی شوند برای اینکه دانشگاه را به پیش ببرند. به این ترتیب حتی دانشجویانی که عضو انجمن علمی نیستند هم می‌توانند از این پویایی که برای ارزش آفرینی و پاسخ به نیازها در دانشگاه‌های کشور به راه می‌افتد، همراه شوند؛ کما اینکه نمونه‌های آن را داشته‌ایم و خیلی از رویدادهای علمی که توسط انجمن‌های علمی برگزار شدند، به یک‌سری از استارت‌آپ‌ها ختم شده است. درحالی‌که از آن طرف رویدادهایی که به شکل ساختاری از طرف دانشگاه‌ها در حوزه کارآفرینی برگزار شدند یا مراکز رشد دانشگاهی و مراکز کارآفرینی دانشگاهی در آن دخیل بودند، به اندازه کافی موفق نبودند. دیتاهای اینها هم وجود دارند، ولی به‌رحال باید این رادر نظر بگیریم که در هر دانشگاهی و حتی خود وزارتخانه مرکزی هستت که بقا و موجودیت‌شان به این بستگی دارد که بگویند ما مفید هستیم و طبیعتا اینها نمی‌توانند دیتا‌ها را علنی کنند؛ اما دانشجو کند دانشگاه می‌بیند که واقعیت در این زمینه کاملا برعکس است.

ما الان در حوزه سیاستگذاری حتی در معاونت فرهنگی وزارت علوم هم دفتر سیاستگذاری داریم، ولی خروجی‌ای که می‌بینیم این است که عملا ده‌ای فقط دور هم هستند و اثرگذاری جدی در بحث سیاستگذاری کشور ندارند. یک مسئولی را می‌بینیم که به جلسات می‌رود و عکسش را می‌گیرد و اسمش هم رئیس دفتر سیاستگذاری است. ایده‌هایی هم که از دل ایده‌های دانشجویی می‌آید، در بهترین حالت ناگهان از شکل دانشجویی یا این شرط که به پرورش‌ورثاتی آن دفتر تبدیل شود، به نفع آن وزارتخانه مصادره می‌شود. چنین اقداماتی همان بسنت دست انجمن‌هاست، چون دانشجو می‌گوید من ایده‌ای آورده‌ام و می‌خواهم پویایی ملی را ببندم؛ و یک جشنواره، یک رویداد و یک خلق ارزش داشته باشم، اما این ایده را وزارت، دانشگاه، دفتر کارآفرینی یا دفتر مهارت‌افزایی از من می‌گیرد. یا اینکه مثلا دانشجویی می‌خواهد دوره تخصصی برگزار کند، دانشگاه او را مجبور می‌کند یا مرکز آموزش آزاد آن دانشگاه قرارداد امضا کند که البته این موانع اصلی در قانون یا مصوبه‌ای هم نیامده‌اند، اما جلوی خلق ارزش کارآفرینی و به‌نوعی انجام وظیفه مسئولیت اجتماعی انجمن علمی را گرفته‌اند.

**می‌شود گفت محل اصلی رجوع انجمن‌های علمی چه در سطح دانشگاه‌ها و چه در سطح کلان وزارتخانه دو معاونت پژوهشی و فناوری است. تعامل‌ها را چگونه می‌بینید؟**
**مرادی:** در سطح دانشجویها سر و کله‌زن با سازوکارهای اداری معمولا خیلی خسته‌کننده است و حتی وقتی کاری شروع می‌شود و پایش به ادارات دولتی باز می‌شود، معمولا فاصله می‌گیرند و شاید دانشجویان خیلی خود را درگیر نکنند. مشکل دیگر هم اینکه دو معاونت برخلاف اینکه خیلی وجه اشتراک دارند و هر دو با دانشجویها تعامل دارند اما همچنان با هم تعاملی ندارند و خیلی وقت‌ها در وزارت علوم می‌بینید که دو معاونت یک طبقه

# دانشگاه

با هم فاصله دارند، ولی تعامل‌شان آن‌طور که باید برقرار نشده و خواسته‌ای که بچه‌ها دارند، حتی پس از مدتی هم به گوش آن یکی معاونت نمی‌رسد و اگر هم می‌رسد، جدی گرفته نمی‌شود. به‌عنوان مثال ما برای یک جلسه شورای حمایت، دعوتی از یک معاونت دیگر انجام دادیم و وبا اینکه دفتر اینها بالای همدیگر بود، حدود چهار، پنج روز بود که هنوز به دست‌شان نرسیده بود، در جای دیگری هم دیدیم وقتی درخواست ما به آنها رسید، حتی آن را نخواندند.

**قطعا کار برای دانشجویان سخت‌تر می‌شود.**

**مرادی:** بله، گاهی دانشجو که پیگیر باشد، کار جلومی‌افتد، چون او بروکراسی اداری را هنوز نپذیرفته و درگیرش نشده و به‌شدت پیگیر است. بین دو معاونت آن‌طور تعامل سازنده‌ای که باید وجود ندارد. طرح‌هایی که انجمن‌های علمی و دانشگاه‌ها دارند، گاهی به‌سمت معاونت فرهنگی می‌آیند و گاهی آقدر طرح قوی است که امکان ارجاع آن به معاونت پژوهشی وجود دارد و طبیعتا یک‌سری ظرفیت‌های معاونت پژوهشی هم داریم که امکان ارجاع آن به ما وجود دارد اما این تعامل ناقص است و شاید اصلا حلقه وصل این قضیه‌نه‌صرفا با معاونت پژوهشی، بلکه دیگر بخش‌ها مانند معاونت فناوری و حتی خود این دانشجویان و انجمن‌های علمی هستند. امیدوارم از این ظرفیتی که بچه‌ها دارند، استفاده کنیم و حمایت‌ها هم وجود داشته باشد که کار را جلو ببریم.

**حمایت‌های مالی را چقدر اثرگذار می‌بینید و چقدر صورت می‌گیرد؟**

**مرادی:** مسائل مالی با توجه به وضعیت فعلی که دانشجویان در کشورمان دارند، قابل نادیده گرفتن نیست. بچه‌ها گرچه با دیدگاه کار داوطلبانه، کسب تجربه و... روبرو می‌کنند اما وقتی آن فضا از این نظر تامین‌کننده نباشد، دافعه ایجاد می‌شود و از این فضا فاصله‌می‌گیرند. گاهی بچه‌های دغدغه‌مند، دغدغه‌شان به دغدغه مالی تغییر می‌کند و اگر امکان حمایت مالی از آنها وجود داشته باشد، بچه‌ها در این فضا می‌مانند و حتی در حوزه‌های تخصصی خودشان در طرح‌هایی که می‌دهند هم فعالیت و پویایی فضای دانشجویی را حفظ می‌کنند. منظور من دانشجوی ارشد یا دکتری نیست؛ چرا که حتی دانشجوی دوره لیسانس هم شاید در ترم پنجم، نیاز مالی شدیدی پیدا کند و مجبور شود از فضاهای دانشجویی به این شکل فاصله بگیرد. حمایت‌هایی که الان صورت می‌گیرد یکی درمورد طرح‌ها و رویدادهاست و دیگری فعالیت انجمن‌ها. این نکته‌ای را که می‌خواهم بگویم از زبان چند انجمن علمی می‌گویم. دانشگاه‌ها متاسفانه در این زمینه به‌جای حمایت کردن دست‌وپای انجمن‌های علمی را خیلی بیشتر می‌بندند، به‌عنوان مثال در یک طرح یا رویداد وقتی بچه‌ها درآمدزایی می‌کنند، به آنها می‌گویند که این پول باید به حساب دانشگاه بیاید و بعد اگر خواستید آن را در این استفاده کنید، دانشگاه آن را به‌عنوان بودجه به شما می‌دهد.

این کار سبب دلزدگی بچه‌ها می‌شود. درواقع یکی از امکانات این فضا باید این باشد که بچه‌ها بتوانند کار اقتصادی یاد بگیرند و بیاموزند چگونه خودشان درآمد و هزینه‌شان را به هم برسانند و آن رادرست مدیریت کنند. اگر این فضا برای کسب تجربه است، طبیعتا برای کسب تجربه اقتصادی هم باید باشد. این اتفاق مدام در دانشگاه‌ها می‌افتد و سازوکار مالی انجمن‌ها را ذیل معاونت فرهنگی می‌بینند. البته تلاش زیادی دارد که اینجا جای صحبت درباره آن نیست، اما این کار باعث می‌شود حتی برای رویدادهای معمولی دست‌بچه‌هاست و بماند و نتوانند کار مجزایی را انجام دهند؛ درحالی‌که فعالان این بخش خیلی ظرفیت دارند و می‌توانند برای رویدادی که برگزار می‌کنند، اسپانسر بیاورند یا از خود دانشجویان مبلغی را بگیرند و خرج رویداد و مجموعه فعالیت‌های دانشجویی‌شان کنند.

**پیشنهاد شما برای حل این مشکل چه برای انجمن‌ها و چه اتحادیه‌های علمی کشوری چیست؟**

**مرادی:** درمورد اتحادیه‌ها ما پیشنهادی به معاونت فرهنگی دادیم که در جلسه آخر شورای وزارت علوم مطرح شد و آن هم این بود که بودجه‌ای را به‌صورت مجزا برای خود اتحادیه‌ها بگذارند. به این ترتیب اتحادیه‌هایی که تازه تاسیس هستند فعالیت‌های خود را بالا ببرند و سنگ بنای رویدادی را که می‌خواهند شروع کنند با استفاده از این بودجه بگذارند. پیشنهاد ما پرداخت بودجه‌ای سالانه به آنها بود، منتها به این شکل که وقتی تمام شد، بتوانند آن مبلغ را تمدید یا شارژ کنند. موافقت اولیه برای این منظور صورت گرفته و مصوب هم شده است.

**امروز چند اتحادیه علمی در کشور وجود دارد؟**

**مرادی:** حدود ۴۲ اتحادیه داریم که ثبت‌شده اما مراکز فعال ما ۲۶ اتحادیه هستند.

**چندسالی است که مقام معظم رهبری روی حوزه‌های آی‌تک یا هوش مصنوعی تاکید می‌کنند و با توجه به جایگاه این علوم در دنیای امروز، انجمن‌ها چقدر در این حوزه ورود کرده‌اند؟**

**توکلاسی:** رسالت اصلی انجمن علمی این نیست که مرزهای علم را جابه‌جا کند. الان وزارت علوم در پی این است که نسل جدید انجمن‌های علمی را تحت‌عنوان انجمن‌های علمی فناوری و نوآوری، معرفی و تاسیس کند. قرار است انجمن‌های علمی که این را ظرفیت دارند که مرزهای علم را گسترش بدهند و نوآوری داشته باشند، مثلا خودروبی را بسازند، بتوانند فعالیت کنند. ما در این کشور پژوهشکده و مراکز تحقیقاتی داریم و وزارتخانه‌های عریض و طویل که پژوهشکده‌های خاص خود را دارند یا دانشگاه‌هایی که متولی این امور به‌طور مستقیم هستند. انجمن‌های علمی می‌توانند بیابند برای اینها نیروی تربیت‌کنند و زمینه‌هایی را برایشان آماده و ارتباط‌شان را با جاهایی که نیازمند



**زهرار رضایی**  
خبرنگار گروه دانشگاه

**اواخر خردادماه بود که اعضای جدید شورای حمایت و نظارت بر فعالیت انجمن‌ها و اتحادیه‌های علمی دانشجویی کشور معرفی شدند؛ شورایی**

ارتباط هستند، تسهیل کنند. اگر این مسئولیت را به مسئولیت انجمن علمی اضافه کنیم، همان سسبک انجمن‌های علمی فناوری می‌شود و می‌توانند موفق عمل کنند، به‌شرطی که نگاه و برخورد با این انجمن‌ها متفاوت باشد. یک انجمن رهانشده از نظر حمایت‌های مالی نمی‌تواند در حوزه آی‌تک از جیب هزینه کند. شاید من بتوانم یک همایش، نشست یا یک حلقه‌مطالعاتی را خودم برگزار کنم اما قطعا اگر انجمنی بخواهد در حوزه AI یا مسائل بیوتکنولوژی کشور کار کند که رتبه خوبی دارد، لازم است امکانات خوبی از طرف نهاد‌های مربوط در اختیارش قرار گیرد، مثلا انجمن‌های علمی باید به‌طور مشخص با پژوهشکده روان مرتبط باشند. آنهايي که به‌واحد فناوری تبدیل می‌شوند باید به‌طور رسمی بتوانند از بهترین امکانات کشوری استفاده کنند. از طرفی باید به آنها اعتماد شود. من نمی‌دانم چگونه عمق اعتمادی را که امروز به انجمن‌های علمی وجود دارد، بیان کنم. ما انجمن‌های علمی داریم که کارهایی بین‌المللی در حدی بالاتر از جشنواره حرکت انجام داده‌اند و وزارت علوم آن را برگزار می‌کند اما نگاهی به آنها وجود دارد که گویی جمعی از بچه‌ها دور هم فعالیت می‌کنند و به اصطلاح سرشان گرم است، نه اینکه واقعا تغییری را رقم می‌زنند و تفاوتی ایجاد می‌کنند. اگر می‌خواهند وجود داشته باشد و امکانات لازم هم در اختیارشان قرار بگیرد. بسیاری از پیشرفت‌های حوزه فناوری امروز در دنیا از سوی بخش خصوصی اتفاق می‌افتد و این قابل انکار است که ورود و حمایت بخش دولتی به‌صورت کوتاه‌مدت می‌تواند این بخش را سربالسا نگه دارد. البته شرط بعدی حمایت از انجمن‌های علمی این است که دخالت هم نکنند. اگر نهادی حمایت کند اما به بهانه حمایت دخالت‌هایی در راستای منافع خودش و نه منافع علمی کشور انجام دهد، صرفا کارها به پروژه‌های علمی نمایشی تبدیل می‌شوند. ما متاسفانه نمونه اینها را در دوره کرونا داشتیم. کشور ما چند واکسن تولید کرد و ایالات متحده چه تعداد؟ اکثر کشورهای توسعه‌یافته وی‌وی‌ک، دوو نه‌پایت سه پروژه تمرکز کردند اما ما ۶ پروژه تولید واکسن داشتیم و برای هر کدام از اینها بودجه دولتی اختصاص یافت.

**شاید برخی واکنس‌ها آن‌طور که باید هم نتوانست در درمان و کنترل کرونا موفق باشد.**

**توکلاسی:** بحث بر سر نتیجه دادن یا ندادن نیست. مساله این است که صرفه‌مقیاس ندارد. صرفه‌مقیاس وقتی است که اقتصاد شما یک اقتصاد سالم باشد و بتواند در سطح جهانی فعالیت کند. وقتی که ما می‌دانیم کاری صرفه‌مقیاس ندارد، چرا باید روی آن سرمایه‌گذاری کنیم؟ در این زمینه‌ها بهتر است دولت نقش حمایتی داشته باشد اما نقش دخالت‌کننده در سیاست‌ها رانداشته باشد. انجمن‌های علمی امروزه خدارا شکر - استقلال خوبی در زمینه کارهایی دارند که خودشان انجام می‌دهند و اگر ما تقاضا یا مطالبه‌ای داریم که بیابند حمایت کنند، هم‌زمان این مطالبه‌را هم داریم. خیلی از پژوهشکده‌ها امروز فقط گزارش تولید می‌کنند و خروجی پاورپوینتی دارند و خروجی‌شان دارای ارزش ارائه در بازارهای داخلی یا بین‌المللی نیست. خروجی آنها صرفا دستاوردهایی برای نمایش در نمایشگاه‌هاست. جامعه‌می‌پرسد که نفع این کارها برای من چیست و بهتر است اگر انجمن‌های علمی هم می‌خواهند به این صورت باشند، بهتر است اصلا این فعالیت‌ها اتفاق نیفتد و این مطالبه‌را از انجمن‌ها نداشته

**دبیران اتحادیه انجمن‌های علمی برق و**

# دفاتر سیاستگذار

# دوره‌های



که شاید آن‌طور که باید شناخته شده نباشد، اما می‌تواند به‌عنوان حلقه رابط میان مسئولان وزارت علوم در سطوح مختلف و حوزه‌های مختلف با بدنه دانشجویی فعال در حوزه‌های علمی عمل کند. به‌عبارت دیگر منظور سیاستگذاری و تعیین راهبردها و برنامه‌های کلان و همچنین، نظارت بر عملکرد انجمن‌ها و اتحادیه‌ها و پشتیبانی از آنها

باشند؛ اما اگر این مطالبه را از انجمن‌ها داریم باید شرایط آن را هم رعایت کنیم.

**شما به بخش خصوصی و انجام فعالیت‌های علمی از این سمت اشاره کردید. انجمن‌های علمی چقدر می‌توانند بازوی درآمدی برای دانشگاه باشند و چقدر مادر این زمینه ورود کردیم؟**

**توکلاسی:** قانون مشخصی برای اینکه انجمن باید درآمدش را به دانشگاه بدهد، وجود ندارد یا حتی اینکه چه درصدی را بدهد یا اینکه اصلا انجمن چه درآمدهایی می‌تواند کسب کند. در سطح جهانی نگاه به دانشگاه مثل کشور ما نیست و بعد از دهه‌های

۱۹۸۰ تا ۱۹۹۰ فضا عوض شد. دانشگاه‌ها ما استاد دانشگاه تربیت می‌کند، یعنی هرکسی که داخل دانشگاه می‌آید، هدفش این است که می‌خواهد هیات علمی شود و به همین دلیل آموزش‌ها کاربردی نیست. مسائل تئوریک هستند و این نتنها درمورد رشته‌های فنی -مهندسی که در حوزه علوم انسانی نیز صادق است. به عبارتی انگار دانشجو فقط قرار است یک عضو هیات علمی یا کارشناس تخصصی نظری پست‌میزنشین در آن حوزه شود. این نگاه طبیعتا خروجی اینجینییی را هم به دنبال دارد و اگر دانشجو خودش نزد و مهارت‌های دیگرش را تقویت نکند، فضا به این شکل خواهد بود. انجمن‌های علمی می‌توانند امورا برای دانشجو تسهیل کرده و ارتباطات را به وجود آورند. اینکه خودشان بخوانند خلق ارزش کنند، باز دو شاخه می‌شود؛ اینکه بخواهند به واحدهای فناوری و نوآوری تبدیل شوند و تولید ارزش کنند، اما در سناریویی دیگر می‌بینیم که دانشگاه‌ها خود را به شرح وظایفشان محدود می‌کنند و دنبال خلق ارزش نیستند؛ البته انجمن علمی می‌تواند حلقه وصل باشد و لزوما خودش به‌تنهایی نمی‌تواند خلق ارزش کند؛ مثلا ما آمده‌ایم دفتر ارتباط با صنعت زده‌ایم ولی خروجی از آن نگرته‌ایم، چون دولتی‌ها کسانانی هستند که اغلب فقط می‌خواهند حقوق آخر ماه خود را بگیرند و نفعی از این ارتباط نمی‌برند؛ از طرفی کارخانه‌ها و صنایع مانند صنعت خودروسازی هم دارند کار خودشان را می‌کنند و اغلب هم متاسفانه با رانت و سوسید و اینها دارند کارشان را جلو می‌برند و احساس نیازی به دانشگاه نمی‌کنند. در انجمن علمی دانشجویانی وجود دارند که نه کار مشخص و نه درآمدی و نه مهارت تکامل یافته‌ای برای جذب‌شدن به بازار کار دارند. باید یک سر این معادله بیاید و به این دانشجویان اعتماد کند، یعنی مثلا باید یک نظام انگیزشی در کشور طراحی شود و بخش خصوصی براساس یک نفعی بیاید و با دانشجویان و انجمن علمی کار کند یا دانشگاه به جای دفتر ارتباط با صنعت، ظرفیتی را در اختیار انجمن علمی قرار دهد تا برایش تسهیگیری خاصی را انجام دهد. در این صورت دانشجویان برای اشتغال‌زایی خود و اعضای انجمن هم که شده، این ارتباطات را رقم می‌زنند و این قدر فشار می‌آورد یا مهارت‌های آنها نیازمند طراحی ساختار است که این مساله ضعف نظام آموزشی ماست. به‌طور مثال همین اساتیدی که انجمن علمی را معتبر نمی‌بینند یا با آن همکاری نمی‌کنند، به این دلیل است که ساختار انگیزشی شفاف و جذابی برای این طراحی نشده که استاد پیش خودش بگوید که نفع ما در این است که انجمن علمی فعالیت کند. به همان نسبت رئیس دانشگاه هم منافعش درگیر انجمن علمی نشده است، چون نهایتا می‌خواهد









دبیر هیات حمایت از کرسی‌های نظریه‌پردازی، نقد و مناظره در گفت‌وگو با «فرهیختگان» مطرح کرد

# تولید ۶۶ نظریه علمی در طول ۴۰ سال گذشته



## فاطمه طاری بخش

خبرنگار گروه دانشگاه

پنجمین اجلاس ملی کرسی‌های نظریه‌پردازی، نقد و مناظره و نخستین اجلاس ملی سرآمدان آموزشی با حضور خسروپناه، دبیر شورای عالی انقلاب فرهنگی، محمدعلی زلفی گل وزیر علوم، تحقیقات و فناوری و جمعی از اساتید دانشگاه‌ها روز گذشته در دانشگاه شهید بهشتی برگزار شد.

## نظریه‌های دانشگاه باید در دو ساخت و نظر و عمل ظهور پیدا کنند

عبدالحسین خسروپناه، دبیر شورای عالی انقلاب فرهنگی در این اجلاس با بیان اینکه وظیفه اهل علم مبارزه و جهاد است، اظهار کرد: «دبیرخانه شورای عالی انقلاب فرهنگی بیش از گذشته باید به کرسی‌های آزاداندیشی توجه کند و این امر مهم از طریق شورای اسلامی شدن دانشگاه‌ها محقق می‌شود.»

وی افزود: «بنده به‌عنوان دبیر شورای عالی انقلاب فرهنگی از وضعیت کرسی‌های آزاداندیشی راضی نیستم و گلایه دارم.» خسروپناه تصریح کرد: «این اجلاس پنجمین اجلاس کرسی‌های آزاداندیشی است. سوالی که مطرح است این است که آیا باید به همین رضایت بدهیم؟ نه قطعاً این گونه نخواهد بود. چرا کرسی‌ها فقط در حوزه علوم انسانی و هنر برگزار می‌شود، درحالی که برخی استادان در حوزه علوم پایه نظریه دارند.»

دبیر شورای عالی انقلاب فرهنگی ادامه داد: «راه‌های مختلف کشف نظریه باید پیدا شود. تنها راه کشف نظریه برگزاری جلسات متعدد داور برای بررسی نظرات یک استاد با سابقه نیست؛ چراکه این نوع داور در شأن آن استاد نخواهد بود.» خسروپناه گفت: «نظریه‌پردازی باید با حکمت پیوند پیدا کند. مفهوم حکمت یک مفهوم بومی است. حکمت علم نافع مبتنی بر خرد ناب است. خرد ناب جمع عقل

نظری، عملی و معاش است. نظریه‌ها اگر مرتبط با خرد و حکمت باشند، تحول در نظریه‌های بنیادین اتفاق خواهد افتاد.»

وی تصریح کرد: «آیا یک شیمیدان و فیزیکدان می‌تواند نظریه‌پردازی کند؛ اما نگاه فلسفی به آن علم نداشته باشد؟ من در تاریخ علم چنین موردی نیافته‌ام. نظریه‌های دانشگاه هم در ساحت نظر و هم در ساحت عمل باید ظهور پیدا کنند. علت اینکه نظریه‌های علوم انسانی با مساله‌ها پیوند نمی‌خورد، این است که الگوی نظریه‌پردازی، نظریه حکمرانی یا الگوی حکمرانی متفاوت است.»

دبیر شورای عالی انقلاب فرهنگی در پایان گفت: «نسبت ما با فناوری‌های نرم اجتماعی چیست؟ متدولوژی تبدیل نظریه‌های علوم انسانی و اجتماعی به الگوهای حکمرانی چگونه است؟ درخواست من این است که این الگوها براساس نظریه‌ها تدوین شوند.»

## معرفی ۱۳ نظریه برتر

براساس اعلام دبیر هیات حمایت از کرسی‌های نظریه‌پردازی، نقد و مناظره، ۶۸ طرح تخصصی در کمیته‌های شش‌گانه مورد بررسی قرار گرفت و از این بین مواردی به هیات‌داوری ارجاع داده شد، ۱۳ نظریه مورد تأیید قرار گرفت که اسامی برگزیدگان به شرح زیر است:

۱. سیف‌الله صرامی (نواور و ناقد)  
**عنوان نظریه:** نظریه فقهی نفی ظلم  
**عنوان نقد:** نقد نظریه قاعده عدالت در فقه نظر مرحوم آیت‌الله صانعی  
**سمت:** استاد تمام دانشگاه باقرالعلوم (ع)
۲. رضا غلامی (نواور)  
**عنوان نواوری:** رویکرد تازه به عقلانیت سیاسی در اسلام  
**سمت:** استادیار پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
۳. خدامراد سلیمیان ریزی (ناقد)  
**عنوان نقد:** افزایش تسامح در نقد روایات، عامل آسیب‌های نوپدید در آموزه‌های مهدویت

**سمت:** دانشیار پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی  
**۴. محمد رودگر (نظریه‌پرداز)**

**عنوان نظریه:** نظریه رئالیسم عرفانی در ادبیات داستانی

**سمت:** استاد تمام پژوهشگاه امام خمینی (ره)  
**۵. سیدصادق حقیقت (نظریه‌پرداز)**

**عنوان نظریه:** نظریه‌های همرویی در حوزه‌اندیشه سیاسی اسلامی

**سمت:** استاد تمام دانشگاه مفید  
**۶. حسین سلیمی (نواور)**

**عنوان نواوری:** از مادی‌گرایی به معناگرایی در فهم روابط بین‌الملل

**سمت:** استاد روابط بین‌الملل دانشگاه علامه طباطبایی

**۷. محمد دبیرمقدم (نظریه‌پرداز)**

**عنوان نظریه:** نظریه تعاملی زبان

**سمت:** استاد تمام دانشگاه علامه طباطبایی  
**۸. عبدالحمید معرفی (نظریه‌پرداز)**

**عنوان نظریه:** نظریه ارائه روش‌شناسی کل نگر در علم اقتصاد

**سمت:** استاد تمام دانشگاه اصفهان  
**۹. علی علیخانی (نظریه‌پرداز)**

**عنوان نظریه:** نظریه سلاح اطلاعات  
**سمت:** استاد تمام دانشگاه اطلاعات

**۱۰. سیدمحمد نجفی یزدی (نواور)**

**عنوان نواوری:** عدم حجت خیر موقف (غیرامامی)  
**سمت:** دانشیار مدرسه امام خمینی (ره)

**۱۱. احمدرضا یزدانی مقدم (نواور)**

**عنوان نواوری:** آیینگی وحی الهی، حکومت و قانون در سنت فلسفه سیاسی اسلامی

**سمت:** دانشیار پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی  
**۱۲. سمیه خاتمی‌سوزاری (نواور)**

**عنوان نواوری:** تأثیر علم جغرافیا بر عصری‌نگری فهم با نگاهی ویژه به اماکن نامبرده در قرآن

**سمت:** استادیار دانشگاه حکیم سبزواری  
**۱۳. محمدجواد جاوید (نواور)**

**عنوان نواوری:** نسبت در حقوق شهروندی  
**سمت:** استاد تمام دانشگاه تهران

## برای اجتماعی‌سازی نظریات باید کار بیشتری انجام دهیم

و مقام معظم رهبری، از ما تقاضا کردند؛ رفتن به سمت نظریه است؛ چراکه نظریه است که کشور را برای ما می‌سازد. مثلاً در حوزه پزشکی یک نظریه می‌دهیم. در حوزه مسائل اجتماعی و سیاسی یک نظریه بدهید. مثال واضح‌تری که می‌توان برای این موضوع زد، نظریه ولایت فقیه است. حضرت امام آمدند و نظریه ولایت فقیه را مطرح کردند، تمام نظام را براساس این نظریه تغییر داد و دگرگون کرد.»

بهجت‌پور با اشاره به اینکه ما باید به دنبال ترویج و انگیزه بخشی به صاحبان نظریه باشیم، عنوان کرد: «اساتید باید نظریاتی که ۲۰ الی ۳۰ سال روی آن فکر کردند را بگویند که به دنبال آن ما انواع حمایت‌ها را از آنها داشته باشیم. به نظر من در چشم‌انداز آینده و افق پیش‌رو تمرکز ما باید روی نظریه و نواوری باشد. برای اینکه فضای کشور را آزاد کنیم، وظیفه ما این است که به این سمت برویم که جلسات مناظره علمی و گفت‌وگوهای آزاد را برگزار کنیم. اگر بتوانیم این فضا را داشته باشیم، قطعاً تغییرات چشمگیری اتفاق می‌افتد. برای دانشجویان و اساتید باید این فضا ایجاد شود. البته برای دانشجویان وجود دارد اما باید آن را تقویت کنیم، یعنی بحث گفت‌وگوهای آزاد دانشجویی را معاونت‌های فرهنگی دانشگاه‌ها و ستاد اسلامی شدن دانشگاه‌ها

در دست داشتند. تقسیم‌کاری صورت گرفت و کار ماست که به سمت اساتید و پژوهشگران و فرهیختگان برویم. من می‌خواهم بگویم که عمدتاً چیزی که گره کشور را باز می‌کند و می‌تواند وضعیت را تغییر دهد، ورود اندیشمندان و اساتید است. اینکه در فضای دانشجویی مشق آزاداندیشی در دانشگاه‌ها داشته باشیم بسیار مهم است، اما گره‌گشایی به دست اساتید اتفاق می‌افتد.»



عبدالکریم بهجت‌پور دبیر هیات حمایت از کرسی‌های نظریه‌پردازی، نقد و مناظره در حاشیه این نشست و در پاسخ به سوال «فرهیختگان» مبنی بر اینکه چرا کرسی‌های نظریه‌پردازی نتوانسته در حوزه نظریه‌پردازی عملکرد خوبی داشته باشد، بیان کرد: «مساله کرسی‌ها و آن بخشی که مربوط به نظریه‌پردازی می‌شود، محدود اتفاق افتاده است و در طول این ۴۰ سال ما ۶۶ نظریه قطعی و تصویب شده داریم. کرسی‌های ترویجی عمدتاً برای ایجاد یک فضای سازی است و برای مثال در زمینه عدالت، اقتصاد یا دیگر موارد است.»

بهجت‌پور با تأکید بر اینکه نمی‌توان حاصل جمعی یا یک برآیندی از کرسی‌های ترویجی گرفت، ادامه داد: «عمده مشکل نیز این است که هیات حمایت به‌دلایلی که نمی‌توان به آن ورود کرد، حمایتی در سقف محدود از این کرسی‌ها دارد. مثلاً این هیات در حوزه امتداد ورود نکرده است.»

دبیر هیات حمایت از کرسی‌های نظریه‌پردازی، نقد و مناظره در ادامه تصریح کرد: «امتداد یعنی بعد از اینکه به این نتیجه رسیدیم که نظریه‌ای درست است و به آن پرداخته شد؛ اما باید این نظریه را تبدیل به مطلب رسانه‌ای کرد. باید به دستگاه‌های مربوطه در حوزه مورد نظر اطلاع دهیم. کرسی را تکرار کنیم و براساس آن خواهش کنیم یا حتی دستور دهیم که از آن استفاده کنند. اگر این نظریه مورد قبول است باید جای خود را در تصمیم‌گیری‌ها و سیاستگذاری‌ها پیدا کند، چون این اتفاق نیفتاده است و هیات‌حمایت وارد این بخش از حمایت‌ها نشده، لذا نتوانسته است در واقع این مطالب مهم را تبدیل به یک فرهنگ اجتماعی کند. ما برای اجتماعی‌سازی و فرهنگ‌سازی نظریات باید کارهای بیشتری انجام دهیم و امیدوارم که امسال هیات بتواند با گذر از برخی از مشکلات به این موضوع برسد.»

## رسالت ما رفتن به سمت نظریه‌پردازی است

او در ادامه درباره ریل‌گذاری هیات‌حمایت در حوزه کمی و کیفی کرسی‌های نظریه‌پردازی، افزود: «من در صحبت‌های خود به آن اشاره کردم و پیام رئیس‌جمهوری نیز بسیار روشن بود که باید به یک سری از عرصه‌های جدید ورود کنیم. اولاً مهم‌ترین مساله ما این است که باید زمینه را برای نظریه‌پردازی و نواوری در کشور فراهم کنیم. کرسی‌های ترویجی بسیار خوب است. اما چیزی که رسالت ماست

معاون فرهنگی دانشجویی دانشگاه آزاد واحد یاسوج به «فرهیختگان» خبر داد

# واحد یاسوج میزبان جشنواره شعر ملی مهدوی اقوام

او درباره زمان برگزاری جشنواره اشعار قومی بیان کرد: «اختتامیه این بخش از جشنواره امامت و مهدویت در حد فاصل یکی از روزها بین ۱۳ رجب و نیمه شعبان برگزار می‌شود. تاریخ دقیق قطعی برگزاری این رویداد نیز تا اواخر ماه آینده به‌طور رسمی اعلام خواهد شد.»

او در پایان با بیان محورهای مختلف جشنواره امامت و مهدویت اظهار کرد: «جشنواره امامت و مهدویت در ۴ محور مختلف فرهنگی، هنری، پژوهشی و دیجیتال هر سال برگزار می‌شود. امسال نیز مانند سال‌های قبل محورهای مختلف با بخش‌های گوناگون در موضوعات متفاوت در راستای مفهوم امامت و مهدویت در نظر گرفته شده است. به‌عنوان مثال در محور پژوهشی و دیجیتال هر سال برگزاری همایش‌ها و کنگره‌های مرتبط با موضوعات امامت و مهدویت و در نهایت برای محور دیجیتال نیز در بخش‌های تولید محتوا با موضوعیت امامت و مهدویت در فضای مجازی و نرم‌افزارها تعریف شده است.»

خود را در لینکی که در آینده اعلام خواهد شد بارگذاری کرده و داورها به مرور آثار را بررسی و برترین‌ها را تا روز اختتامیه مشخص کنند.»

مهیودی در پاسخ به این سوال که بسیاری از فعالیت‌های این رویداد برعهده دانشجویان خواهد بود، توضیح داد: «برای کسب تجربه بیشتر کارهای اجرایی در این واحد از دانشجویان برای اجرای فعالیت‌ها و اقدامات فرهنگی به کرات استفاده می‌شود. این جشنواره نیز مانند دیگر اقدامات این واحد با همکاری دانشجویان برگزار و معاونت فرهنگی تنها به‌صورت ناظر حضور خواهد داشت. در این زمینه همه دانشجویان عضو در تشکل‌ها، کانون‌ها، انجمن‌های علمی و بسیج واحد گردهم آمده تا از منظر فکری و اجرایی برای برگزاری این رویداد به همیاری دانشگاه‌بایند. بالطبع بیشترین همیاری از طرف کانون مهدویت دانشگاه خواهد بود.»

معاون فرهنگی دانشجویی دانشگاه آزاد واحد یاسوج در ادامه افزود: «تعمالاتی نیز با برخی از نهادها و سازمان‌های استان از قبیل اداره کل ارشاد اسلامی و اداره آموزش و پرورش استان، حوزه تبلیغات اسلامی و بنیاد مهدویت انجام شده تا در کنار همکاری با این نهادها، از برخی تجربیات آنها برای برگزاری هر چه بهتر این رویداد نیز استفاده شود.»

که در این بخش به‌عنوان داور انتخاب می‌شوند به همان گویش مشخص شده تسلط کامل دارند. در این زمینه از تجربه نشریه دانشجویی دانشگاه نیز استفاده خواهد شد. به بیان جزئی‌تر برای هر گویش یک یا چند نفر داور انتخاب خواهند شد. یعنی حداقل حدود ۲۰ نفر به‌عنوان داور برای این رویداد انتخاب می‌شوند.»

معاون فرهنگی دانشجویی دانشگاه آزاد واحد یاسوج درخصوص تعداد افراد منتخب و جوایز این دوره از مسابقات جشنواره گفت: «جوایزی بالغ بر ۲۰ میلیون تومان برای آثار برگزیده در نظر گرفته شده است. اما هنوز کمیته استانی جشنواره شعر اقوام استان کهگیلویه و بویراحمد به یک توافق نظر برای تعداد افراد برگزیده نرسیده است. باید در اینجا بیان کرد سال گذشته این استان میزبان بخش آثار جشنواره امامت و مهدویت بوده و به ۵ تیم اول به رسم یادبود جایزه اهدا کرده است.»

او درباره فعالیت کمیته استانی و شکل‌گیری آن عنوان کرد: «اولین کمیته استانی در ۷ خردادماه برگزار شد که در نتیجه آن در تاریخ ۹ خردادماه به‌طور رسمی فعالیت دبیرخانه این جشنواره در واحد یاسوج آغاز شد. به عبارت دیگر به‌تازگی دبیرخانه این جشنواره تشکیل و فراخوان برای شرکت در این رویداد تا اواخر ماه آینده برای علاقه‌مندان اعلام خواهد شد. افراد می‌توانند آثار

علوم بوده و همچنین در سال گذشته دومین مجله برتر کشور در حوزه ادبیات معرفی شده است. این نشریه با موضوع شعر محلی منتشر می‌شود و افراد متخصص در آن فعالیت دارند.»

او درباره چگونگی نحوه برگزاری این رویداد اظهار کرد: «جشنواره شعر مهدوی اقوام با یک فراخوان عمومی در سطح واحدهای مختلف دانشگاهی در سرتاسر کشور با موضوع آزاد از طرق مختلف مانند اداره کل ارشاد استان‌های مختلف یا دانشگاه‌ها اعلام می‌شود. در نتیجه این اعلام علاقه‌مندان می‌توانند اشعار خود را با محوریت امام زمان در گویش‌های مختلف ایرانی مانند مازنی، گیلکی، لری، کروی، آذری در دو دسته آذربایجانی و قشقایی، عربی، ارمنی، ترکمن و دیگر گویش‌های رایج کشور به دبیرخانه این جشنواره در مدت مشخص ارسال کنند. پس از ارسال آثار از سرتاسر کشور یک گروه متشکل از داورهای مختلف و مسلط به گویش‌های مختلف اقوام ایرانی روی آثار داور کرده و افراد منتخب را انتخاب می‌کنند. در نهایت نیز آثار منتخب در یک کتاب منتشر خواهد شد.»

مهیودی درباره تعداد و چگونگی انتخاب داورها برای این رویداد بیان کرد: «کمیته داور در شهرهای مختلف و از بین افرادی که تسلط کامل روی گویش‌های مختلف دارند؛ انتخاب خواهند شد. به عبارت دیگر استادهایی

## راضیه فلاح

خبرنگار گروه دانشگاه

موضوع مهدویت یکی از کليدواژه‌های پرتکرار و محوری اصلی فعالیت‌های دینی و اعتقادی و فرهنگی دانشگاه آزاد در دو سال اخیر بوده است. از همین رو برگزاری برنامه‌ها و آیین‌های مختلف با محوریت موضوع مهدویت هم به یکی از فعالیت‌های فرهنگی واحد تبدیل شده است. یکی از این آیین‌ها، جشنواره‌ای در زمینه شعر مهدوی اقوام است که به میزبانی واحد یاسوج برگزار خواهد شد.

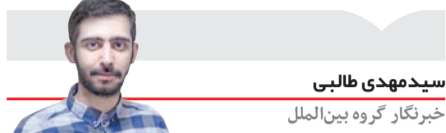
علی مهیودی، معاون فرهنگی دانشجویی دانشگاه آزاد واحد یاسوج درخصوص چرایی انتخاب این واحد برای میزبانی بخش اشعار قومی عنوان کرد: «امسال در راستای جشنواره امامت و مهدویت دانشگاه آزاد استان کهگیلویه و بویراحمد، میزبان جشنواره شعر ملی مهدوی اقوام است. ظرفیت‌هایی از قبیل مجله فرهنگی ادبیات واحد یاسوج، یکی از علت‌های مهمی بوده که میزبانی بخش شعر مهدوی اقوام مختلف ایرانی را برای این واحد امسال به ارمان داشته است. جا دارد ذکر شود این نشریه دانشجویی مورد قبول وزارت





کشورهای اروپایی با چه هدفی به مقدسات مسلمانان توهین می کنند؟

# رادیکالیسم برای مهندسی ترکیب مهاجران



سید مهدی طالبی

خبرنگار گروه بین الملل

موسسه آمریکایی بروکینگز ۳ سال پیش در پژوهشی به قلم «دانیل لی تامسون» اقبال به حزب راست افراطی «دموکرات های سوئد» را متاثر از «اسلام» و به ویژه «مهاجرت» مسلمانان به سوئد دانسته بود. با وجود نیاز سوئد به مهاجران برای سرعت گرفتن رشد اقتصادی در این کشور اما احزاب دست راستی همچون دموکرات های سوئد، از مخالفان سرسخت پذیرش مهاجران و به ویژه مسلمانان در این کشور هستند. در سال ۲۰۱۵، سوئد با جمعیت کمی بیش از ۱۰ میلیون نفر، بیش از ۱۶۲ هزار پناهنجو را از کشورهای سوریه، عراق و افغانستان پذیرفت. پژوهشگر موسسه بروکینگز با استناد به آمارها می گوید که سوئد ۶ میلیارد یورو یا ۱,۳۵ درصد از تولید ناخالص داخلی خود را برای همین ۱۶۲ هزار پناهنجوی عمدتاً مسلمان هزینه کرده است. رشد اسلامگرایی در سوئد و نگرانی از افزایش مهاجرت به این کشور و فشار بر سیستم رفاهی آن، منجر به قدرت گرفتن احزاب دست راستی و تلاش برای اسلام ستیزی بیشتر در این کشور شده است. به نوشته بروکینگز، در سال های اخیر سوئد شاهد جریان اصلی افراط گرایی است که در مورد مسلمانان به گونه ای صحبت می کنند که دو دهه پیش همین صحبت ها «افراطی» تلقی می شد. کارشناسان می گویند مهاجرت باعث افزایش پوپولیسم جناح راست شده است و حتی احزاب جریان اصلی نیز به اتخاذ مواضع سختگیرانه تری در قبال مهاجران روی آورده اند. در سوئد، حزب راست افراطی دموکرات سوئد که نخستین بار در سال ۲۰۱۰ توانست با ۲۰ کرسی وارد پارلمان شود، سومین حزب بزرگ سوئد است. این حزب خواهان خروج بسیاری از کسانی است که در سال های اخیر در سوئد پناهنده گی گرفته اند و گسترش اسلام را «بزرگ ترین تهدید» این کشور خوانده است. این حزب در این سال ها، به طور موثر روایتی را شکل داده است که موج مهاجران عمدتاً مسلمان را به افزایش جنایات خشونت آمیز و فشارها بر سیستم رفاهی سوئد مرتبط می کند. این البته محدود به موج مهاجرت در سال ۲۰۱۵ نیست. دموکرات های سوئد مدت ها قبل از سال ۲۰۱۵، پایه های یک روایت ضداسلامی متمرکزتر را فراهم کرده بودند و اسلام را به عنوان دشمن شماره یک عمومی معرفی می کردند. «جیمی آکسون» رهبر این حزب در سال ۲۰۰۹ ادعا کرد: «به عنوان یک دموکرات سوئد، من این [اسلام و مسلمانان در سوئد] را بزرگ ترین تهدید خارجی خود از زمان جنگ جهانی دوم می بینم.» او ادعا کرد «نمایندگان برجسته جامعه مسلمانان خواستار اجرای قوانین شریعت در سوئد خواهند بود.» بر اساس نظرسنجی مرکز تحقیقات پیو، ۵۹ درصد از سوئدی هایی که نظر مثبتی نسبت به دموکرات های سوئد دارند، نظر نامطلوبی را نسبت به مسلمانان در کشورشان ابراز می کنند. در مقابل کسانی که دیدگاه منفی نسبت به دموکرات های سوئد دارند، تنها ۱۷ درصد مسلمانان را معرفی می بینند. در سال ۲۰۱۵، ۷۰ درصد از سوئدی ها نگرش مطلوبی نسبت به مهاجرت داشتند، با این حال، پدیبینی بیشتر دموکرات های سوئدی نسبت به مهاجرت، آن را به عنوان یک موضوع سیاسی مهم و فزاینده معرفی کرده است. گسترش دیدگاه های مبتنی بر ملی گرایی پوپولیستی و ضد مهاجرت، منجر به تهدید تلقی کردن مسلمانان و اسلام در سوئد شده است. حداقل سومین حزب قدرتمند پارلمان به شدت به این دیدگاه های اسلام ستیزانه معتقد است و همین هم عامل رشد اقدامات هتاکانه در این کشور نسبت به مقدسات مسلمانان شده است. در این گزارش به بررسی جزئیات رشد و تداوم اقدامات هتاکانه علیه مقدسات مسلمانان پرداخته ایم.

## چرا سوئد راه را برای هتاکان باز می گذارد؟

دولت سوئد بر اساس اهداف جمعی غرب و همچنین اهداف مشخص داخلی دست به اقدامات ضداسلامی متعددی از جمله توهین به مقدسات زده است. در این نوشته تلاش شده این اهداف مورد شناسایی و تشریح قرار گیرند. باید توجه داشت هر کدام از این اهداف به صورت جداگانه در نظر طراحان نبوده، بلکه برخی از اهداف به دلیل قرار گرفتن در کنار دیگر هدف ها، به صرفه شده اند.

### محافظه کاری فرهنگی

نزدیک ترین فاصله سرزمین های اسلامی با اسپانیا ۴۰ کیلومتر و با ایتالیا نزدیک به ۳۰۰ کیلومتر است اما این فاصله با سوئد به ۲۵۰۰ کیلومتر می رسد که بین ۱۰ تا ۶۰ برابر بیشتر از نواحی جنوبی قاره اروپاست. به همین دلیل از لحاظ تاریخی ارتباطات مسلمانان با ساکنان سوئد، دیرتر شکل گرفت و در سطوح محدود تجاری باقی مانده بود. درحالی که مسلمانان با تصرف شبه جزیره ایبری (شامل اسپانیا و پرتغال)، نواحی جنوبی ایتالیا و حتی پیشروی تا مرکز فرانسه موفق شدند بر بخشی از اروپا حکومت کرده و سطوح تماس خود با مردم قاره سبز را افزایش دهند، با وایکینگ ها- اجداد سوئدی ها- تنها ارتباط تجاری اندکی داشتند.

سوئدی ها همانند اسپانیایی ها و پرتغالی ها سابقه درگیری با مسلمانان را ندارند تا بر مبنای کینه جویی با آنها تقابل کنند اما دوری جغرافیایی باعث شده تا سوئدی ها شناخت اندک و کم عمق تری از مسلمانان داشته و نسبت به ارتباطات و پذیرش آنان محافظه کاری بیشتری از خود نشان دهند.

## تلاش برای کاستن از شدت مهاجرت

در سال ۲۰۲۲ جمعیت سوئد ۱۰ میلیون و ۵۲۰ هزار نفر بوده که ۷ میلیون و ۶۹۴ هزار نفر از آنها سوئدی هستند. از



## نشست فوق العاده سازمان همکاری اسلامی درباره قرآن سوزی در سوئد

سازمان همکاری اسلامی روز یکشنبه نشست فوق العاده ای را در شهر جده برای بررسی حادثه سوزاندن یک نسخه از قرآن کریم در سوئد برگزار کرد. به گزارش ایسنا، به نقل از شبکه خبری المیادین، حسین ابراهیم طه، دبیرکل سازمان همکاری اسلامی در این نشست تاکید کرد: «ما بر لزوم اعمال قوانین بین المللی برای منع تنفر مذهبی و توهین به مقدسات مذهبی و توهین می کنیم.» وی افزود: «هتک حرمت قرآن و توهین به پیامبر (ص)، یک اتفاق معمول اسلام هراسی نیست.» دبیرکل سازمان همکاری اسلامی از کشورهای عضو این سازمان خواست موضع واحدی اتخاذ کنند و اقدامات جمعی برای جلوگیری از تکرار حوادث هتک حرمت قرآن کریم و توهین به پیامبر اسلام (ص) انجام دهند. حسین ابراهیم طه افزود: «این اقدامات افراطی و نفرت انگیز که با حمایت

و مجوز مقامات کشوری به ظاهر متمدن انجام می شود، متأسفانه در عملی آشکار، اسلام را مورد هدف قرار داده و احساسات میلیون ها مسلمان در سراسر جهان را برانگیخته است.» وی گفت: «این چهارمین بار متوالی است که چنین اتفاقی در یک کشور، تحت شعار جعلی آزادی بیان و عقیده رخ می دهد.» ابراهیم طه ادامه داد: «این اقدام با مواد ۱۹ و ۲۰ میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی در تعارض بوده و مغایر با برنامه اقدام مورد توافق بین المللی، مطابق با قطعنامه شورای حقوق بشر است که با تحریک به نفرت افکنی و تبعیض بر اساس مذهب یا اعتقاد مبارزه می کند.» این نشست بنا به خواست عربستان که ریاست دوره ای سازمان همکاری اسلامی را بر عهده دارد، برگزار شد.

باشند؛ از این رو بر اساس طراحی حکومت سوئد باید کسانی به این کشور بیایند که با دین ضدیت دارند. این هدف توده محور بوده و برای جلوگیری از کثرت یافتن جمعیتی مسلمانان است. **۴ جلب نخبگان ضد دین** سوئد به دلیل نیازهای فراوانش، به غیر از نیروی کار عادی نیازمند به کارگیری مهاجران در سطوح حساس است. کشوری مانند فرانسه به دلیل تعصب فرهنگی، مهاجران را به سطوح بالای سیاسی و امنیتی مانند سران کشور نمی راند و کشوری مانند انگلیس نیز با وجود رضایت به قرار گیری مهاجر در سطح نخست وزیر، از حضور آنان در رده های بالای امنیتی جلوگیری می کند. سوئد اما به دلیل آنکه نیازهای سیاسی و امنیتی اش فراتر از جمعیتش است، ناگزیر به استفاده گسترده تر از مهاجران در رده های بالای سیاسی و امنیتی خود است. محیط اکثر اسلامی جذب مهاجران باعث خواهد شد سوئد با لاجبار از مسلمانان برای رده های بالای خود استفاده کند که این مساله به قدرت گیری اسلام در این کشور منجر می گردد. استکهلم برای جلوگیری از این قدرت گیری، راه را در جذب نخبگان ضد دین دیده است. این افراد ضد دین خطر قدرت گیری اسلام را برای سوئد در پی نخواهند داشت.

باشند؛ از این رو بر اساس طراحی حکومت سوئد باید کسانی به این کشور بیایند که با دین ضدیت دارند. این هدف توده محور بوده و برای جلوگیری از کثرت یافتن جمعیتی مسلمانان است.

سوئد به دلیل نیازهای فراوانش، به غیر از نیروی کار عادی نیازمند به کارگیری مهاجران در سطوح حساس است. کشوری مانند فرانسه به دلیل تعصب فرهنگی، مهاجران را به سطوح بالای سیاسی و امنیتی مانند سران کشور نمی راند و کشوری مانند انگلیس نیز با وجود رضایت به قرار گیری مهاجر در سطح نخست وزیر، از حضور آنان در رده های بالای امنیتی جلوگیری می کند. سوئد اما به دلیل آنکه نیازهای سیاسی و امنیتی اش فراتر از جمعیتش است، ناگزیر به استفاده گسترده تر از مهاجران در رده های بالای سیاسی و امنیتی خود است. محیط اکثر اسلامی جذب مهاجران باعث خواهد شد سوئد با لاجبار از مسلمانان برای رده های بالای خود استفاده کند که این مساله به قدرت گیری اسلام در این کشور منجر می گردد. استکهلم برای جلوگیری از این قدرت گیری، راه را در جذب نخبگان ضد دین دیده است. این افراد ضد دین خطر قدرت گیری اسلام را برای سوئد در پی نخواهند داشت.

باشند؛ از این رو بر اساس طراحی حکومت سوئد باید کسانی به این کشور بیایند که با دین ضدیت دارند. این هدف توده محور بوده و برای جلوگیری از کثرت یافتن جمعیتی مسلمانان است.

سوئد به دلیل نیازهای فراوانش، به غیر از نیروی کار عادی نیازمند به کارگیری مهاجران در سطوح حساس است. کشوری مانند فرانسه به دلیل تعصب فرهنگی، مهاجران را به سطوح بالای سیاسی و امنیتی مانند سران کشور نمی راند و کشوری مانند انگلیس نیز با وجود رضایت به قرار گیری مهاجر در سطح نخست وزیر، از حضور آنان در رده های بالای امنیتی جلوگیری می کند. سوئد اما به دلیل آنکه نیازهای سیاسی و امنیتی اش فراتر از جمعیتش است، ناگزیر به استفاده گسترده تر از مهاجران در رده های بالای سیاسی و امنیتی خود است. محیط اکثر اسلامی جذب مهاجران باعث خواهد شد سوئد با لاجبار از مسلمانان برای رده های بالای خود استفاده کند که این مساله به قدرت گیری اسلام در این کشور منجر می گردد. استکهلم برای جلوگیری از این قدرت گیری، راه را در جذب نخبگان ضد دین دیده است. این افراد ضد دین خطر قدرت گیری اسلام را برای سوئد در پی نخواهند داشت.

باشند؛ از این رو بر اساس طراحی حکومت سوئد باید کسانی به این کشور بیایند که با دین ضدیت دارند. این هدف توده محور بوده و برای جلوگیری از کثرت یافتن جمعیتی مسلمانان است.

نسبت به کشورهای اروپای غربی دارا هستند، همنظری دارند. کشورهای جناح شرقی اروپا ضد روس بوده و با مسلمانان نیز بیگانگی بیشتری دارند. علی رغم رقابت محورهای غربی، آنها همزمان با تلاش برای تقویت جناح شان، نگران تبعات تشدید رقابت ها نیز هستند.

**۷ جنگ تمدنی/صلیبی اروپا علیه اسلام** با خیزش کشورها در اطراف اروپا و ناتوانی یا عدم قصد آمریکا برای آرام سازی محیط پیرامونی قاره سبز، اروپاییان در حال مشاهده قدرت گیری کشورهای اسلامی از جمله ایران، ترکیه و حتی عربستان هستند. از سوی دیگر روسیه نیز به عنوان یک تمدن متمایز، با آسیایی تر ساختن خود شمشیر را علیه اروپا کشیده است. از این رو قاره سبز به این تحولات به شکل تمدنی نگاه کرده و برای رقابت در این عرصه دست به اقدامات در سطح تمدنی مانند توهین به مقدسات اسلامی می زند. سفر ولادیمیر پوتین به داغستان و دیدارش از مسجد نخستین بار پس از شورش و انگر- نشان دهنده سطح بالای ادارک از تمدنی بودن درگیری هاست.

**۸ جلب توجه غرب** با حمله روسیه به اوکراین، فنلاند که در همسایگی روسیه قرار دارد به همراه سوئد که در سرزمین روس ها قرار گرفته است، درخواست عضویت خود را به سازمان نظامی ناتو ارائه کردند. تاکنون فنلاند به ناتو پیوسته است اما با وجود مخاطرات زیاد، سوئد از کسب عضویت بازمانده است. سوئد می داند در صورت قصد روسیه برای گسترش منازعه با غرب، به دلیل عدم عضویت در ناتو، همانند اوکراین اما در سطحی کمتر، یک گزینه برای آتش بازی مستقیم خواهد ماند؛ استکهلم از این رو به دنبال جلب نظر غرب به لحاظ امنیتی برای پوشش ضعف های خود است.

**۹ تشدید تاثیر ترکیه در ساختار ناتو** ترکیه تنها مخالف پیوستن سوئد به ناتو است. آنکارا به طور ویژه از استکهلم خواسته به تنش زایی در روابط دو کشور از طریق حمایت و پناه دادن به عناصر تجزیه طلب خودداری کند. به دلیل دشواری اتخاذ چنین تصمیمی از سوی سوئد و با توجه به حق وتوی اعضا در رای گیری برای پیوستن اعضای جدید، سوئد پشت درهای این سازمان مانده و خود را در برابر آتش احتمالی روس ها کم توان می بیند. ایجاد اختلافی که در آن ترکیه مجبور به موضع گیری تمدنی علیه سوئد گردد، به زعم استکهلم و متحدان غربی اش می تواند موجی از عصیبت غربی را ایجاد کرده و در نهایت با اعمال فشار موثر بر آنکارا، این کشور به عضویت ناتو درآید.

**۹ راهکارهای مقابله با سوئد** این نخستین باری نیست که سوئد دست به اقدامات اینچنینی می زند. در بهمن ۱۴۰۱ «راسموس پالودان»

سیاستمدار راستگرایی افراطی دانمارکی و رهبر حزب دنیس دانمارک که تابعیت سوئدی دارد، در سایه حمایت پلیس سوئد در مقابل سفارت ترکیه در استکهلم پایتخت سوئد، کتاب مقدس و آسمانی مسلمانان را آتش زد و در پی آن اعلام کرد. واکنش ها به این اقدام هتاکانه در سوئد و کشورهای اسلامی باعث شد تا دادستان سوئد برای کاستن از خشم مسلمانان، در اردیبهشت ۱۴۰۲ حکم بازداشت «راسموس پالودان» را صادر کند. تکرار این اقدام هتاکانه در کمتر از چند ماه نشان می دهد سکوت و بی عملی در برابر آن، به تکرار این اتفاق منجر خواهد شد. بر همین اساس نیز مقابله با سوئد یک نیاز ضروری است که می تواند به صورت جمعی در قالب شورای همکاری کشورهای اسلامی، به صورت طبیعی توسط بلوکی از کشورهای اسلامی یا حتی به صورت تک کشوری علیه سوئد پیگیری شود. در ادامه به راهکارهای موجود برای اعمال فشار علیه سوئد در هر سه سطح بالا پرداخته شده است.

**۱ فشار اقتصادی** تحریم خرید کالا، تجهیزات، سرمایه گذاری، بورس تحصیلی سازمان ها و تسهیل اعزام دانشجو به سوئد می تواند زنجیره ای از تحریم های اقتصادی را علیه سوئد تشکیل دهند. این مساله می تواند شامل ممنوعیت پرواز مستقیم و حتی عبور هواپیماهای متعلق به سوئد به حریم هوایی کشورهای مسلمان شود. با این وجود تحریم ها باید کمتر از توان کشورهای اسلامی و در سطح مشخصی اعمال شود. توقف گسترش تحریم ها می تواند تهدید تحریم های بیشتر را بر بالای سر اقتصاد سوئد ایجاد کرده و به ابزاری برای کنترل رفتار استکهلم تبدیل شود.

**۲ فشار دیپلماتیک** ممنوعیت دیدار با مقامات سوئدی، فراخواندن سفرای سوئد به وزارت خارجه کشورها و فراخواندن سفرای اعزامی به مرکز برای مشورت می تواند سلسله اقدامات دیپلماتیک برای تحت فشار قرار دادن این کشور باشند.

**۳ تعلیق یا ایجاد محدودیت در همکاری قضایی** گفته می شود با وجود مخالفت دولت و پلیس سوئد، فرد خاطی با حکم دادگاه نهاده قضایی- اقدام به توهین علیه مقدسات کرده است. بر همین اساس ضمن متوجه شدن زبان ها به کل سوئد، به طور خاص نهاد قضایی این کشور باید تحت فشار قرار گیرد. تهدید مقامات قضایی تسهیل کننده اقدام علیه اسلام به مواردی مانند بستن حساب های اقتصادی در کشورهای اسلامی، ممنوعیت سفر آنها به کشورهای اسلامی، تهدید سرمایه گذاری های اقتصادی این افراد از طریق فشار به شرکت هایی که آنان سهامدارش هستند و همچنین اعلام جرم که مستوجب تعقیب آنان است، می تواند مانع از تکرار چنین اتفاقاتی شود. برگشتن وضعیت به عقب که به معنای برداشته شدن تهدید علیه مقامات قضایی سوئد است می تواند به استرداد مجرم مشروط شود.

**۴ تهدیداتنگاری از سوئد** افزایش سطح ششدر در خصوص سوئد می تواند این کشور را به دایره مناسبات امنیتی تعدادی از کشورهای اسلامی وارد کند. وارد شدن سوئد به دایره تهدید می تواند تبعاتی شامل افزایش برد موشک ها، بازرسی از کشتی ها و هواپیماها از مبدا و به مقصد سوئد و همچنین کاهش روابط سیاسی را در پی داشته باشد.

**۵ فشار ملی** اشکال تراشی و ایجاد محدودیت در برابر سفر شهروندان سوئدی به کشورهای اسلامی می تواند با ایجاد فهم عمومی در این کشور نسبت به مخاطرات اقدام علیه اسلام، فشاری اجتماعی به نهاد های عالی سوئد وارد سازد.

**۶ ورود به سیاست داخلی سوئد** کشورهای مسلمان می توانند با حمایت از احزاب مخالف فشار بر مسلمانان، دست به حمایت های ممکن و غیرمستقیم از مخالفان دولت سوئد بزنند تا استکهلم دیگر اجازه تکرار این اتفاق را ندهد.

**۷ تهدید سوئد به ورود امنیتی به مسائل این کشور** سوئد با فراهم آوردن شرایط برای توهین به اسلام می تواند خود را در معرض تهدید ورودهای امنیتی به مسائل داخلی اش قرار دهد. مجازات فرد خاطی به شکل امنیتی تنها یکی از اشکال ورود امنیتی به مسائل داخلی سوئد است که می تواند پرستیژ سیاسی استکهلم و تسلط امنیتی اش را به چالش بکشد.

**۸ تشدید حمایت ها از مسلمانان در سوئد** پرداخت کمک هزینه تحصیلی به مسلمان، حمایت از فعالیت های فرهنگی و تشکل های اسلامی می تواند پادزهر طراحی های ضداسلامی دولت سوئد و متحدانش باشد.

**۹ سوئد: سوزاندن قرآن کریم، دشمنی با اسلام است** دولت سوئد پس از موج گسترده ای از محکومیت های بین المللی، سوزاندن قرآن کریم در استکهلم را محکوم کرد و آن را «اقدامی ضداسلامی» توصیف کرد. به گزارش تسنیم به نقل از خبرگزاری فرانسه، دولت سوئد ضمن محکومیت هتک حرمت قرآن، این اقدام را اسلام هراسی خواند. وزارت خارجه سوئد در بیانیه ای اعلام کرد: «دولت سوئد به طور کامل درک می کند که اقدام های اسلام هراسانه توسط اشخاص در این کشور می تواند توهین به مسلمانان باشد. ما به شدت این اقدام ها را که به هیچ وجه انعکاس دهنده دیدگاه های دولت سوئد نیست محکوم می کنیم.»





«فره‌یختگان» بررسی می کند

# کاهش ۱۲ درصدی جابه‌جایی ریلی بار



مهدی عبداللهی  
دبیر گروه اقتصاد

در بیس بخش های مختلف حمل و نقل، حوزه ریلی به دلایل مختلف از جمله حمل انبوه با قیمت مناسب، افزایش نظم و ایمنی، کاهش تصادفات، قابلیت افزایش سرعت مطمئن، کاهش مصرف سوخت و کاهش آلودگی زیست محیطی بسیار مورد توجه کشورهاست، با این حال، در ایران به رغم صرف تلاش و هزینه بسیار در این زمینه، به دلیل فقدان نقشه راه مشخص، وجود یارانه های پنهان سوخت در حوزه حمل و نقل جاده‌ای، افزایش هزینه طرح‌ها و بازدهی پایین سهم حمل و نقل ریلی در سال های اخیر نتهن افزایش مطلوبی نداشته بلکه کاهش نیز یافته است. در این خصوص بررسی آمارهای ارائه شده از سوی شرکت راه آهن ج.ا.ا نشان می دهد طی دو سال اخیر گرچه جابه‌جایی مسافر افزایش یافته اما حمل بار توسط سیستم ریلی کاهش ۱۲ درصدی نسبت به سال ۱۳۹۹ دارد. همچنین، برخلاف هدفگذاری ۲۰ درصدی برنامه ششم توسعه برای حمل مسافر و ۳۰ درصدی برای حمل بار، سهم حمل و نقل ریلی از جابه‌جایی مسافر در کشور به ۱۷ درصد و از حمل بار نیز به ۸ درصد رسیده است. روندی که برای حمل بار، نه تنها افزایش نبوده، بلکه مسیر کاهش را در پیش گرفته است. این وضعیت در حالی است که مدیرعامل شرکت راه آهن ج.ا.ا وعده شکستن رکورد های جابه‌جایی بار و مسافر را داده بود که طی دو سال اخیر در حوزه بار این وعده محقق نشده است. کارشناسان معتقدند علاوه بر مدیریت فعلی این حوزه، نداشتن نقشه راه برای توسعه سیستم ریلی و تلبنار شدن هزینه های نگهداشت از سال های قبل، عامل ایجاد مشکلات فعلی است. نگاهی به لایحه برنامه هفتم توسعه نیز نشان می دهد دولت قصد دارد شرکت راه آهن را از نگاه‌داری و تصدی گری، به سمت تنظیم گری و مدیریت این حوزه ببرد؛ موضوعی که به اعتقاد کارشناسان اگر با دقت انجام شود، یک تغییر ریل مثبت می تواند رخ دهد.

## کاهش ۱۲ درصدی جابه‌جایی بار در ۲ سال اخیر

۲۱ مهرماه سال ۱۴۰۰ سیدمیعاد صالحی به پیشنهاد وزارت راه و شهرسازی و تصویب هیات وزیران، مدیرعامل شرکت راه آهن جمهوری اسلامی ایران شد. مدیرعامل جوان شرکت راه آهن ج.ا.ا. بهممن ۳۰۱۱ نفر در صفحه توئیتر خود نوشت: «به لطف خدا با تلاش های شبانه روزی چهار ماهه و عملیاتی کردن تفاهم با کشورهای همسایه از جمله ترکمنستان، قزاقستان، روسیه و پاکستان، ترانزیت بار ریلی کشور با دو برابر شدن نسبت به سال قبل رکورد تاریخ صدساله راه آهن را شکست و ان شاءالله تا پایان سال هر روز این رکورد را جابه‌جا خواهیم کرد.» وی در ادامه نوشت: «این درحالی است که آنچه‌به‌ما متحول شد کمترین تعداد لکومتیو گرم طی ۷ سال گذشته، آن هم با ۲ هزار میلیارد تومان بدهی بود. ان شاءالله با حمایت‌های وزیر راه، ضمن عقب‌ماندگی چندین ساله، با افزایش لکومتیو و تلاش همکاران در سال آینده رکورد حمل بار داخلی و مسافر را نیز جابه‌جا کنیم.» ادعا و وعده میعاد صالحی درحالی است که بررسی آمارها نشان می دهد در حوزه حمل بار، حمل و نقل ریلی نهنته‌ها رکورد بیشتری جابه‌جایی بار در ۱۰۰ سال اخیر نتشکسته، بلکه شوربخانه جابه‌جایی بار در سال ۱۴۰۱ حدود ۱۲٫۲ درصد کمتر از سال ۱۳۹۹ است. در این خصوص، آمارهای شرکت راه آهن ج.ا.ا نشان می دهد حمل بار توسط حمل و نقل ریلی کشور از سالانه ۳۳٫۱ میلیون تن در سال ۱۳۹۰ به ۵۰٫۶ میلیون تن تا انتهای سال ۱۳۹۹ رسیده بود که این میزان در سال ۱۴۰۰ به ۴۶٫۹ میلیون تن و در سال ۱۴۰۱ به ۴۴٫۴ میلیون تن رسیده است. این مقدار کمترین میزان جابه‌جایی بار توسط حمل و نقل ریلی از سال ۱۳۹۵ تاکنون بوده است. اما کاهش حمل بار توسط حمل و نقل ریلی در سال ۱۴۰۲ نیز ادامه داشته و طبق آمارهای شرکت راه آهن، در ۲ ماهه سال ۱۴۰۲ درحالی ۷٫۸ میلیون تن

بار جابه‌جاشده که این میزان در ۲ ماهه سال های ۱۳۹۶ تاکنون کمترین مقدار جابه‌جایی بار است. همچنین جابه‌جایی بار در ۲ ماهه نخست سال ۱۴۰۲ نسبت به ۲ ماهه نخست سال ۱۴۰۱ کاهش ۱۱٫۴ درصدی دارد.

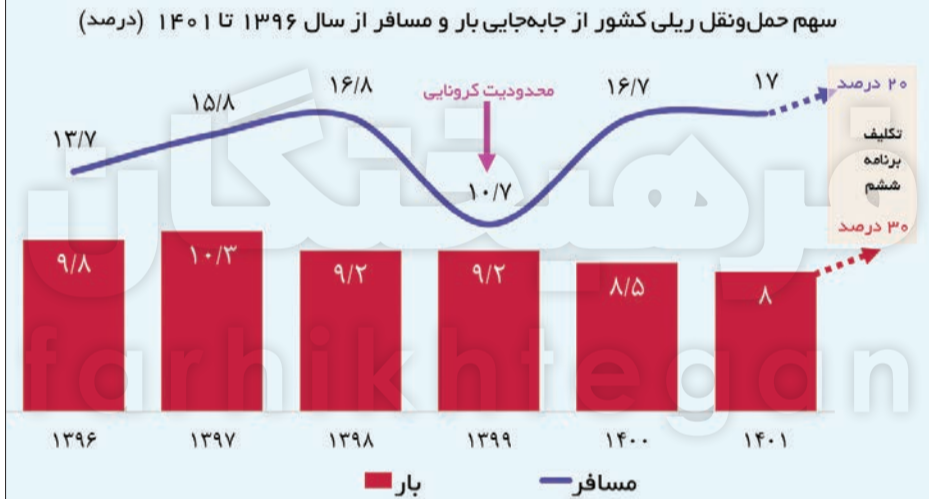
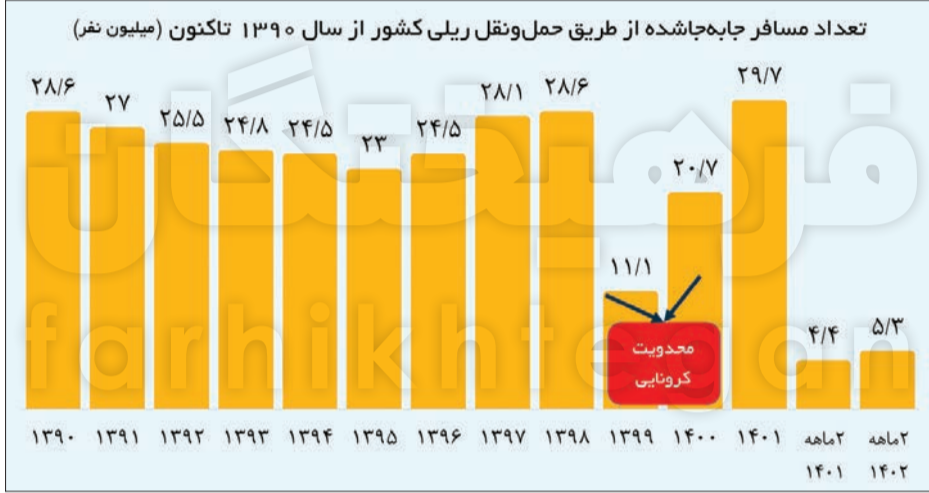
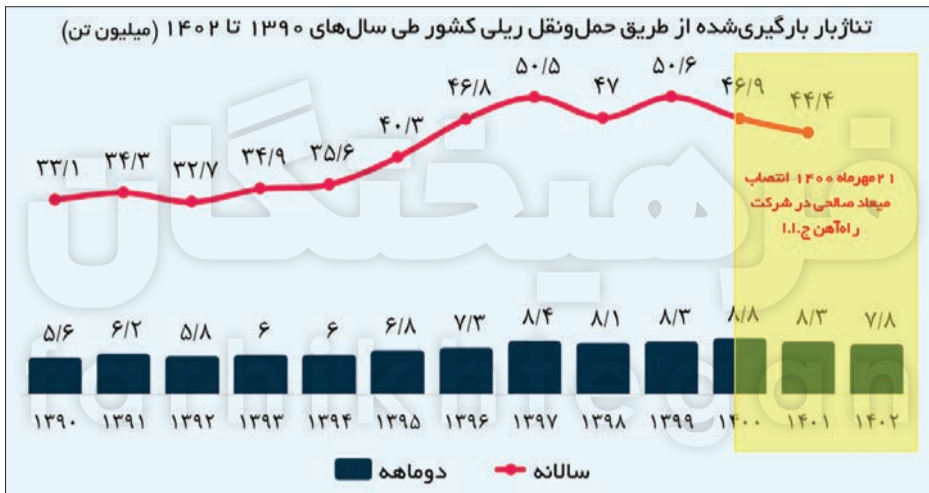
## رشد جابه‌جایی مسافر

آمارهای شرکت راه آهن ج.ا.ا نشان می دهد در ۲ ماهه نخست امسال سیستم حمل و نقل ریلی گرچه در حوزه بار موفق به افزایش جابه‌جایی بار نشده اما در حوزه مسافری با افزایش جزئی در جابه‌جایی هارویه، روزه شده است. طبق این آمارها، در ۲ ماهه نخست سال جاری ۵٫۳ میلیون نفر مسافر در سیستم حمل و نقل ریلی کشور جابه‌جاشده که رشد ۲۰٫۴ درصدی نسبت به دو ماهه سال ۱۴۰۱ داشته است. اما بررسی جابه‌جایی سالانه مسافر در سیستم حمل و نقل ریلی کشور نشان می دهد در سال ۱۳۹۰ مسافران جابه‌جا شده توسط این سیستم ۲۸٫۶ میلیون نفر بوده که این تعداد تا سال ۱۳۹۸ با نوساناتی، بار دیگر به ۲۸٫۶ میلیون نفر برگشته است. با شیوع کرونا و ایجاد محدودیت‌های بهداشتی، طی سال های ۱۳۹۹ و ۱۴۰۰ مسافران قطار به ۱۱ و ۲۰٫۷ میلیون نفر کاهش یافته اما در سال ۱۴۰۱ این تعداد به ۲۹٫۷ میلیون تن رسیده که رشد ۳٫۸ درصدی نسبت به سال ۱۳۹۸ و ۱۳۹۰ دارد. در مجموع اگر افزایش جابه‌جایی مسافر توسط حمل و نقل ریلی همچون دو ماهه نخست باشد شاید این سیستم حمل و نقلی بتواند در جابه‌جایی مسافر رقم جدیدی را به ثبت برساند اما آن طور که آمارها نشان می دهد، طی سال های ۱۳۹۰ تا ۱۴۰۱ اتفاق چندان در حوزه ریلی رخ نداده است.

## عقب‌ماندگی عجیب حمل و نقل ریلی از برنامه ششم

یکی از مهم ترین بخش های برنامه هفتم، ماده ۱۰۸ است. در این ماده آمده است: «شرکت راه آهن جمهوری اسلامی ایران به‌عنوان متولی اداره ترافیک و زیرساخت شبکه ریلی کشور موظف است تا پایان سال دوم، برنامه کلیه واگن‌ها و لکومتیوهای تحت اختیار خود را به بخش غیردولتی واگذار کند. این شرکت همچنین مکلف است قطار های باری را به صورت برنامه‌ای میدا مقصد سیر دهد و مجوز تشکیل و سیر «قطار کامل» را به بخش غیردولتی اعطا کند به‌نحوی که تا پایان سال چهارم برنامه سیر تمامی قطار های باری کشور به صورت منظم و برنامه‌ای انجام شود.» گرچه در بخش های دیگری نیز عنوان حمل و نقل ریلی آمده اما مهم ترین بخش برنامه هفتم در خصوص حمل و نقل ریلی مربوط به ماده ۱۰۸ است اما در برنامه ششم توسعه نیز به موضوع حمل و نقل ریلی به‌طور گسترده‌تری پرداخته نشده بود. در برنامه ششم معافیت های مالیاتی قابل توجهی برای توسعه حمل و نقل ریلی توسط بخش خصوصی توجه شده بود. همچنین در بند الف ماده ۵۷ این قانون آمده بود: «دولت مکلف است به منظور تکمیل و اجرای طرح های پروژه های حمل و نقل ریلی، دوخته کردن مسیرها و احداث خطوط برقی و سریع السیر، علاوه بر مشارکت های دولتی - خصوصی و افزایش اعتبارات این حوزه در بودجه سالانه، یک درصد منابع حاصل از فروش نفت و گاز سهم دولت را در قالب بودجه سالانه به وزارت راه و شهرسازی اختصاص دهد تا طرح های حمل و نقل ریلی با اولویت مناطق کمتر توسعه یافته اجرا شود.»

در بند «ب» ماده ۵۷ نیز دولت یک هدف گذاری عجیب و غریبی را انجام داده بود. طبق این بند، تا انتهای برنامه باید به گونه‌ای برنامه‌ریزی شود که سهم حمل و نقل ریلی بار حداقل به ۳۰ درصد و سهم حمل و نقل ریلی مسافر حداقل به ۲۰ درصد برسد. این درحالی است که بررسی آمارها نشان می دهد در سال ۱۳۹۶ سهم حمل و نقل ریلی از بار جابه‌جاشده در کشور ۹٫۸ درصد و از مسافر جابه‌جاشده در کشور نیز ۱۳٫۷ درصد بوده است. فارغ از هدف گذاری غیرواقعی برنامه ششم در حوزه باری، آمارهای عملکرد نشان می دهد در سال ۱۳۹۶ حمل و نقل ریلی سهم ۹٫۸ درصدی از جابه‌جایی بار در کشور داشته که این میزان تا سال ۱۳۹۹ به ۹٫۲ درصد، در سال ۱۴۰۰ به ۸٫۵ درصد و در سال ۱۴۰۱ به ۸ درصد رسیده است. در بخش مسافری نیز سهم حمل و نقل ریلی از ۱۳٫۷



درصد در سال ۱۳۹۶ به ۱۶٫۸ درصد تا سال ۹۸ و به ۱۷ درصد در سال ۱۴۰۱ رسیده است.

## عملکرد ضعیف مدیرعامل شرکت راه آهن

انتقاد به عملکرد میعاد صالحی موضوعی است که طی چند ماه اخیر به مراتب از سوی فعالان حمل و نقل ریلی مطرح می شود. سبحان نظری، دبیر انجمن شرکت های حمل و نقل ریلی اخیرا به یکی از رسانه ها گفت: «شرکت راه آهن باید توضیح دهد چگونه با اضافه شدن واگن های باری همچنان آمار حمل بار در حال سقوط است. مدیریت ضعیف شرکت راه آهن تمام انگیزه های بخش خصوصی برای سرمایه گذاری در بخش ریل و ناوگان ریلی را از بین برده است.» وی در ادامه می گوید: «چرا شرکت راه آهن اجازه نمی دهد واگن ساز داخلی فعالیت کند؟» مهدی طغیانی، عضو کمیسیون اقتصادی مجلس نیز در گفت و گویی می گوید: «مرحوم رستم قاسمی، وزیر فقید راه و شهرسازی، قبل از بیماری و استعفا به ما قول داده بود مدیریت و رویه شرکت راه آهن را عوض کند، اما متأسفانه فرصت نشد.» این نماینده اقتصاددان مجلس در ادامه می گوید: «مدیریت راه آهن نیاز به خانه‌تکانی دارد. مدیران

راه آهن بخش خصوصی را ذله کرده‌اند. دیگر کسی حاضر نیست با این نحوه مدیریت در راه آهن سرمایه گذاری کند. آقایان کاری کرده‌اند که صنعت ریلی نابوده شده است.» امین پوربرخورداری، دبیر کارگروه حمل و نقل بین المللی انجمن شرکت های حمل و نقل ریلی نیز طی گفت و گویی گفت که راه آهن کلی تبلیغ کرد که با دو میلیون تن کالا در بخش ترانزیت ریلی رکورد زد، در حالی که این موضوع ربطی به مدیریت راه آهن نداشت.

## نگهداشت شبکه ریلی نیازمند سالانه ۶ همت بودجه

شبکه حمل و نقل ریلی با طول تقریبی ۱۵ هزار کیلومتر که با در نظر گرفتن سازه های فنی متعدد اعم از تونل، پل، ترانشه، گالری و... به بیش از ۲۲ هزار کیلومتر می‌رسد یکی از مهم ترین زیربنای های حمل و نقل کشور به شمار می‌رود. دلایل زیادی برای عقب‌ماندگی سیستم حمل و نقل ریلی ذکر می‌شود که عمده آن در اولویت قرار نداشتن این سیستم در مقایسه با حمل و نقل جاده‌ای است. بر همین اساس، بودجه ناچیز موضوعی است که مدیرعامل راه آهن به آن اشاره می کند. میعاد صالحی ۱۳ شهریور ۱۴۰۱ با بیان اینکه

در حوزه لکومتیو ۲۰۰۰ میلیارد تومان بدهی به ما رسیده است می گوید متأسفانه در سال های گذشته بنای ریل گذاری به گونه‌ای بوده که در بسیاری از مناطقی که بار داریم ریل گذاری صورت نگرفته است و در بخش هایی که ریل گذاری صورت گرفته است، بار نداریم. در سطح کلان برای اینکه نقشه راه داشته باشیم توسعه خطوط ریلی راهبردی در بحث مسافری را در دستور کار خود قرار داده‌ایم. وی با ابراز اینکه ۷۰۰۰ میلیارد تومان اعتبار سالانه به بخش حمل و نقل ریلی تخصیص نیافته و این بخش را با مشکلات زیادی رویه‌رو کرده است، بیان می‌دارد در بخش تولید لکومتیو بخش خصوصی ۴۶۰۰ میلیارد تومان سرمایه گذاری کرده است. ۱۳۶۶ واگن باری، ۳۳ لکومتیو و ۶۴ واگن مسافری بازسازی شد و ۴ واگن خودکشش هم در این بخش تامین شده است.

در این خصوص براساس گزارش مرکز پژوهش های مجلس که با عنوان «گزارش نظارتی ارزیابی وضعیت زیرساخت های حمل و نقل ریلی کشور» منتشر شده نشان می‌دهد نگهداری و تعمیرات نگهداشت شبکه ریلی در دو بخش خط و سازه های فنی و ارتقا یات و علائم الکتریکی صرفا در بخش های بحرانی و الزام آور سالانه اعتباری بالغ بر ۶ هزار میلیارد تومان نیاز دارد. این درحالی است که کل اعتبار واگذار شده به این حوزه از محل طرح های عمرانی مرتبط با بهسازی و نوسازی در سال ۱۴۰۱ است. علاوه بر نگهداری و تعمیرات خطوط شبکه، ریلی براساس تجربیات فنی و شرایط بهره‌برداری کشور خطوط ریلی هر ۱۵ سال یکبار نیازمند بهسازی هستند و هر ۴۰ سال یکبار نیز به بازسازی نیاز دارند. هزینه هر کیلومتر بهسازی خطوط ریلی معادل ۳ میلیارد تومان و هزینه هر کیلومتر بازسازی برابر ۱۰ میلیارد تومان در سال ۱۴۰۰ برآورد شده است. با توجه به طول خطوط اصلی شبکه ریلی باید سالانه ۸۰۰ کیلومتر بهسازی و ۳۰۰ کیلومتر بازسازی صورت پذیرد. این درحالی است که طی دهه گذشته به دلیل عدم تکافوی اعتبارات مورد نیاز، به‌طور میانگین سالانه ۱۴۰ کیلومتر عملیات بهسازی و ۱۲۰ کیلومتر بازسازی انجام شده در واقع در هر سال ۶۶۰ کیلومتر عقب‌ماندگی بهسازی (۸۳ درصد) و ۱۸۰ کیلومتر عقب‌ماندگی بازسازی (۶۰ درصد) خطوط شبکه ریلی به تکالیف انباشته اضافه شده است. طبق گزارش مرکز پژوهش های مجلس، یکی از مهم ترین دلایل وضعیت بحرانی کیفیت شبکه حمل و نقل ریلی کشور وقوع آسیب های انباشته ناشی از عدم اقدام به موقع در سنوآت گذشته است که اهمیت توجه به بحث نگهداشت و ضرورت تامین مالی به موقع را نشان می دهد.

اما مشکل سیستم حمل و نقل ریلی به همین جا ختم نمی شود، چراکه براساس گزارش بازوی پژوهشی مجلس، علی‌رغم اینکه اغلب طرح هایی که در چند سال اخیر به بهره‌برداری رسیده، مراکز استان های مهم را به شبکه ریلی متصل کرده یا مسیر ترانزیتی بوده‌اند، اما ظواهر امر حاکی از عدم کارایی لازم در برخی از این طرح‌ها و نبود توصیه اقتصادی در کوتاه مدت است. اگرچه اتصال مراکز استان ها و بهره‌مندی هموطنان از شبکه ریلی از اهداف برنامه‌ریزی حمل و نقل است لیکن با توجه به محدودیت های تامین مالی اولویت تخصیص اعتبار طرح های ریلی باید براساس رشد اقتصادی، میزان بار ریل پسند، ملاخظات آمایش سرزمین و اولویت های ترانزیتی کشور تعیین شود. درحال حاضر بسیاری از طرح های موجود در قانون بودجه فاقد توجیه بوده و صرفا باعث اتلاف منابع کشور می‌شود. این گزارش نشان می دهد از مهم ترین دلایل عدم افزایش سهم حمل بار و مسافر در شبکه ریلی می‌توان به کمبود زیرساخت کمبود ناوگان و بهره‌وری پایین خطوط ریلی موجود، عدم اجرایی ظرفیت های قانونی موجود سیاست های تعرفه‌ای و هزینه‌ای غیراقتصادی، عدم تناسب بین فرایگیر بودن شبکه ریلی در مقایسه با جاده‌ای، یارانه های پنهان سوخت در حمل و نقل جاده‌ای و عدم تحقق همزمان الزامات ناوگانی و زیرساختی اشاره کرد. گزارش مرکز پژوهش های مجلس بیان می‌دارد ارتقای وضعیت شبکه حمل و نقل ریلی در کشور همواره با مشکلات اساسی همچون کمبود اعتبارات، عدم توجه به دسترسی تمام بنابر به راه آهن، فرسودگی و افزایش خرابی زیرساخت ها و ناوگان ریلی، افزایش نرخ ارز و هزینه بالای تامین منابع مالی و ماشین آلات به دلیل تحریم ها رویه وراست.

## اخبار کوتاه

### جزئیات تجارت ۳۶ میلیارد دلاری ایران در بهار ۱۴۰۲

براساس آمارهای رسمی منتشرشده، مجموع مبادلات بازرگانی ایران در بهار امسال به بیش از ۲۶ میلیارد دلار رسید که چین مانند سال های گذشته در صدر جدول شرکای تجاری ایران قرار دارد و مجموع مبادلات بازرگانی خود را با ایران را به رقمی بیش از ۷.۵ میلیارد دلار رسانده است. به گزارش ایسنا، جدیدترین گزارش گمرک جمهوری اسلامی ایران نشان می دهد که در سه ماهه نخست سال جاری میزان صادرات قطعی کالا های غیرنفتی کشور (به استثنای نفت خام، نفت کوره و نفت سفید و همچنین بدون صادرات از محل تجارت چمدانی) بالغ بر ۳۵ میلیون و ۴۹۵ هزار تن، به ارزش ۱۲ میلیارد و ۴۶۲ میلیون دلار بوده است که در مقایسه با مدت مشابه سال قبل افزایش ۲۴.۴۲ درصدی در وزن و کاهش ۸۰.۸۴ درصدی در ارزش دلاری داشته است. همچنین میزان واردات کشور در این مدت با افزایشی یک درصدی در وزن و ۵.۷۹ درصدی در ارزش دلاری در مقایسه با مدت مشابه سال گذشته به ارقام هشت میلیون و ۵۵۷ هزار تن و ۱۴ میلیارد و ۱۹ هزار دلار رسیده است. در بهار امسال بیشترین میزان صادرات ایران به مقصد چین با رقمی بالغ بر سه میلیارد و ۵۴۰ میلیون دلار و سهم ۲۸.۴۰ درصدی از کل ارزش صادرات، عراق با دو میلیارد و ۳۴۹ میلیون دلار و سهم ۱۸.۸۵ درصدی، ترکیه با یک میلیارد و ۷۳۵ میلیون دلار و سهم ۱۳.۹۲ درصدی، امارات متحده عربی با یک میلیون و ۳۴۴ میلیون دلار و سهم ۱۰.۷۸ درصدی و هند با ۴۸۹ میلیون دلار و سهم ۳.۹۲ درصدی از کل صادرات، صورت گرفته است. در همین بازه زمانی، امارات متحده عربی با اختصاص رقمی بالغ بر چهار میلیارد و ۹۶ میلیون دلار و سهمی در حدود ۲۹.۲۲ درصد از کل ارزش

### جوابیه

### جوابیه وزارت اقتصاد به گزارش «فره‌یختگان»:

## تخلف احتمالی در موضوع افزایش قیمت خوراک بدون اغماض بررسی می شود

به ابلاغیه اخیر معاون اول رئیس جمهور و افزایش ظن معاملات مبتنی بر اطلاعات نهانی حوالی تاریخ مورد اشاره، پس از استعلام و دریافت اسامی مطمعان از تصمیم نرخ خوراک و اشخاص تحت تکفل آن‌ها به عنوان دارندگان اطلاعات نهانی، در بازه زمانی فوق معاملات اشخاص معرفی شده بررسی و در صورت مشاهده کوچکترین تخلف به‌خومقتضی مورد پیگیری و رسیدگی قرار می‌گیرد. سازمان بورس اطمینان داده که این تخلفات به‌صورت خودکار و به‌وسیله هشدارهای بسته جدید نظارتی هوشمند کشف می‌شود؛ لذا در شناسایی و رسیدگی به این تخلفات، هیچ محدودیت و خط قرمزی وجود ندارد. هرچند با توجه به قوانین و مقررات، تا پایان زمان مراحل رسیدگی، امکان افشای هویت اشخاص متخلف میسر نیست اما در صورت صدور رای قطعی، اسامی متخلفان منتشر می‌شود. لازم به ذکر است که این تخلف از مصادیق ماده ۴۶ قانون بازار، بوده و جرم محسوب می‌شود لذا در صورت صدور رای قطعی در سازمان بورس که می‌تواند شامل آرای می‌مانند سلب صلاحیت و جریمه نقدی باشد، متعاقباً موضوع از طریق مراجع قضایی به منظور رسیدگی کیفری مورد پیگیری قرار خواهد گرفت.

مرکز روابط عمومی و اطلاع‌رسانی وزارت امور اقتصادی و دارایی در پاسخ به گزارش های مورخ ۱۴۰۲/۰۴/۱۰ روزنامه «فره‌یختگان» با تیتیر «سنخ ماجرای مشکوک ریزش شدید بورس»، روزنامه دنیای اقتصاد با تیتیر «اسرار سقوط بورس در بهار»، روزنامه جهان صنعت با تیتیر «توزیع رانت به قیمت ورشکستگی صنایع»، روزنامه هم‌میهن با تیتیر «رانتی که به روسوبی تبدیل شد» و روزنامه تعادل با تیتیر «تخمیل زبان برای جریان کسری بودجه» توضیح داد: «در جلسه چهارشنبه گذشته هیات دولت، رئیس جمهور پس از ارائه گزارشی از افزایش قیمت محصولات پتروشیمی بدون اخذ مجوزهای لازم در جلسه هیات دولت به وزیر دادگستری ماموریت داد با بررسی دقیق اسناد و دلایل این افزایش قیمت با متخلفان برخورد قاطع و مقتضی صورت گیرد. در همین حال براساس اعلام مدیر نظارت بر بورس‌ها سازمان بورس و اوراق بهادار در چارچوب نظارت معمول و طبق رویه‌های نظارتی، از تاریخ ۱۷ اردیبهشت‌ماه تاکنون چندین پرونده معاملات مبتنی بر اطلاعات نهانی، پیش دستی در معاملات و سوءاستفاده مربوط به اشخاص حقوقی، شناسایی شده و در جریان رسیدگی است. باتوجه



قلعه‌نویی مخالف شرط موفقیت در جام ملت‌ها است  
و گویا تاج می‌خواهد موضوع را به هیات‌رئیس‌ه ببرد  
آیا فدراسیون مقابل سرمربی تیم ملی کوتاه می‌آید؟

# اصرار ژنرال قرارداد تا جام جهانی!

واعظ‌آشتیانی: برخی باورشان شده

برای حفظ جایگاه‌شان باید از او باش استفاده کنند

تاریخ باشگاه را با سوءمدیریت

زیر سوال بردند

سهرابیان آمد؛ سردار هم استقلالی شد

قرارداد جدید

فقط روزی یک بازیکن!

هافبک پرسپولیس لژیونر می‌شود؟

مذاکره صادقی با تیم‌های اماراتی

گزارش سایت انگلیسی از وضعیت انتقال ستاره ایرانی به جزیره

طارمی؛ راه حل موقت بحران خط حمله یونایتد

تلاش برای راضی کردن سرخپوشان و شروع تمرینات

اعتصاب ادامه دارد؟





واعظ‌آشتیانی در گفت‌وگو با «فرهیختگان»: برخی باورشان شده برای حفظ جایگاه‌شان باید از اوباش استفاده کنند

# تاریخ باشگاه را با سوءمدیریت زیر سوال بردند

پای اوباش از اوایل دهه ۸۰ به ورزشگاه‌ها باز شد ■ وزارت ورزش تصمیم قاطعانه و عاجل بگیرد



محمد رضا حاجی عبدالرزاق خبرنگار گروه ورزش

درگیری در تمرین استقلال و تبعات آن در این چند روز باعث شده است تا فضای رسانه‌ای تحت تأثیر آن قرار گرفته و بعضا به واکاو ریشه‌های این ماجرا بپردازد. این در حالی است که واعظ‌آشتیانی، مدیرعامل سابق استقلال بر این عقیده هست که این افراد از ابتدای دهه ۸۰ و به‌منظور پیشبرد اهداف برخی اهالی فوتبال پایشان به فضاهای ورزشی و به‌ویژه استادیوم‌های فوتبال باز شده و اگر در آن زمان برخورد مناسبی با این دسته از اوباش می‌شد، امروز دیگر شاهد این مسائل تاسف‌برانگیز نبودیم. درخصوص این موضوع دقایقی با امیررضا واعظ‌آشتیانی، مدیرعامل اسبق استقلال و سیاستمدار به صحبت پرداختیم که مشروح آن را در ادامه می‌خوانید.

## تضاد منافع مدیران

اولین نکته‌ای که در این زمینه وجود دارد این است که چرا افرادی را برای این دو باشگاه بزرگ انتخاب می‌کنند که در درجه اول تضاد منافع دارند؟ یعنی کسانی که بیرون از باشگاه کاسبی دارند و حضورشان در راس این دو تیم باعث می‌شود از کنار استقلال و پرسپولیس که قد بسیار بلندی دارند خودشان را با نردبان بالا کشیده و نشان بدهند که قد بلندتری دارند و در عین حال منافع اقتصادی بیرون‌شان را هم تحت الشعاع قرار بدهند. این تضاد منافع است و نمی‌دانم چرا یک سری را به‌عنوان مدیرعامل با در سمت‌های دیگری انتخاب می‌کنند که اینها در بیرون کار و کاسبی خودشان را دارند و این اتفاقات با چه متر و معیاری رخ می‌دهد؟ شما ببینید در صدا و سیما یک میهمان یا یک مجری حرفی بزند که جنبه تبلیغی داشته باشد، چطور مورد مواخذه قرار گرفته و باید خسارت پرداخت کند. پس چگونه است که اینجا در باشگاه‌ها تضاد منافع ایجاد می‌شود و یک عده هم سکوت می‌کنند و تماشاگر هستند؟



## متر و معیار این انتخاب‌ها چیست؟

از سوی دیگر این موضوع مورد توجه قرار می‌گیرد که انتخاب افرادی که نه سابقه مدیریت موفق داشته‌اند و نه سابقه کار و مدیریت در مجموعه ورزش را دارند، با چه معیاری صورت می‌گیرد؟ من فارغ از بحث حجت کریمی این بحث را مطرح می‌کنم اما افرادی که ناکارآمد هستند و سوابقی ندارند و اگر هم سوابقی دارند سوابق موثری نیست برای چه برای مدیریت در این باشگاه‌ها انتخاب می‌شوند که بعدها به دلیل سوءمدیریت و عدم آگاهی و آشنایی با موضوعات مدیریتی سوژه‌ساز و خبرساز شوند و متأسفانه مشکلاتی را ایجاد کنند. واقعا این موضوع را بارها تأکید کرده و به آن اشاره کرده‌ام که اگر می‌خواهید کسی را برای مدیریت باشگاه‌ها یا یک فدراسیون پیشنهاد یا انتخاب کنید که مجمع به آن رای بدهد، باید متر و معیاری داشته باشید. چگونه

است که بدون هیچ معیاری افرادی انتخاب می‌شوند که تبعات رفتار و تصمیمات‌شان نه به هنجار بلکه به ناهنجاری می‌گراید؟

## عده‌ای لمین فضا را به سمت ناهنجاری سوق داده‌اند

مجموعه ورزش این پتانسیل را دارد که از هنجارش در جهت تبلیغ فرهنگی استفاده شود، نه اینکه هنجارش تبدیل به ناهنجاری شده و ضدفرهنگ تولید کند. ما از ورزش باید به‌عنوان ابزار فرهنگ‌سازی استفاده کنیم. در واقع باید یک قشر قابل توجهی از جامعه را در مجموعه ورزش به سمت و سوی فرهنگ قابل قبول نسل جوان حرکت بدهیم. چگونه می‌شود که این بی‌توجهی‌ها صورت می‌گیرد؟ حالا هم که چندین سال است عده‌ای لمین که به دنبال رفتارهای پوپولیستی هستند این هنجار را به سمت ناهنجاری برده‌اند. این در حالی است که همواره مسئولان در مقاطع و بازه‌های زمانی مختلف تماشاگر بوده‌اند و هیچ اقدامی نکرده‌اند. دلیل این امر هم مشخص است و آن اینکه مسئولانی که این دسته از مدیران را انتخاب می‌کنند دغدغه فرهنگی در حوزه ورزشی ندارند و نمی‌دانند که در حقیقت ورزش چقدر می‌تواند در حوزه فرهنگ اثرگذار باشد.

## دهه ۸۰ و ورود اوباش به فوتبال

از این حوزه هم خارج شویم بحث بر سر این است که ما باید یک ارزیابی و واکاو داشته باشیم که از چه زمانی ورود لات‌ها و اوباش به فضاهای ورزشی باب شده. گاهی شاهد اتفاقات تاسف‌برانگیزی می‌شویم که مشابه آن در اولین تمرین استقلال برای فصل پیش رو رخ داد. وقتی این واکاو را انجام می‌دهیم، می‌بینیم که دقیقا از اوایل دهه

۸۰ این اتفاق توسط برخی سرمربیان در فوتبال ایران آغاز شد و لات‌ها و اوباش و به قول مرحوم ناصر حجازی بازو کلفت‌ها و هیکل گنده‌ها وارد چرخه فوتبال شدند.

## استفاده از اوباش برای تسویه‌حساب با مخالفان

بعد از مدتی برخی از مدیران هم باور کردند که این دسته از افراد می‌توانند تداوم حضور آنها پشت میزهای ریاست‌شان را تضمین کنند یا سرمربیان یا همین افراد نیز به همین ترتیب می‌توانند به این طریق جایگاه خودشان را تثبیت کنند. نکته بسیار مهم تر اینکه برخی تصمیم گرفتند از این افراد یعنی همین اوباش برای تسویه‌حساب با مخالفان خودشان در استادیوم‌ها استفاده کنند. یعنی اگر کسی انتقادی می‌کرد یا طرف در همان استادیوم و فضای ورزشی تسویه‌حساب می‌کردند و شعارهای هنجارشکنانه می‌دادند. البته آن روزی که این افراد این کار را کردند و متولیان امر هم این افراد را تماشا کردند، حاصل آن می‌شود امروز و اتفاقاتی که پنجشنبه گذشته در کمپ مرحوم حجازی رخ داده و باعث تاسف و تأثر اهالی فوتبال و خانواده استقلال شده.

## نبود برخورد به‌موقع

این واکاو نشان می‌دهد که این کار ضدفرهنگی و این ناهنجاری به دلیل عدم برخورد به‌موقع به این سرانجام رسیده و اعتقاد دارم تا زمانی که مربیان و مدیران دغدغه فرهنگی در حوزه ورزش به‌خصوص باشگاه‌ها در فوتبال نداشته باشند این اوضاع و احوال ادامه خواهد داشت. شما نگاه کنید در دوران حضور ما در استقلال نه خبری از گردن کلفت‌ها بود نه خبری از بازو کلفت‌ها و نه خبری از هانی کرده و نوجه‌هایش. هیچ خبری از این افراد نبود. البته نباید صورت‌مساله را هم پاک کنیم و باید واکاو و آسیب‌شناسی کنیم که چه اتفاقی افتاد که امروز کار به اینجا رسیده است.

## گزارش سایت انگلیسی از وضعیت انتقال ستاره ایرانی به جزیره

# طارمی؛ راه حل موقت بحران خط حمله یونایتد

پوشیده نیست که منچستر یونایتد در این تابستان نیاز مبرمی به خرید یک مهاجم نوک دارد. شاگردان اریک تن‌هاگ فصل قبل لیگ را در رتبه سوم به پایان رساندند، اما در جدول بیشترین گل زده رتبه هفتم را در اختیار داشتند تا مشخص شود که یکی از مشکلات اساسی آنها در این بخش از زمین است. هری کین، یکی از اصلی‌ترین اهداف آنها در سال‌های اخیر بود که امسال هم در لیست تن‌هاگ قرار داشت، اما قیمت بالای او و همچنین مخالفت تاتنهام با این جابه‌جایی سبب شد تا آنها به سراغ گزینه‌های دیگر بروند. در این شرایط این روزها اخبار زیادی درباره تلاش این تیم برای خرید مهدی طارمی از پورتو شنیده می‌شود. مهاجم ایرانی و ۳۰ ساله‌ای که در سه فصل اخیر در پورتو ۱۴۷ بازی انجام داده است و با ۸۰ گل و ۴۹ پاس گل آماری بسیار خوب دارد. او در همین فصلی که به‌تازگی به پایان رسید با ۳۱ گل و ۱۴ پاس گل یکی از ستاره‌های تیمش بود و همین درخشش باعث شد تا یونایتد به دنبال خرید او باشد. البته قرار نیست طارمی تنها خرید این تیم باشد

منچستر یونایتد اگرچه یکی از باشگاه‌های متمول و گرانقیمت فوتبال دنیاست اما قوانین سختگیرانه یوفا و فیرپلی مالی سبب شده تا این باشگاه کار سختی برای تقویت تیم خود در این تابستان داشته باشد. آنها فعلا میسون مانت را از جلسه به‌خدمت گرفته‌اند و در چند پست نیز نیاز به تقویت دارند. در این شرایط آنها احتمالا برای تقویت خود در برخی پست‌ها به سراغ گزینه‌های ارزان‌تر خواهند رفت. به همین دلیل است که این روزها احتمال خبر انتقال مهدی طارمی به اولدترافورد بسیار داغ شده و رسانه‌های انگلیسی روی آن مانور زیادی داشته‌اند. به نوشته اکثر این رسانه‌ها اگرچه پورتو برای ستاره گلزن و ملی‌پوش خود ۲۰ میلیون یورو می‌خواهد اما احتمالا با مذاکره حتی بتوان او را با قیمتی پایین‌تر نیز خرید. سایت «فوتبال تاک» انگلیس در گزارشی در این باره می‌نویسد: «بر کسی



## کوتاه از استقلال

جلسه گزینه سرپرستی با مسئولان باشگاه برگزار شد

## حسن‌زاده انتخاب باشگاه سامره موردنظر نکونام

تمرینات تیم فوتبال استقلال درحالی که کمپ حجازی ادامه دارد که همچنان خبری از انتخاب سرپرست یا مدیر تیم به‌صورت رسمی نشده و این تیم بدون سرپرست به کار خود ادامه می‌دهد. استقلال‌ها که طی دوقصل گذشته با بیژن طاهری در این سمت فعالیت می‌کردند با حضور جواد نکونام حالا قرار است در این پست تغییراتی را ایجاد کنند. بر همین اساس و از روزهای پیش از انتخاب سرمربی جدید، فهرستی از اسامی پیشکسوتان استقلالی به‌عنوان سرپرست تیم ردیف شده و از امیرحسین صادقی گرفته تا رضا حسن‌زاده و علی سامره بعضا در رسانه‌ها به‌عنوان گزینه سرپرستی تیم فوتبال استقلال برای فصل بعدی معرفی شدند.

نکته قابل توجه اینکه تا پیش از این از حسن‌زاده درحالی به‌عنوان محتمل‌ترین گزینه سرپرستی استقلال نام برده شد که تا دو روز پیش هیچ مذاکره‌ای با این چهره صورت نگرفته بود. تازه روز گذشته در جلسه‌ای مشترک با این چهره که از کارمندان سازمان ورزش شهرداری تهران نیز به‌شمار می‌رود، نظر وی را در این رابطه جویا می‌شوند و به وی اعلام می‌کنند انتخاب اول و اصلی باشگاه برای فصل بعدی این پیشکسوت قدیمی و پرافتخار استقلالی‌ها بوده اما همانجا به وی تأکید می‌کنند که در این خصوص نظر نکونام هم به‌عنوان سرمربی تیم بسیار مهم است و باید با او نیز به جمع بندی برسند.

این درحالی است که طبق شنیده‌ها علی سامره دیگر پیشکسوت خوشنام استقلالی‌ها مورد توجه سرمربی جدید این باشگاه قرار گرفته و احتمالا او این درخواست را خواهد داشت تا در آینده با این چهره به کار ادامه بدهد.

سهرابیان آمد؛ سردار هم استقلالی شد

## قرارداد جدید فقط روزی یک بازیکن!

تیم فوتبال استقلال درحالی روز گذشته سومین روز از تمرینات پیش فصل خود را برای حضور در دور جدید رقابت‌های لیگ برتر تست سر گذاشت که چند اتفاق مهم تمرینات این تیم را تحت الشعاع قرار داده که بدون شک مهم‌ترین آنها به حضور سردار آزمون ستاره تیم ملی در تمرینات تیم جواد نکونام برمی‌گردد.

عصر روز گذشته درحالی تمرینات استقلال در کمپ حجازی پیگیری شد که سردار آزمون به‌عنوان میهمان در تمرین استقلالی‌ها حاضر شده. این درحالی است که مهرداد محمدی، وینگر راست جدید استقلال‌ها نیز برای اولین بار در تمرینات تیم جدیدش حاضر شده و برای اولین بار به‌صورت رسمی با استقلال تمرین کرد. همچنین محمدحسین مرادمند دیگر بازیکن استقلال که قراردادش با این تیم به پایان رسیده بود به نظر می‌رسد با توافق دوباره با مسئولان این تیم، به جمع همبازیان سابق خود اضافه شده تا در فصل جدید نیز آبی پوش باقی بماند. روز گذشته همچنین ارسالن مطهری به‌منظور پیگیری وضعیت مطالباتش به باشگاه استقلال مراجعه کرده و دقایقی در این خصوص با مسئولان مربوطه به صحبت پرداخت.

درنهایت هم روند بستن قرارداد روزانه با یک بازیکن حفظ شده و بعد از آن که دو روز پیش مهرداد محمدی به استقلال پیوست، این بار آرمین سهرابیان با بازگشت دوباره به جمع آبی‌ها، به‌صورت رسمی با استقلال قراردادش را به امضا رساند.

## کوتاه از پرسپولیس

صادقی لژیونر می‌شود؟

## مذاکره هافبک پرسپولیس با تیم‌های اماراتی

هافبک فصل گذشته پرسپولیس در تلاش است برای ادامه فوتبال خود راهی امارات شود. سعید صادقی که در تابستان سال پیش با رقم قرارداد مالی خوبی پرسپولیس را از بین تیم‌های استقلال، سپاهان و گل‌گهر انتخاب کرد، بعد از یک فصل خوب در جمع سرخوشان علاقه زیادی دارد تا لژیونر شود. در همین راستا این بازیکن تقریبا دو هفته پیش با اسپورتس را از باشگاه پرسپولیس گرفت و راهی امارات شد. در این مدت مدیر برنامه او در ایران مذاکرات نصف‌ونیمه‌ای را با مسئولان باشگاه پرسپولیس داشت اما هم‌زمان این بازیکن از طریق یکی، دو واسطه ایرانی در امارات در تلاش برای پیوستن به یکی از تیم‌های این کشور بود. در این مورد باخبر شدیم که تلاش واسطه‌ها برای انتقال صادقی به فوتبال امارات همچنان ادامه دارد و این بازیکن به‌نوعی پرسپولیس را در آبنمک گذاشته تا اگر نتواند ترانسفر شود، سرخوشش بماند. هرچند باشگاه پرسپولیس از این بازیکن و دیگر نفرات تمدیدی خود خواسته ظرف امروز و فردا تکلیف‌شان را مشخص کند.

تلاش برای راضی کردن سرخوشان و شروع تمرینات

## اعتصاب ادامه دارد؟

باشگاه پرسپولیس این انتظار را از بازیکنانش نداشت که بعد از دریافت ۸۵ درصد از قرارداد فصل گذشته‌شان حاضر نباشند در دور جدید تمرینات شرکت کنند. آن هم در شرایطی که بازیکنان استقلال هنوز نزدیک به ۴۰ درصد قراردادشان را از باشگاه خود طلبکارند اما بدون مشکل از پنجشنبه هفته گذشته در تمرینات تیم‌شان شرکت کردند. هرچند در این ماجرا به اصلاح اعتصاب سرخوشان؛ ردپای چند بازیکن اسمی این تیم دیده می‌شود اما به هر جهت مدیریت باشگاه پرسپولیس از شرایط به‌وجود آمده شدیداً دلخور است. در همین راستا درویش در تلاش بوده و هست که ظرف همین یکی، دو روز پرداختی به سرخوشان داشته باشد اما ممکن است این قضیه تا آخر هفته هم زمان ببرد. از این رو باشگاه پرسپولیس از بازیکنانش خواسته امروز در تمرینات حاضر باشند اما از قرار معلوم برخی از بازیکنان پاسخ‌شان منفی بوده و برخی هم که هنوز قراردادشان تمدید نشده است. از طرفی هم یحیی گل محمدی حاضر نیست با تیمی نصفه‌ونیمه استارت بزند و تأکید دارد که هرچه زودتر شرایط برای حضور تمامی نفرات تیم در تمرینات فراهم شود. با توجه به این قضیه باشگاه پرسپولیس این روزها بهتر است بگویم ساعات حساسی را سپری می‌کند و هواداران این تیم همچنان منتظر شنیدن خبرهای خوب هستند. تابستان گذشته هم پرسپولیس ۱۱ تیرماه استارت زد، با این تفاوت که لیگ بیست‌ودوم از ۲۱ مردادماه شروع شد اما لیگ بیست‌وسوم قرار است از ۱۲ مرداد استارت بخورد.





# ورزش

# اصرار ژنرال: قرارداد تا جام جهانی!

قلعه‌نویی مخالف شرط موفقیت در جام ملت‌ها است و گویا تاج می‌خواهد موضوع را به هیات‌رئیس‌ه ببرد

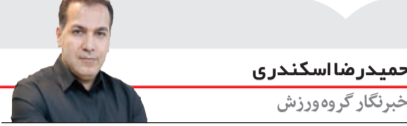
آیا فدراسیون مقابل سرمربی تیم ملی کوتاه می‌آید؟



که قلعه‌نویی با این کار به نوعی حسن نیتش را به فدراسیون فوتبال نشان داد و حال‌می‌خواهد میخ‌ش را محکم بکوبد. در این مورد حتی باخبر شدیم که قلعه‌نویی خیلی قرارداد مالی سنگینی هم نمی‌خواهد و فقط هدفش این است که قرارداد بلندمدتی را با فدراسیون امضا کند. در مورد مسائل مالی قطعاً تاج از آن استقبال می‌کند، از این جهت که وضعیت مالی فدراسیون آنقدر آشفته است که حتی از پس حقوق مربیان تیم‌های ملی اش برنمی‌آید. با توجه‌به همین قضا،رئیس فدراسیون مخالفتی باقراردادبلندمدت‌سرمربی تیم‌ملی ندارد. اما باید در نظر داشت که چنین اتفاقی نمی‌تواند چندان به سود تیم ملی و فوتبال ما باشد؛ چرا که بدون شک برای حضور در مهم‌ترین تورنمنت فوتبال ملی دنیا نیازمند حضور یک مربی صاحب‌سبک و طراز اول روی نیمکت تیم ملی هستیم. با توجه به اینکه در جام جهانی بعدی تعداد تیم‌های حاضر افزایش خواهد یافت و سهمیه آسیا نیز حداقل ۸ تیم خواهد بود، بدون تردید صعودبه جام جهانی نمی‌تواندغدغه‌خاصی برای فوتبال ما باشد ونباید این تصور را در بین فوتبال دوستان ایجاد کنیم که صعود به جام جهانی می‌تواند دستاوردی مهم برای کادرفنی تیم ملی باشد واز حالا باید برای موفقیت در آن تورنمنت و صعود به مراحل بعدی برنامه‌ریزی کنیم.

**هیات‌رئیس‌ه تشکیل جلسه می‌دهد**

هیات‌رئیس‌ه فدراسیون فوتبال پیش از این مصوب کرده بود که سرمربی داخلی تا پایان جام ملت‌ها روی نیمکت تیم ملی بنشینند و اگر نتایج کسب‌شده مورد قبول بود این کادر تا شروع جام جهانی به کارش ادامه دهد. اما حالا شرایط فرق کرده و



فدراسیون فوتبال برای انتخاب جانشین کارلوس کی‌روش زمان زیادی را هدر داد و در نهایت امیر قلعه‌نویی را از بین مربیان داخلی و خارجی انتخاب کرد. انتخابی خلاف میل مهدی تاج، از این جهت که رئیس فدراسیون فوتبال مدت‌ها به دنبال تأمین منابع مالی بود تا بتواند یک مربی خارجی خوشنام را برای تیم ملی بیابود و برای اینکه به این خواست‌اش برسد نیز بارها با فیفا نامه‌نگاری کرد که حداقل دستمزد مربی خارجی مدنظرش را از طلب فدراسیون از فیفا پرداخت کند که با این موضوع هم موافقت نشد. نکته جالب توجه اینکه تاج قبل از انتخاب مربی ایرانی برای تیم ملی نیز بارها در مصاحبه‌های خود تأکید داشت که نظر او و هیات‌رئیس‌ه انتخاب سرمربی تا جام ملت‌ها خواهد بود و بعد از آن برای آینده نیمکت تیم ملی تصمیم جدید خواهند گرفت. اما این روزها اخبار دیگر از فدراسیون به گوش می‌رسد که به ندرت دیدیم به‌طور مفصل به آن بپردازیم.

**قلعه‌نویی قرارداد بلندمدت می‌خواهد**

امیر قلعه‌نویی در آغاز همکاری اش با فدراسیون فوتبال صحبتی از قرارداد بلندمدت نکرد و به تاج اعلام کرده بود که هدفش خدمت به تیم ملی است و حتی صحبتی هم در مورد مسائل مالی انجام نداده بود. بعد از مدتی شرایط تغییر کرد و قلعه‌نویی از نفوذ‌هایش در فدراسیون استفاده کرده و در خیلی از تصمیمات خودش را دخیل دانست. از جمله موضوع انتخاب سرمربی تیم امید که قلعه‌نویی آنقدر قدرت پیدا کرد که توانست دست حبیب کاشانی را از این تیم کوتاه کرده و در نهایت هم خودش سرمربی تیم امید را انتخاب کرد؛ هر چند به‌مانند که کاشانی بعد از این ماجرا سکوت اختیار کرد اما برخی از پیشکسوتان که اتفاقاً از دوستان کاشانی هم بودند، مصاحبه‌هایی را علیه قلعه‌نویی انجام دادند که در همین راستا بود. سرمربی تیم ملی بعد از اینکه خیل‌اش از بابت تیم امید راحت شد، از فدراسیون خواست با خودش و کادرش قرارداد بلندمدت امضا شود. در واقع قلعه‌نویی به دنبال این است تا برای جام جهانی ۲۶ ۲۰ روی نیمکت تیم ملی بنشیند.

**تاج فعلاً موافق است**

برای خیلی‌ها عجیب بود که چرا امیر قلعه‌نویی چهار ماه بدون قرارداد و دستمزد هدایت تیم ملی را برعهده داشته اما الان که بحث خواسته‌ا مطرح شده، قطعاً برای این عده روشن شده که هدف سرمربی تیم ملی چه بوده است. حقیقت ماجرا این است

## گفت‌وگو

محمد باقری معتمد در گفت‌وگو با «فرهیختگان»: کادرفنی باید تغییر می‌کرد

# آدم‌های کنار ساعی برای کسب موقعیت چابلوسی می‌کنند



که قصد ندارم اسم بیاروم بهترین بودند، اما در حال حاضر دستاوردی ندارند و رزومه خود را زیر سوال می‌برند.

**کمیته فنی فدراسیون تکواندو بعد از پایان مسابقات جهانی مجدداً رای به ابغای مقالو داد.**

این تصمیم کاملاً اشتباه بود. تیم ملی نباید اشتباه کند و باید از فرصت‌ها استفاده کند. مقالو مربی خوبی بوده و رزومه خوبی نیز داشته است، اما این برای سال ۲۰۱۵ است که تمام شد و رفت. بعد از آن مقالو فقط عملکردی داشته است؟ در المپیک ۲۰۱۶ ریوسه تکواندوکار ما که رنژیکنگ یک‌دو دنیا بودند اوت شدند. بعد هم مقالو به خانه رفت و ۶ سال نبود و در بازگشت نیز در دو قهرمانی جهان، یک بار همراه با تیم ملی هجدهم و یک بار سیزدهم شد و بعد از ۲۰ سال نیز تیم ملی پنجم شد. این نتایج رزومه ایشان نیست؟ فقط وقتی بهترین مربی جهان شد را باید ملاک قرار بدیم. کادرفنی ما بعد از مسابقات جهانی باید تغییر می‌کرد.

**با توجه به فاصله یک‌ساله تا المپیک پاریس به نظر شما سرمربی بعدی تضمینی برای کسب سهمیه و موفقیت در پاریس دارد؟**

فارس باقری معتمد در گفت‌وگو با «فرهیختگان»

farhikhteganonline



WWW.FDN.IR

### فوتبال اروپا

دکلان رایس به سرنوشت ستاره‌هایی که شانس

حضور در سیتی را رد کردند دچار می‌شود؟

### طلسم پیشنهاد آبی

**مسعود خاموشی** خبرنگار

دکلان رایس یکی از اهداف مهم باشگاه‌های مطرح لیگ برتری در سال‌های اخیر بود و هر بار در پنجره نقل و انتقالات به چند تیم شاخص جزیره لینک می‌شد. با این حال او که در جوانی به بازوبند کاپیتانی وست‌هم نیز رسیده بود ترجیح داد مدتی در این تیم لندنی بماند و حالا قرار است پس از فتح لیگ کنفرانس اروپا راهی آرسنال شود. هافبک ملی پوش انگلیسی در این تابستان هم مورد توجه چند باشگاه بود اما در نهایت تنها آرسنال و منچستر سیتی بودند که به مرحله مذاکره و ارائه پیشنهاد رسیدند. حالا این آرسنال است که در آستانه یک خرید بیش از ۱۰۰ میلیون یورویی قرار گرفته است و سیتی از این خرید کنار کشیده است. گفته می‌شود رایس شخصاً حضور در آرسنال را ترجیح داده و با توجه به اینکه همسرش دوست دارد در لندن بماند، به پیشنهاد گواردیولا پاسخ رد داده است. در این سال‌ها معمولاً کمتر بازیکنی به سستیزن های متمول پاسخ رد داده است و شاید بیشتر نفراتی که به جای تیم پپ راهی باشگاه دیگری شده‌اند از انتخاب خود چندان راضی نباشند. در ادامه نگاهی به سرنوشت ۸ بازیکن شاخصی داریم که بار دیگر پیشنهادی‌ها راهی تیم دیگری شده‌اند.

**کریس رونالدو** رونالدو خاطرات خوبی را در اولدترافورد داشت اما در بازگشت به منچستر یونایتد شرایط برابرش اصلاً خوب پیش نرفت و در نهایت با شرایط بدی از این تیم جدا شد. جالب اینکه او تا قبل از پیوستن دوباره به یونایتد در آستانه امضای قرارداد با سیتی بود اما در آخر تصمیمش تغییر کرد و ترجیح داد به یک باغی جدید تبدیل نشود. او شاید اگر به آن زمان برگردد انتخاب دیگری انجام می‌داد؛ چرا که پس از نیمکت‌نشین شدن در اولدترافورد با انجام یک مصاحبه جنجالی قراردادش فسخ شد و در انتخابی عجیب به النصر عربستان رفت و البته در آنجا هم شروع چندان موفقی نداشت.

**مارک کوکورا** سسیتی نخستین باشگاهی بود که برای خرید این مدافع اسپانیایی به برایتون پیشنهاد داد اما خیلی زود چلسی هم وارد رقابت شد و البته با پیشنهادی نجومی به مبلغ ۵۶ میلیون پوند و ۷ میلیون پوند آیشن، این بازیکن را از چنگ سیتی درآورد. فصل اول او در جمع آبی‌های لندنی کابوس‌وار بود و او با سه مربی مختلف کار کرد و در نهایت فصل با ناگامی مطلق به پایان رسید. شاید چلسی در این فکر باشد که ای کاش برای خرید او سیتی را مغلوب نمی‌کرد.

**هری مگوایر** او در یونایتد اینقدر بد کار کرده که شاید کمتر کسی به یاد داشته باشد که سسیتی هم یکی از رقبای قریزها برای خرید او بود. گواردیولا حتی در مصاحبه‌ای به تمجید از او پرداخت و گفت که یونایتد یک بازیکن عالی را خریده که در لیست خرید سیتی نیز قرار داشت و توانایی‌های بالایی دارد. ۴ سال از آن تاریخ گذشته و هواداران یونایتد حسرت می‌خورند که چرا سیتی رقم پیشنهادی خود برای مگوایر را بالاتر نبرد!

**بل بوکسا** یکی از استعداد‌های مهم فوتبال در سال‌های اخیر که البته حواشی و بدشانسی‌های زیادی هم داشته است. او یکی از هافبک‌های درخشان فوتبال اروپا در اوایل دهه گذشته بود و به همین دلیل بود که پیش از بازگشتش به یونایتد در سال ۲۰۱۶، سیتی هم تلاش کرد تا با کمک او خط میانی خود را تقویت کند. ششاپلین سرخ برای او هم رقم بسیار هنگفتی پرداخت کردند که در نهایت چندان هم به کارشان نیامد و بیش از اینکه در زمین مسابقه مفید باشد، بیشتر به دنبال درآمدزایی و ایجاد حاشیه برای خود و تیمش بود. او برای دومین بار به عنوان بازیکن آزاد از یونایتد جدا شد و به یووه برگشت اما در آنجا هم هنوز نتوانسته موفق باشد و شاید این تیم ایتالیایی هم تصمیم به فروش او بگیرد.

**رومولو کاکا** شاید منچستر سیتی مثل سایر بازیکنان این لیست، برای خرید این ستاره بلژیکی جدی نبود اما هم در مقطعی در سبد خرید گواردیولا قرار داشت و حتی خودش نیز می‌گوید که پیش از بازگشت به چلسی پیشنهادی بالاتر از سیتی دریافت کرده بود اما دوست نداشت دوباره راهی منچستر شده و در دیگر تیم این شهر بازی کند. مسلماً سابقه بازی در یونایتد کارش را برای حضور در سیتی سخت می‌کرد و به همین دلیل ترجیح داد تا وارد حاشیه نشود. او در چلسی هم موفق نبود و خیلی زود دوباره به اینتر قرض داده شد.

**تیموونتر** ستاره گلزن آلمانی قرار بود حلال مشکلات خط حمله چلسی باشد اما در نهایت نتوانست مدت زیادی در استمفوردبریج بماند و به بوندس لیگا برگشت. پیش از اینکه چلسی برای خریدش دست به کار شود، گواردیولا شخصاً با ورنز تلفنی صحبت کرده بود تا وی را برای ترک لایپزیگ و حضور در اتحاد منقاعد کند اما تصمیم این ملی پوش آلمانی حضور در لندن بود. درست مثل لوکاکو او هم خیلی زود فهمید که بازی در چلسی اصلاً آسان نیست و شاید بهتر بوده به حرف سرمربی اسپانیایی سیتی گوش می‌کرد تا شاید آینده ورزشی اش تغییر کند.

**تالیبدو کولیبالی** مدافع سنگالی سال‌ها یکی از اهداف تیم‌های بزرگ برای تقویت خط دفاعی شان بود اما ناپولی حاضر نبود او را از برفروش و به همین دلیل انتقالش تا همین سال قبل انجام نشد. کولیبالی می‌گوید که حتی در مقطعی تقریباً مطمئن بود که به سسیتی خواهد رفت. این در حالی بود که سیات این باشگاه یک بار به اشتباه به هواداران این آفر ر داده بود که پیراهن امضا شده کولیبالی را برنده شوند. همه اینها نشان می‌داد که احتمالاً او به اتحاد می‌رود اما در نهایت راهی چلسی شد و حالا پس از یک فصل بد با این تیم به الهلال عربستان می‌رود تا بخشی از پروژه جابطلبانه این کشور برای خرید ستاره‌های فوتبال دنیا باشد.

**الکسیس سانچز** در مستندی که آمازون از باشگاه منچستر سیتی ساخته مشخص می‌شود که این باشگاه در تابستان ۲۰۱۷ تلاش زیادی کرد تا سانچز را از آرسنال بخرد. در نهایت معلوم نشد چرا این انتقال صورت نرفت اما ستاره شیلیایی در زمستان آن سال به یونایتد رفت و در آنجا خیلی زود به یک نیمکت‌نشین بدل شد. او در طول یک فصل ونیم تنها ۵ گل زد تا اینکه به اینترمیلان قرض داده شد و شاید هنوز هم حسرت عدم حضور در سیتی را می‌خورد.

هیات‌رئیس‌ه هم مطرح شود تا به شکلی موافقان سرمربی تیم ملی راحت‌تر به هدف خود برسند.

**هدف از حضور پر قدرت در تورنمنت کافا چه بود؟**

برای خیلی‌ها عجیب بود که تیم ملی با تمام قوا در تورنمنت کافا شرکت کرد. کارشناسان داخلی زیادی عقیده داشتند که تیم ملی می‌توانست با منتخبی از بازیکنان لیگ و تازه‌وارد‌های تیم ملی راهی تورنمنت کافا شود. عده‌ای هم به قلعه‌نویی حق دادند که همه نفراتش را در این اردو در اختیار داشته باشد. اما اگر فکر کنیم که هدف قلعه‌نویی از جمع همه بزرگ‌ترهای تیم ملی در این مورد بی ارتباط با رسیدن به خواسته‌اش نبوده، اشتباه نکرده‌ایم. به هر حال اومی دانست که بعد از این تورنمنت قرار است قراردادش با فدراسیون امضا شود و از این رو به حمایت چند بازیکن هم نیاز دارد. به هر حال تورنمنت کافا از این جهت برای سرمربی تیم ملی مفید بود.

**رضایت دستیاران جلب می‌شود**

اخیراً اشاره داشتیم به اینکه یک سری از مربیان تیم ملی از اینکه وضعیت شان در این تیم مشخص نیست و قراردادی با فدراسیون امضا نکرده‌اند به نوعی شاکی‌اند. حتی دلخون‌د از اینکه چرا قلعه‌نویی از آنها آن طور که باید حمایت نکرده است. غافل از اینکه سرمربی تیم ملی به دنبال این بوده و هست که ابتدا میخ خودش را محکم بکوبد و بعد دنبال قرارداد دستیارانش باشد. در همین راستا با خبر شدیم که قلعه‌نویی برای اینکه ثابت کند پشت دستیارانش است، بعد از اینکه هیات‌رئیس‌ه مصوب کرد قرارداد بلندمدت با وی امضا شود، آن وقت از فدراسیون خواهد خواست که ابتدا با دستیارانش قرارداد امضا شود و بعد خودش! در آن صورت طبیعی است که دستیاران قلعه‌نویی از قرارداد بلند با فدراسیون فوتبال نیز استقبال کنند.

**نظر سنجی از بازیکنان!**

چند سسالی است که برخی از بازیکنان تیم ملی در انتخاب یا برکناری سرمربی تیم ملی نقش مستقیم داشته‌اند و این واقعیتی است که نمی‌توان روی آن سرپوش گذاشت. در این میان برخی از این بازیکنان پارا فراتر گذاشته و حتی برای تغییر رئیس فدراسیون هم قدم‌های مثبتی برداشته‌اند که جامعه فوتبال این دسته از بازیکنان را خیلی خوب می‌شناسند. طبیعی است که در موضع اشاره شده هم یک سری از بازیکنان نقش مهمی را بازی کنند. در همین راستا با خبر شدیم که برخی از مسئولان ارشد فدراسیون در روزهای اخیر با چند بازیکن شاخص تیم ملی صحبت کرده تا نظر آنها را در مورد عقد قرارداد بلندمدت با امیر قلعه‌نویی جویا شوند. گویا در این میان برخی مخالف بوده‌اند و برخی موافق اما به ادعای یکی از مسئولان فدراسیون، تعداد موافقان بیشتر است. جالب‌تر اینکه قرار است این آرای جمع شده از بازیکنان شاخص تیم ملی در

فارس باقری معتمد در گفت‌وگو با «فرهیختگان»

محمد باقری معتمد در گفت‌وگو با «فرهیختگان»: کادرفنی باید تغییر می‌کرد

محمد باقری معتمد در گفت‌وگو با «فرهیختگان»

محمد باقری معتمد در گفت‌وگو با «فرهیختگان»

محمد باقری معتمد در گفت‌وگو با «فرهیختگان»

**نقش مدیریت هادی ساعی را در نتایج چطور می‌بیند؟**
در بحث فنی ساعی را قبول ندارم و در بحث مدیریتی نیز عملکرد ایشان مشخص است. قرار نیست چون ایشان ورزشکار خوبی بوده در بحث فنی هم خوب باشد. ساعی کجا مربیگری کرده‌است؟ ایشان در تیم‌ها به عنوان مدیر فنی بوده و نظارت داشته، اما تمرین دهنده نبوده است. در بحث مدیریتی هم مانند بسیاری از کارشناسان به ساعی نمره منفی می‌دهم.

**در خصوص حضور کارشناسان با نظرات مختلف در کمیته فنی بحث زیاد است. با وجود اختلاف سلیقه با ساعی در صورت دعوت به کمیته فنی خواهید رفت؟**

زمان پولادگر هم انتقاداتی به موارد مختلف از جمله آدم‌های مشکل‌ساز کنارش داشتیم. در حال حاضر هم آدم‌های کنار ساعی چالپوسی می‌کنند تا موقعیت به دست بیاورند. کادرفنی نیز این مشکل را داشت و کسی که کنار گذاشتند هم یک سال با او بود. چالپوسی با تعریف کردن فرق می‌کند. اگر دعوت رسمی یا احترام صورت بگیرد حتماً کمک می‌کنم، اما در غیر این صورت اصلاً قبول نخواهم کرد. زمان پولادگر گفتم باید دعوت شود که این اتفاق افتاد و عسگری با احترام زنگ زد و در قالب مربی کمک کردم. با هیچ کسی خصومت شخصی ندارم. شاید با من خصومت شخصی داشته باشند که این نیز به شخصیت آدم‌ها برمی‌گردد.

**تکواندوی ایران می‌تواند جایگاه گذشته خود را به دست بیاورد؟**

می‌تواند به شرطی که کسانی که در رأس کار هستند انتقادپذیر باشند و به مسائل فنی کار نداشته باشند و بگذارند کمیته فنی تصمیم بگیرد.



سینمای فرانسه شورش حومه را چگونه تصویر می کند؟

# روایای بینوایان

شاید اتفاقاتی که امروز در فرانسه رخ داده و تقریباً تمام این کشور را در آشوب و آتش فرو برده برای خیلی‌ها شوک آور باشد. این شوک عمدتاً به دلیل شناختی است که از رهگذر رسانه‌های جریان اصلی راجع به فرانسه و حال و احوال آن به دست آمده است. اما فرانسه واقعی‌تر یا آن فرانسه دیده‌نشده را می‌شود به روایت از خود فرانسوی‌هایی دید که جزء صاحبان جریان اصلی مدیا نیستند. یکی از بزرگ‌ترین صنایع پولساز فرانسه توریسم است و برای همین این کشور باید همیشه چهره‌ای بسیار زیبا، شیک و رمانتیک در تصور مردم سراسر جهان داشته باشد. حتی پول‌هایی به کمپانی‌های هالیوودی پرداخته می‌شود تا صحنه‌های ماشین‌بازی و تعقیب و گریز در فیلم‌های اکشن عامه‌پسند را به پاریس بیاورند و در آنجا فیلمبرداری کنند. بیرون از سینمای عامه‌پسند و در سینمای روشنفکری و جشنواره‌ای هم



میلاد جلیل‌زاده خبرنگار گروه فرهنگ

بودجه‌های رسمی دولت فرانسه چرخه‌ای از فیلمسازی را ایجاد کرده که در پی صدور یا استیلای فرهنگ این کشور بر ملت‌های موسوم به جهان سوم است. اما سینمای دیگری هم هست به نام سینمای بانلیو banlieue-film یا حومه که اولین جرقه‌های آن در ابتدای دهه ۶۰ میلادی زده شد، در دهه ۸۰ تا حدودی قوام پیدا کرد و در دهه ۹۰ میلادی نام خود را یافت و جدی شد. این سینما به نوعی حقیقت‌نگاری اجتماعی هم هست و با تصویر کلیشه‌شده‌ای که پاریس زیبا، شهر چراغ‌ها و شهر بوسه و گل و کافه‌های باصفا ارائه شده کاملاً متفاوت است. در سینمای آمریکا مفهوم حومه یادآور خانه‌های بزرگ با چمن‌های سبز و خیابان‌های جلوی در ورودی است؛ اما فیلم‌های حومه‌ای فرانسوی دلالت به سینمایی دارند گزنده و سیاه. این البته جزء جریان اصلی سینما نیست، هرچند گاهی پیش آمده که کارگردان‌های بزرگی در این راه گام برداشته‌اند. در ادامه پس از توضیح نسبتاً موجزی راجع به وضع امروزین سینمای فرانسه و نسبت آن با تمدن‌ها و فرهنگ‌های دیگر، همچنین پس بانلیویا همان ژانر حومه، به این ژانر که در فرانسه تولید شده‌اند اشاره می‌شود. با نگاهی به این فیلم‌ها می‌شود اوضاع امروز فرانسه را کاملاً درک کرد و فهمید که چیز شوک‌آوری رخ نداد، بلکه هرآنچه می‌بینیم، نتیجه طبیعی یک وضع ادامه‌دار و قدیمی است.



## چقدر از نگاه فرانسوی به سینما باقی مانده؟

فرانسه زادگاه سینما بود و پدیدآورنده بسیاری از نقش‌های مهم اولیه در این هنر. از این جهت عجیب نیست اگر بدانیم حتی در دوران افول صنعت فیلمسازی این کشور هم همچنان می‌شود سینما را به مثابه آنچه چهل‌تک‌ای دید که خیلی از مسائل آن جامعه یا خیلی از نیت رهبران فرانسه را بازتاب می‌دهد. ویژگی‌های سینمای فرانسه عمدتاً شامل خطوط داستانی کندتر، رشد شخصیت قوی و انحراف از پایان‌های شاد یا قطعی است. برخلاف سینمای آمریکا که جلوه‌های ویژه در آن به وفور یافت می‌شود و باعث ایجاد این تلقی شده که آمریکایی‌ها معمولاً فیلم‌های اکشن را بیشتر دوست دارند، فیلمسازان فرانسوی‌ها اکشن را کمتر و درام و دیالوگ را بیشتر ترجیح می‌دهند. فیلم‌های فرانسوی اغلب انعکاسی از زندگی هستند که گاهی در قالب یک کمدی نمایش داده می‌شوند. اما آیا غیر از فیلمسازان این کشور، مخاطبان سینما هم دقیقاً همین علاقه را دارند؟ اصولاً محبوب‌ترین ژانر سینمایی برای فرانسوی‌ها کمدی است. یعنی آنها حتی وقتی میل به سرگرمی هم دارند، بیشتر از اکشن یا ژانرهای دیگر، سراغ کمدی می‌روند؛ آن هم معمولاً کمدی‌های کنایه‌آمیز. اما با اینکه فرانسه زادگاه سینما بود و تاریخ پروریانی در این زمینه دارد حالا در خود این کشور هم فیلم‌های آمریکایی مخاطبان بیشتری دارند. به‌طور مثال در سال ۲۰۲۱ که سایه پاندومی کرونا رفته‌رفته از سر سینما درحال کم شدن بود، فروش فیلم‌های آمریکایی به درآمد ۹۰۰٫۷۴ میلیون یورو در فرانسه رسید، حال آن که فیلم‌های فرانسوی در آن سال ۳۴۰٫۹ میلیون یورو درآمد داشتند. به‌طور کلی فرانسه در یک کشمکش جدی با ایالات متحده است تا بتواند تفوق فرهنگی‌اش را حفظ کند. آنها با آمریکا رابطه‌ای دیرین و عمیق دارند. حتی مجسمه آزادی را فرانسوی‌ها ساختند و به آمریکا هدیه دادند و معمار اصلی آن گوستاو ایفل بود، همان کسی که آن برج معروف را در میدان شان دو مارس پاریس کنار رود سن ساخت. اما به‌رغم این پیوستگی‌ها فرانسه همیشه در حال کشمکش برای حفظ هویت خودش هم بوده است. بعد از اهمیت پیدا کردن ایالات متحده در معادلات جهانی و خروج این کشور از انزوای خودخواسته، هجوم فرهنگ آمریکایی همیشه برای بخشی از نخبگان جامعه فرانسه ترسناک بود. وقتی به میانه‌های قرن بیستم می‌رسیم، این تعارض را در آثار داستانی و سینمایی فرانسوی‌ها هم می‌بینیم. در این زمینه یکی از واضح‌ترین نمونه‌ها در ادبیات داستانی فرانسه، صحنه‌ای است که ژرژ سیمون، غول پلیسی نویسنده فرانسه، یک کافه را در پاریس تشریح می‌کند پر از رنگ‌وبوی تعارض نسل‌ها. در این کافه، کمیسر مگره به جوان‌های مجذوب‌شده در فرهنگ آمریکایی نگاه می‌کند و درحالی‌اینها را می‌بیند که مشغول کار روی پرورنده یک قتل در خانواده‌ای از بورژوازی قدیم فرانسه است؛ یک بورژوازی رو به زوال. در سینما هم بهترین نمود این کشمکش را می‌شود در فیلم معروف دوران‌سازی از ژان لوک گودارد دید به نام «از نفس افتاده»؛ یک گانگستر باارام فرانسوی با دختری آمریکایی دوست می‌شود و دست‌آخر همان دختر او را به پلیس لو می‌دهد و باعث مرگش می‌شود. هرچه به سال‌های اخیر نزدیک‌تر می‌شویم، نمودار شدن این موارد در سینما و ادبیات فرانسه کمتر می‌شود و این درحالی‌است که اصل چالش همچنان پابرجاست.

## توسری خوردن از غرب، تلافی کردن بر سر شرق

سینما و ادبیات فرانسه در سال‌های اخیر به‌جای رویارویی و کشمکش با تسخیر فرهنگی این کشور توسط فرهنگ آمریکایی، همین رویارویی و کشمکش را با مهاجران آفریقایی و آسیایی و مسلمانان پیدا کرده است. پرواضح است که یک رویارویی از این جنس، می‌تواند به سویه‌های فاشیستی و خودبرتربندار و نژادپرستانه هم منجر شود. اگر از سینما و ادبیات بیرون ببینیم، در عالم واقع همین تم فاشیستی و خودبرتربندار و نژادپرستانه را به وضوح در جامعه فرانسه خواهیم دید و اگر به عالم هنر برگردیم تا این موارد را در آنجا رهگیری کنیم، هم نگاه‌هایی همدلانه با این مهاجران عمدتاً فقیر می‌بینیم، هم طعنه‌های زشت به چشم می‌خورند و هم موارد پیچیده‌تری که ظاهراً به نفع آن جماعت است اما در واقع چهره‌شان را تخریب می‌کند. سنت چپ در فرانسه یک سنت قدیمی است اما این هم قابل‌انکار نیست که وقتی از فرانسه صحبت می‌شود، از یک ساختار سیاسی و اجتماعی تماماً لیبرال صحبت شده است. فیلم‌های فرانسوی متعددی در طول دهه‌های اخیر ساخته شده‌اند که پیرو سنت سوسیالیسم بوده‌اند. از آثار موج نو این کشور که ژان لوک گودارد در راس هرم‌شان قرار می‌گرفت تا فیلم‌های کوستا گاوراس یونانی که در فرانسه کار می‌کرد. خیلی از این فیلم‌ها از آن جهت چپ بودند که به امپریالیسم نقد می‌کردند و عده‌ای دیگر به این دلیل که مساله مهاجران اصطلاحاً جهان سوم را مدنظر قرار می‌دادند. از فیلم «سوسیالیسم» ساخته ژان لوک گودارد تا «بهشت است غرب» ساخته کوستا گاوراس، تعدادی از این آثار هستند. با اینکه فرانسه زادگاه رمان باشکوهی به نام «بینوایان» است و از لحاظ پرداخت به موضوع فاصله طبقاتی جز سرآمدان جهان در عالم هنر بود، به سال‌های اخیر که نزدیک می‌شویم، این تم را کمتر در ادبیات و هنر آنها می‌بینیم. در عوض موضوع حاشیه یا حومه که موضوعی پیوندخورده با بحث مهاجران است، باسما بسیار بالاتری در سینمای فرانسه دارد و از دهه ۹۰ میلادی به این طرف، تقریباً می‌شود می‌شد از سینمایی تحت همین عنوان «banlieue-film» در این کشور یاد کرد. نه اتفاقاتی که اخیراً سراسر فرانسه را دربرگرفته جدید است، نه اینها مواردی هستند که قبلاً در سینما و ادبیات این کشور رصد نشده باشند. البته قابل‌انکار نیست که وضع هر روز فریجت‌تر می‌شود و هر اتفاقی نسبت به مورد قبلی پدیده‌تر و وسیع‌تر است. دولت فرانسه هم بودجه فرهنگی قابل‌توجهی را در حوزه سینما برای برخورد با این موضوع اختصاص داده است که منجر به خلق چیزی تحت عنوان «سینمای مستعمراتی فرانسه» شده است. این عبارت شامل فیلم‌هایی می‌شود که عمدتاً به زندگی مردم معروف به جهان سوم می‌پردازند. مردمی که در طول داستان فیلم، بر اثر برخورد با فرهنگ فرانسه می‌فهمند که خوشبختی و رستگاری یعنی پیروی و تبعیت از تفکر مدرن فرانسوی و درآمدن به حلقه‌ای سبک زندگی و جهان‌بینی. قهرمان این داستان‌ها هم عمدتاً یک زن آفریقایی یا آسیایی است و بیشتر این فیلم‌ها در کشورهایی ساخته می‌شوند که روزگاری مستعمره فرانسه بوده‌اند یا قهرمان‌شان تباری از آن مناطق دارد. به عبارتی بانلیو سینما یا همان سینمای حومه دربرابر سینمای مستعمراتی قابل‌تعریف است و خود فیلم‌های مرتبط با حومه هم به لحاظ فضا‌سازی و نوع موضع‌گیری متنوع هستند.

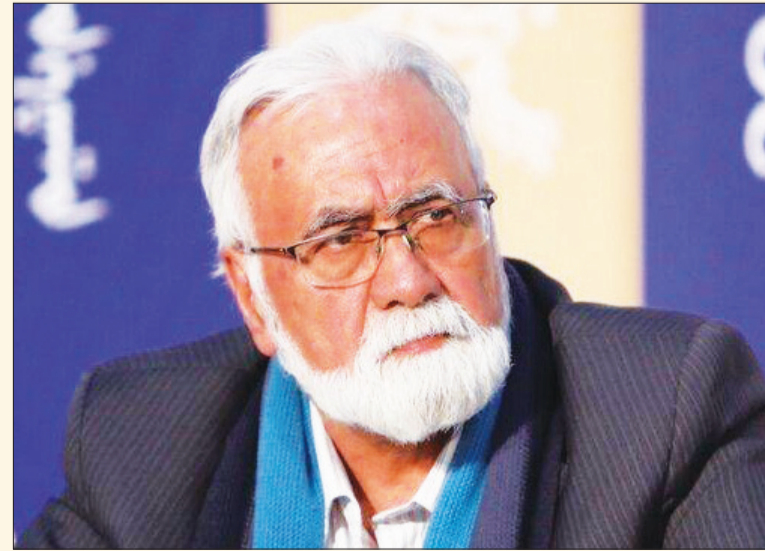
## ژانر بانلیو در سینمای فرانسه چیست؟

سال ۹۵ هنگامه تولد رسمی اصطلاح سینمای حومه‌شهر در فرانسه بود. مطبوعات فرانسوی در آن سال این را برای فیلم‌هایی انتخاب کردند که تعدادشان مرتب‌بیشتر می‌شد. این البته یک مضمون کاملاً جدید نبود، بلکه در تداوم فیلم‌های دهه ۱۹۸۰، آثار این ژانر معمولاً در بستر جامعه‌های مختلط و تحت‌سلطه اجتماعی ساخته می‌شد که یک سری مایه‌های روان‌شناختی برای توصیف عنصر بیگانه داشتند و به دیگر بازنمایی‌های رسانه‌ای از حومه‌شهر هم می‌پرداختند. به گفته مطبوعات فرانسوی، اکثر این فیلم‌ها تصویری بدبینانه از جهان فلج شده توسط خشونت و بزهداری را می‌سازند؛ چه دردهای پیش از سن نوجوانی مثل فیلم «برادران کوچک» و چه بزهداران بیکار در فیلم «مانند آهن‌ربا». منتقدان روزنامه‌نگاران در این فیلم‌ها احساس بی‌عدالتی را در برابر فلاکت اجتماعی، بی‌تفاوتی قدرت‌های سیاسی، خشونت پلیس و تحقیر بقیه مردم فرانسه نسبت به ساکنان املاک حومه‌ای حفظ می‌کنند. از آنجایی که این ژانر بر اساس اتفاقات متوالی واقعی در این دهه ساخته شده است، مشخص می‌شود که حومه‌ها مناطقی دائم‌تحت‌تشنه و آماده انفجار هستند. تعدادی از مهم‌ترین فیلم‌های ژانر بانلیو در دهه نودمیلادی عبارتند از: نفرت (ماتیو کاسوویتز، ۳۱ مه ۱۹۹۵)، کریم (احمد بوجالا، ۳۱ مه ۱۹۹۵)، وضعیت بازی (ژان فرانسوا ریشه، ۱۴ ژوئن ۱۹۹۵)، رای (توماس گیولو، ۲۸ ژوئن ۱۹۹۵)، فرانسه شیرین (مالک چیبان، ۲۲ نوامبر ۱۹۹۵)، منطقه آزاد (پل وکیالی، ۱۸ دسامبر ۱۹۹۶)، T-۶: من به کرک می‌روم (ژان فرانسوا ریشه، ۲ ژوئیه ۱۹۹۷)، برادران کوچک (ژاک دیولون، ۱۷ آوریل ۱۹۹۹)، دادگاه ممنوع (جمل وهاب، ۲۱ آوریل ۱۹۹۹) و مثل آهن‌ربا (کامل صالح و آختانون، ۳۱ مه ۲۰۰۰). حالا که با گذشت حدود سه دهه، فیلم‌های حومه‌ای از یک موج تبدیل به یک ژانر قابل‌شناسایی شده‌اند، می‌شود چنین گفت که یکی از خصوصیات این نوع فیلم‌ها توسل سیستماتیک به بازیگران غیرحرفه‌ای یا مبتدی است. این کار برای تجسم شخصیت‌های معمولی این ژانر مناسب به نظر می‌رسد. به علاوه، برخلاف سینمای مستعمراتی فرانسه که تمرکزش را روی زنان جهان‌سومی گذاشته، در سینمای بانلیویا همان سینمای حومه، با قهرمان‌های مرد جوان با نوجوان طرفیم. از بین آثار شاخص و مهم، فقط فیلم «فرانسه شیرین» ساخته مالیک چیبان به دختران حومه شهر علاقه دارد. از نظر مطبوعات فرانسوی که این آثار را نقد و بررسی می‌کنند، قهرمانان مرد ناقل فرهنگ جایگزینی هستند که از فلاکت اجتماعی شهرک‌های مسکونی حومه سرچشمه می‌گیرند. استفاده از موسیقی ریپ، ارجاع به هیپ‌هاپ و استفاده از زبان آن جامعه به عنوان عناصری رسمی تفسیر می‌شوند که کمک می‌کنند تا این فیلم‌ها به یک سری گواهی فرهنگی واقع‌گرایانه تبدیل شوند و به آنچه واقعاً در دل این کشور می‌گذرد دلالت دارند. داستان این فیلم‌ها اگرچه تخیلی هستند، اما به عنوان اسناد مرجع در یک فضای اجتماعی معین تلقی می‌شوند. اعتبار چشم‌اندازی که فیلم‌های این ژانر از حومه‌های فرانسه نشان می‌دهند، به ندرت توسط منتقدان زیر سوال می‌رود. سینمای حومه شهر، چیزی که با استقبال مخاطبان فرانسوی در دهه ۱۹۹۰ پدید آمد، یک ژانر از سینمای مولف است که در دهه اول قرن جدید، بعضی از فیلم‌های تجاری (مانند حومه ۱۳؛ محصول ۲۰۰۴) یا فیلم‌های کمدی (مثل همه آنچه می‌درخشد؛ محصول ۲۰۱) را هم شامل می‌شد. هرچند در دهه بعد عملاً این ژانر از سینمای کمدی و تجاری حذف شد و در فرم یک سینمای اجتماعی صریح منحصراً ماند.

## چارسو

### خنده‌دار بودن سهم تلویزیون در مقایسه با سهم ارشاد در قانون نمایش خانگی

غلامرضا موسوی، تهیه‌کننده سینما در یادداشتی که متن آن به شرح زیر است، به روایت آنچه در جلسه اخیر با دبیر شورای عالی انقلاب فرهنگی گذشت، پرداخت: «ساعت دهنیم سه شنبه شب گذشته از دفتر دبیر شورای عالی انقلاب فرهنگی تماس گرفتند و برای نشستی در ۱۲ ساعت بعد دعوت کردند. موضوع جلسه مصوبه شورای عالی انقلاب فرهنگی درباره واگذاری یا به‌قول خودشان تقسیم وظایف در حیطه نمایش خانگی و فعالیت vodها. به دلیل حساسیت همکاران در خانه سینما و کانون کارگردانان در جلسه حاضر شدم. ظاهراً برخی مدعوین هم نماندند. اما آقایان فریدون جیرانی، عبدالرضا منجزی، پژمان بازغی و به‌خاطر تاخیر در اطلاع‌رسانی محمدرضا تخت‌کشیان از اهالی سینما آمده بودیم. دبیر شورا توضیح داد که مصوبه بعد از ابلاغ رئیس جمهور قانون می‌شود. متوجه شدم جلسه را به اشتباه آمده‌ام، اما گفتم لااقل دلایل اطلاع‌نویسان خانه سینما و کانون را بیان کنم. ضمن اینکه بگویم لطفاً همین بلا را سر قانون پروانه فیلمسازی و پروانه نمایش نیاورید که گویا به شورای عالی ارائه شده است. البته گفتم و دبیر ظاهراً پذیرفت. عبدالرضا منجزی با اتکا به قانون اساسی و قوانین موضوعه این اقدام را با استقلال حقوقی زیرسوال برد. پژمان خان بازغی هم طی سخنانی پیش‌بینی کرد که جمعی



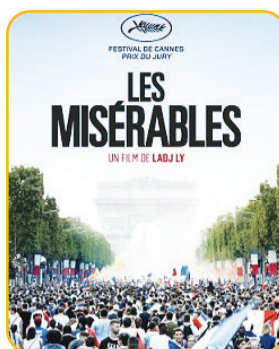
از اهالی سینما و بازیگران بیکار می‌شوند. در ابتدای جلسه از دبیر شورا خواستم تا مصوبه را ارائه کند. گفتند تا رئیس جمهور ابلاغ نکند قانون نمی‌شود. گفتم به اسم پیش‌نویس بدهید. به‌خصوص که گلایه کردید هنرمندان بدون اطلاع از مصوبه اظهارنظر کرده‌اند. درمیان صحبت‌ها پیش‌نویس یا قانون ابلاغ نشده بین حاضران توزیع شد. ماده ۱ و ۲ دقیقاً همان نکاتی را آورده که مورد اعتراض هنرمندان است. به دبیر شورا گفتم به‌قول وحشی‌بافتی این قانون ابلاغ نشده را می‌توان این‌گونه بیان کرد از صحن خانه تا به لب‌بام از آن من (سهم تلویزیون) از بام خانه تا به تریا از آن تو (سهم وزارت ارشاد). دبیر فرمودند که من مواد را نفهمیده‌ام. متن پیش‌نویسی که با ابلاغ رئیس جمهور قانون می‌شود همراه این یادداشت را منتشر می‌کنم تا شما و همکاران قضاوت کنند که ما نفهمیدیم یا دبیر کم‌لطفی می‌کند. به‌رحال در جلسه متوجه شدم که قائم‌مقام وزیر هم این مصوبه را می‌پذیرد و می‌گوید که هفته‌ای چندبار با رئیس ساترا گفت‌وگو دارد. از فرصت استفاده کردم و گفتم پیشنهاد داده بودید که هیات نظارتی همچون هیات نظارت بر مطبوعات جانشین ساترا شود. چرا این پیشنهاد را که باعث حذف ممیزی قبل از تولید همانند مطبوعات می‌شود، برای سینما اجرایی نمی‌کنید و...؟»



## بینوایان، ۲۰۱۹



«بینوایان» نام اولین فیلم لاج لی است؛ کارگردانی فرانسوی با اصالت آفریقایی. این فیلم در جشنواره کن ۲۰۱۹ نمایش داده شد و بعد به عنوان نماینده فرانسه در اسکار ۲۰۲۰ شرکت کرد. برخلاف آنچه ممکن است از ظاهر امر به نظر بیاید، این فیلم هیچ ارتباطی با بینوایان، نوشته ویکتور هوگو ندارد و به شورش های اجتماعی فرانسه در سال ۲۰۰۵ میلادی مربوط است. سال ۲۰۰۵ میلادی دو مهاجر آفریقایی تبار در اثر برق گرفتگی در یک ایستگاه برق محلی پاریس کشته شدند. گفته می شد این دو هنگام حادثه، تحت تعقیب پلیس بودند. این امر شورش ها و ناآرامی گسترده ای را در سراسر مناطق حومه پاریس به همراه آورد. بسیاری این موج ناآرامی را نشانه مشکلات و گرفتاری های حل نشده ای دانستند که بیشتر مهاجران فرانسه که مجبور به سکونت در مناطق حومه ای شهرهای بزرگ هستند، با آن مواجهند. قتل این دو جوان موجب شد فرانسه یک بار دیگر پس از می سال ۱۹۶۸ وارد یک سری التهابات و شورش های اجتماعی شود که دامنه آن از حقوق مهاجران ساکن در این کشور به مسائل معیشتی و اقتصادی کشیده شد. خیابان های فرانسه بار دیگر مملو از معترضان شد که از فرط خشم نسبت به سیاست های دولت شیراک، خیابان های این کشور را به آتش می کشیدند و برخورد خشن پلیس بر شدت این التهابات اجتماعی می افزود. حوادث این سال به سه هفته تظاهرات گسترده انجامید که در جریان آن قریب به ۳۰ هزار خودرو و ۳۰۰ سلسلتمان به آتش کشیده شد و دولت وضعیت اضطراری ملی اعلام کرد. طی سالیان ۲۰۰۵

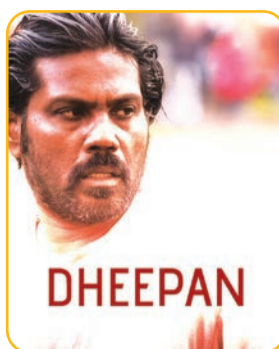


و ۲۰۰۶ کارگران، کارمندان و بخش هایی از اقشار جامعه فرانسه دست از کار کشیده و به خیابان ها می آمدند. حتی بعد از اینکه ژاک شیراک از کاخ الیزه رفت و نیکولای سارکوزی رئیس جمهور فرانسه شد، بازهم اعتراضات مردم برای بار دوم در سال ۲۰۰۷ تکرار شد. کاملاً مشخص است که جنبش جلیقه زردهای فرانسه، نوع تکامل یافته ای از همان اعتراضات کور و گاهوبی گاهی بود که از سال ۲۰۰۵ شروع شد و در سال ۲۰۰۷ به پایان رسید. وقایع فیلم بینوایان به آنچه سال ۲۰۲۳ در فرانسه رخ داد هم بسیار شباهت دارد و از این جهت است که پس از گذشت چند سال می توان با یک بازخوانی مجدد برای فیلم بینوایان اهمیت قابل توجهی قائل شد. لاج لی، سال ۱۹۷۸ از یک پدر و مادر اهل مالی در فرانسه متولد شد. اولین فیلمی که او در سال ۲۰۰۷ میلادی ساخت مربوط به همین شورش های سال ۲۰۰۵ و در گونه مستند بود. او زندگی پرماجری در این سال ها داشت و سرانجام در سال ۲۰۱۹ با بینوایان در کن ۷۲ حاضر شد.

## دیپان، ۲۰۱۵



«دیپان» فیلمی از ژاک بودریار، فیلمساز مشهور فرانسوی است که در ۲۰۱۵ میلادی تولید شد. سیواداسان یک سرباز در میان برهه های تأمیل است که در آخرین روزهای جنگ داخلی سریلانکا و پس از حل درگیری مسلحانه، طرف او در نبرد شکست می خورد. سیواداسان مجبور می شود به اردوگاه پناهندگان برود و در آنجا تصمیم می گیرد به فرانسه نقل مکان کند تا فرصتی تازه در زندگی داشته باشد. با این حال، برای تأمین پناهندگی سیاسی، نیاز به یک داستان ساختگی اما قانع کننده دارد. پاسپورت مرد مرده ای به نام دیپان ناتاراجان به او داده می شود و با افرادی که به سختی می شناسد، به عنوان خانواده اش ظاهر می شود تا بتوانند به فرانسه مهاجرت کنند. سیواداسان که حالا دیپان شده است، به همراه همسر جعلی یا جدیدش یالینی و دختر ۹ ساله اش ایلالال، سواریک کشتی می شوند که عازم پاریس است. به محض ورود، او شغلی به عنوان سرباز پیدا می کند و شروع به ساختن زندگی جدیدی در یک پروژه مسکونی در حومه شهر به نام لپری می کند. او به عنوان سرپرست یک پروژه مسکن که توسط فروشندگان مواد مخدر کنترل می شود، با اتفاقات جدیدی روبه رو است و خانه جدید تبدیل به یک منطقه درگیری دیگر برای او می شود. تیراندازی بین باند های مواد مخدر رقیب، یالینی و ایلالال را به وحشت می اندازد. یالینی تحت فشار قرار می گیرد تا شغلی را به عنوان خدمتکار پرستار برای پدر قاچاقچی محلی بپذیرد. سیواداسان به رغم هر چه می بیند که او را احاطه کرده است، به وظایف خود می پردازد و سعی دارد از هر خطری دوری کند؛ اما ناخواسته به ورطه مبارزه کشیده



می شود. وقتی سیواداسان در تیراندازی متقابل یک سرباز از تنه کاران گرفتار می شود، آمادگی نهفته اش برای نبرد دوباره ظهور پیدا می کند و او به تنهایی کل یک باند را فقط با یک تفنگ دستی، یک قمه و یک پیچ گوشتی نابود می کند. سپس او یالینی را از آپارتمان فرقی در خون رئیسش نجات می دهد و در نهایت همه آنها موفق می شوند به انگلستان مهاجرت کنند تا شاید آرامش واقعی را پیدا کنند. در این فیلم یک شخصیت جدید و یک خانواده جدید آسیایی که میل به تولد دوباره و بازسازی زندگی دارند، با ورود به پاریس، خود را با واقعیت مهاجرت، دشواری یافتن شغل و خشونت موجود در شهری که در آن زندگی می کنند، مواجه می بیند و همین زخم های قدیمی جنگ را دوباره در آنها باز می کند. درام اجتماعی دیپان، از میان انواع مهاجرانی که به غرب آمده اند، زندگی پناهندگان را برجسته می کند و زیربنای مهاجرت تبعیدیان جنگی در فرانسه و دشواری هایی را که آنها حین ادغام در جامعه جدید با آنها مواجه می شوند، آشکار می کند.

## حومه شماره ۱۳، ۲۰۰۶



این فیلم را پیر مورل کارگردانی کرده پس از آن آثار دیگری مثل «از پاریس با عشق» را هم کارگردانی کرد. از پاریس با عشق یک فیلم اکشن بود که در حومه های پایتخت فرانسه روایت می شد و بازگویی آمریکایی داشت. مورل همچنان فیلم های اکشن آمریکایی-فرانسوی می سازد که بعضی از آنها درجه ۲ هستند؛ اما «حومه شماره ۱۳» از این جهت اهمیت دارد که تصویری کمتر دیده شده از حومه شهرهای شیک فرانسه نشان داد. تصویری که نه فقط مخاطبان خاص سینما، بلکه مخاطبان عام را هم با این همه تلخی و سیاهی آشنا می کرد. در ضمن فیلم حاوی یک نوع پیشگویی تلخ راجع به حاشیه نشینی در فرانسه بود. اینکه چنین وضعی می تواند به ایجاد یک سری گتوی کاملاً بیگانه با متن فرهنگ فرانسه منجر شود؛ یک ناسازگاری محض که خشن هم هست. ماجرا این است که در پاریس سال ۲۰۱۳، یک دیوار انزوا شهرک های حومه شهر را احاطه کرده است. باند های تبهکار به عنوان اربابان مطلق در آنجا سلطنت می کنند و قدرتمندترین آنها با مشت آهنین توسط طاهار رهبری می شود. لیتو، یکی از ساکنان شهرک که از قاچاق مواد مخدر متفر است، هروئین را از طاهار می دزدد و آن را در وان حمام خود با استفاده از مواد شیمیایی از بین می برد. پس از تعقیب و گریز مردان طاهار، لیتو که بسیار چابک تر است، موفق به فرار می شود. طاهار برای انتقام، لولا، خواهر کوچک تر لیتو را ربوده و او را مجبور به تسلیم می کند. لیتو با احتیاط به خانه طاهار می رسد، خواهرش را آزاد می کند و با هم رهبر باند را به اداره پلیس می برند. آنها که با ماشین توسط مردان طاهار

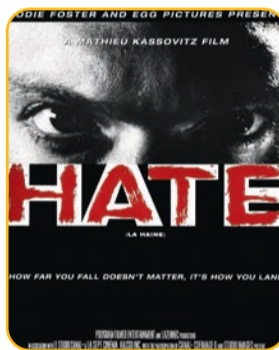


تعقیب می شوند، وارد کلانتری می شوند و توضیح می دهند که چه کسانی هروئین می آورند و می برند. سپس کلانتری توسط باند طاهار محاصره می شود. کمیسر که باید عصر همان روز بازنشسته شود، نمی خواهد جنگ سختی داشته باشد. او لیتو را به زندان می اندازد و طاهار را آزاد می کند و طاهار از فرصت استفاده می کند و لولا را با خود می برد. دیمین، یک مامور پلیس نخبه، در یک سازمان جنایتکار در محله های مجلل نفوذ می کند و موفق می شود کارلوس مونتویا، رهبر این گروه را زندانی کند. پس از این موفقیت، مافوق او به دستور دبیرخانه دفاع کروگر، مأموریت یافتن بمبی را به او می سپارد که در حومه ۱۳ پدید شده و در صورت خنثی نشدن پس از ۲۴ ساعت منفجر می شود. او باید توسط لیتو، که به عنوان راهنمای او در حومه ۱۳ خدمت می کند، همراهی شود. پس از فرار آنها از ون زندان و اولین تماس، دیمین موافقت می کند که به لیتو کمک کند خواهرش را از دست طاهار آزاد کند، به شرطی که سپس به او کمک کند تا بمب را پیدا کنند.

## نفرت، ۱۹۹۵



«نفرت» La Haine یک فیلم درام سیاه و سفید فرانسوی-آمریکایی محصول سال ۱۹۹۵ به نویسندگی و کارگردانی ماتئو کاسوویتز است که از آثار کالت و تأثیرگذار فرانسوی به حساب می آید و به شروع کار ماتئو کاسوویتز و وینسنت کسل به عنوان بازیگر کار، کمک کرد. داستان درست پس از یک شب شورش بین جوانان شهرک مسکونی حومه ای و پلیس مستقر در منطقه پاریس آغاز می شود. این شورش های متوالی به مجروح شدن شدید عبدالله، یکی از اهالی توسط بازرس پلیس منجر می شود. قهرمان های داستان، وینز (وینسنت کسل)، سعید (سعید تمغوی) و هوبرت (هوبرت کونده)، یک گروه سه گانه چند قومیتی از شهر هستند که ابتدا در اطراف پاریس قدم می زنند و سپس برای عصر به این شهر می روند. این فیلم ماجراهای آنها را از یک صبح تا صبح روز دیگر دنبال می کند. ماتئو کاسوویتز کارگردان در ۶ آوریل ۱۹۹۳ با الهام گرفتن از اجرای ماگومام بوهله شروع به نوشتن فیلمنامه کرد. ماجرای ماگومام بوهله یک پرونده قضایی پس از مرگ فردی به همین نام است که توسط بازرس پاسکال کامپین، از ناحیه سر به او تیراندازی شد و جان باخت. این واقعه ششم آوریل ۱۹۹۳ در ایستگاه پلیس گراند کریر، در منطقه ۱۸ پاریس اتفاق رخ داد. پلیس اعلام می کند به طور تصادفی شلیک کرده است. یعنی افسر پلیس در حالی که سعی می کرد مظنون را برای گرفتن اعتراف بترساند و فکر می کرد اسلحه اش خالی است، ماشه را چکاند. این ماجرا با تاتاب گسترده ای در روزنامه ها پیدا کرد، به ویژه به این



دلیل که شاهدان حاضر در آن زمان اعلام کردند به ارباب با استفاده از سلاح های گرم یا تفنگ گلوله ای توسط پلیس عادت کرده اند. این حقیق در گزارش غرغ بین الملل ذکر شده است. شورش های سه روزه پس از این خشونت پلیس، همراه با غارت و درگیری بین باند ها و نیروهای پلیس در قلب پاریس، الهام بخش ماتئو کاسوویتز برای ساخت فیلم نفرت شد. این فیلم برای اولین بار در جشنواره فیلم کن در سال ۱۹۹۵ به نمایش درآمد و جایزه کارگردانی را از آن خود کرد. سپس در ۳۱ می همان سال در سینماها اکران شد و پای دو میلیون مخاطب را در فرانسه به سینما کشاند. یک نکته جالب در مورد فیلم این است که سه نفر اصلی قصه را جوانانی از همان حومه تشکیل می دهند؛ وینز، هوبرت و سعید. دوستی آنها را می توان نمادی از تمام موقعیت های ممکن برای جوانان حومه نشین فرانسه در نظر گرفت؛ یک مرد سیاه پوست، یک یهودی و یک مرد جوان با اصالت مسلمان از شمال آفریقا.

## وش چه خبر است؟، ۲۰۰۷



کامل، مرد جوانی از ساکنان مناطق حساس فرانسه در نزدیکی پاریس به فرانسه بازمی گردد. او که چند سال پیش به دلیل خرید و فروش مواد مخدر دستگیر شد و پنج سال را در زندان گذراند، به مدت دو سال از ورود به فرانسه محروم شد، حالا سعی می کند با حمایت خانواده اش شغلی پیدا کند و یک زندگی عادی داشته باشد، اما هیچ چیز در مناطق حساس عادی نیست. یک منطقه حساس شهری (ZUS) یک قلمرو زیرشهری بود که توسط مقامات دولتی فرانسه به عنوان هدفی اولویت دار در سیاست های شهری بین سال های ۱۹۹۶ تا ۲۰۱۴ تعریف شد. در این طرح ۷۵۱ منطقه تحت این عنوان شناسایی شدند، از جمله ۷۱۸ مورد از حومه های کلانشهرها. ساکنان این مناطق تقریباً ۷ درصد از جمعیت فرانسه را شامل می شدند؛ یعنی ۴٫۵ میلیون نفر. اگر کسی علاقه مند به نحوه عملکرد فرهنگ فرانسه واقعی باشد، این فیلم عالی است. در این فیلم قشر بندی اجتماعی و مشکلاتی که بسیاری از جوانان در محله های فقیرنشین پاریس با آن روبه رو هستند واقعا مورد توجه قرار می گیرد و به گونه ای

نشانی داده می شود که گویی از چشم هر شهروند محروم فرانسوی است. این فیلم به یک سری سوالات کلیدی می پردازد: چگونه چرا مردم به جنایتکار تبدیل می شوند؟ آیا این جوانان درگیر یک سرنوشت محتوم هستند؟ آیا «سیستم» یک چرخه معیوب است؟ این فیلمی درباره حومه شهر است که تمام کهن الگوهای این ژانر را به نمایش می گذارد، اما با این وجود به دلیل تطابق آن با رویدادهای جاری، برای فرانسوی های متعصب روی نژاد و فرهنگ این کشور، آزاردهنده است. یکی از منتقدان فرانسوی درباره «وش چه خبر است؟» نوشت این اثر جذابیت تا حدی ساده لوحانه شورش جوانی را دارد. این حرکت اگر در کشورهای دیگر به خصوص رقبای سیاسی فرانسه رخ می داد، هیچ گاه به عنوان شورش ساده لوحانه جوانان تحلیل و ارزیابی نمی شد. کارگردان این فیلم ریاح آمور زامی، یک کارگردان الجزایری الاصل است که این اولین فیلم بلند سینمایی اش بود. در میان فیلم های متعددی که راجع به حومه های فرانسه ساخته شده اند، این فیلم



بیشتر از بسیاری موارد دیگر از آثار ژانر حومه، روی جبر محیطی و تأثیر آن، روی کشیده شدن پای افراد به دنیای بزهکاری تأکید دارد. از این جهت ریاح زامی به این نتیجه می رسد که شورش و عصیانگری نتیجه محتوم این نوع از زندگی است و پس از این فیلم هم در آثار دیگرش بارها به همین نتیجه گیری رسیده است. چیزی که بعضی از فرانسوی های متعصب را نسبت به این فیلمساز تا حدودی بدبین کرده، همین نوع نتیجه گیری او از وضعیت اجتماعی این کشور خصوصاً در مناطق حساس و محلات حاشیه نشین است.

## شرایط برای ساخت فیلم سیاسی مهیا نیست

حسین دارایی در گفت و گو با ایسنا درباره اینکه شرایط برای ساخت فیلم سیاسی چقدر مهیاست، گفت: «واقعیت این است که شرایط اصلاً مهیا نیست. من بابت بسیاری از اتفاق های پیش آمده برای فیلم منتقد و دلخورم، چون به نظر می رسد بخشی از مشکلات به رشد نکردن فضای فرهنگ در ارگان های خارج از حوزه فرهنگ و هنر برمی گردد. در بسیاری از دستگاه ها و نهادهای غیرهنری زبان سینما درک نمی شود و با وجود آنکه تعدادی کارشناس هم حضور دارند و اتفاقاً نگاهی مغرضانه هم ندارند اما به دلیل آشنا نبودن با فضای فرهنگ و سینما معمولاً در مسیری می افتیم که پر از سوء برداشت است.» او ادامه داد: «در این فضای غیرهنری گاهی از یک فیلم نشانه هایی بیرون آورده می شود که باورکردنی نیست و حتی برای خود من که دوره های نشانه شناسی را گذرانده ام، قابل هضم نیست و تعجب می کنم چطور چنین برداشتی صورت گرفته است. به همین دلیل در چنین وضعیتی، فضا برای ساخت فیلم سیاسی تنگ و تولیدات مرتبط به آن هم کم می شود، به طوری که با خودت فکر می کنی چرا کسی باید سرش درد کند که سراغ ساخت چنین فیلم هایی برود!» دارایی افزود: «من سال ۱۳۹۸ فیلمنامه «مصلحت» را شروع کردم و الان که ۱۴۰۲ است تازه به اکران رسیده ایم. یک فیلم هم تا وقتی اکران نشود و بازخورد مخاطبانش را نگیرد تقریباً کارکردی برای سازنده اش ندارد.»



## خوش قولی وزیر ارشاد برای حمایت از جشنواره تئاتر عروسکی

هادی حجازی فر، دبیر نوزدهمین جشنواره بین المللی تئاتر عروسکی، در گفت و گو با هم میهن با اشاره به سختی های برگزاری جشنواره به حمایت های وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی اشاره کرده است. او در این مصاحبه با اشاره به تورم و بالا رفتن هزینه ها گفت باید بودجه جشنواره افزایش پیدا می کرد که این اتفاق به اندازه ممکن و قانونی محقق شده است. حجازی فر بیان کرد: «در دوره کنونی هزینه ساخت و ساز عروسک بالا رفته و این در حالی است که بودجه جشنواره فقط می تواند ۲۰ درصد ارتقا پیدا کند، به حال ما به رشدی ۲۰۰ درصدی نیاز داشتیم و در گفت و گو با وزیر ارشاد قول گرفتیم بودجه جشنواره به ۱۲ میلیارد تومان ارتقا پیدا کند که الان ۱۰ میلیارد تومان آن محقق شده است.» دبیر نوزدهمین جشنواره بین المللی عروسکی تهران مبارک همین طور از کمک های بخش خصوصی برای برگزاری جشنواره گفت: «البته تلاش می کنیم ۸۰ درصد این مبلغ را با حمایت بخش خصوصی، به تئاتر برگردانیم و کم کم به سمت استقلال کامل برویم. الان با بانک ها، پلتفرم ها و بنگاه های خصوصی در حال رایزنی هستیم. خوشبختانه مشارکت بنگاه های خصوصی در این جشنواره بی سابقه است و توانسته ایم کمک هزینه ها را افزایش بدیم و پیش از شروع جشنواره ۷۵ درصد کمک هزینه ها را پرداخت کرده ایم.»







نگاهی به کتاب‌هایی که نشر اطراف به بهانه محرم منتشر می‌کند

## برای حسین (ع)

**عاطفه جعفری**  
خبرنگار گروه فرهنگ  
انتشارات اطراف به رسم هر ساله، مجموعه عاشورایی جدیدی را در آستانه ماه محرم منتشر و روانه بازار کرده است. این

مجموعه که پنجمین جلد از مجموعه «کاشوب» به شمار می‌رود، با عنوان «مهمان‌گاه» منتشر شده است. در گزارش امروز هم معرفی‌ای از کتاب‌های قبلی نشر اطراف با این موضوع داریم و هم این کتاب جدید را آورده‌ایم. این کتاب‌ها مشتمل بر روایت‌هایی از آدم‌های امروزی است، که از عاشقی و سرسپردگی به حسین (ع) می‌گویند.

### مهمان‌گاه

مجموعه عاشورایی جدید نشر اطراف، با عنوان مهمان‌گاه منتشر شده است. در معرفی این کتاب آمده است: «وقتی میرزا محمد تقی مامقانی در شرح میدان رفتن علی اکبر نوشت «من ز بهر دادن جان می‌روم، سوی مهمان‌گاه جانان می‌روم» احتمالاً با پیوند «گاه» می‌خواست اسم مکان بسازد. ولی اگر محمد تقی، مختلط به نیر تیزی، در سحرگاهی در سنه ۱۲۷۱ گاه را پیوند زمان گرفته باشد، تصویر مهمان‌گاه در شعرش تکان دهنده‌تر از اسم مکان می‌شود؛ موسم مهمان، مقام مهمان، وقتش. وقت حسین، وقتی که با هم وعده داشتند. گاه پیوند مشترک زمان و مکان، برای عاشورا، برای واقعه‌ای که هیچ وقت نمی‌فهمیم اتفاقی در زمان بوده یا در مکان، چقدر درست است؛ پسوندی سرگردان میان زمان و مکان برای محرم که هیچ وقت نمی‌فهمیم مثل زمان در حرکت به ما رسیده یا مکانی است که به آن رسیده‌ایم.»

مهمان‌گاه روایت این گاه غریب است در زندگی امروز ایران. ۱۵ نفر از عاشورایی نوشته‌اند که بر آنها گذشته است. از دریافت‌ها و خاطراتشان، از محرم‌های دور و نزدیک و اندوه هر ساله در همین کوچه‌ها و خانه‌های دوروبر. در مهمان‌گاه ۱۵ نویسنده از نسبت امروز خودشان با واقعه سال ۶۱ هجری نوشته‌اند. نویسندگان این کتاب سبک زندگی، شغل و دغدغه‌های متفاوتی دارند و فارغ از نسبت‌شان با عاشورا و عزای حسینی، با جسارت و شهادت قلم به دست گرفته‌اند و بی‌پرده‌پوشی از باورها و تردیدها، سنت‌ها و سنت‌شکنی‌ها، امیدها و ناامیدی‌ها، قهرها و آشتی‌ها، پیوستن‌ها و بریدن‌ها، و ثبات‌ها و تغییرهایشان در گذر زمان نوشته‌اند. گاه شیفته‌ای است که از اینجا و آنجا متن بیرون می‌زند، گاه استیصال حاصل از نیاختن پاسخ، و گاه نیاز به شنیدن گزارش عبور از مصیبتی عظیم به امید یافتن راه‌هایی.

بعضی متن‌ها «آن» تکان دهنده‌ای به تجربیات خواننده می‌افزایند و بعضی او را در وادی پرسش‌های بنیادین آدمی رها می‌کنند. مهمان‌گاه کتاب پنجم مجموعه «کاشوب» است. مجموعه‌ای که هر سال در آستانه محرم منتشر می‌شود. کاشوب، رست خیز، زان تشنگان و رهیده چهار کتاب دیگر این مجموعه هستند. انتشارات اطراف در باب اهمیت انتشار مجموعه کاشوب آورده است: «ثبت پیوستار گسترده و متنوع تجربه دینی در عزای حسینی از این‌ نظر اهمیت دارد که این تجربه در هیچ زمان و مکانی، مختص گروهی خاص نبوده و نخواهد بود و به همین دلیل بستر مهمی است برای برقراری ارتباط میان دیدگاه‌های مختلفی که این روزها، با تعدد سبک‌های زندگی، مانند جزیره‌هایی تک‌افتاده از هم دور و دورتر می‌شوند. با همین هدف هم در ۹۶ جمع‌آوری روایت‌های کاشوب را آغاز کردیم و روایت‌هایی



با حال و هوای متفاوت از فیلم‌سازی در پایتخت تا معلمی در جنوب کشور، کشاورزی در شرق ایران و... را کنار هم قرار دادیم. حاصل تلاش‌های نشر اطراف در این زمینه پنج کتاب، یک ویژه‌نامه دیجیتال و مجموعه‌ها و پنج روایت است که طی شش سال منتشر شده است.

حسن اجرایی، آمنه اسماعیلی، محمد رضا امانی، فاطمه بهروز فخر، علی پیر حسین لوی، زهره ترابی، مهدی حمیدی پارسا، مهتری رحیم‌زاده، مصطفی سلیمانی، مکرمه شوشتری، رضا صدیق، زهرا صنعتگران، زهره عواطفی حافظ، فاضل فروتن، فاطمه قابل و علیرضا محبی از نویسندگان مجموعه مهمان‌گاه هستند.



### زان تشنگان

در خاطرات خیلی از ما یک سوم شخص پنهان هست که بخش زیادی از نسبت امروزمان با محرم و عاشورا را مدیون اویم. سوم شخص‌های پنهان گاهی مادر بزرگ و پدر و پدر بزرگند، گاهی استاد و غریبه‌ای رهگذر. معمولاً شخصیت‌های پیچیده، فن بیان قوی یا توانایی منحصر به فردی ندارند، فقط ارادت واقعی دارند و مهارت و شگردشان همین صداقت‌شان است. تنها ویژگی خارق‌العاده آنها این است که سوم شخص عاشقند. شاید در هیاهوی روزمرگی میزان دل‌بستگی و حرارتی که به ما منتقل کرده‌اند و عمق تأثیرشان در زندگی‌مان را فراموش کرده باشیم ولی وقت نوشتن متنی درباره ارتباط خودمان با روضه و عزای خاطرات این اثرگذاران بی‌ادعا برمی‌گردد و علاقه و نشانه‌هایی که در ما جا گذاشته‌اند، متن را پر می‌کند. شاید به خاطر همین است که بیشتر روایت‌های کتابی که در دست دارید ماجرای سرایت دل‌بستگی است و قصه دست‌به‌دست شدن سرسپردگی در کتاب زان تشنگان بیست و چهار نفر از اتفاق‌ها و سوم شخص‌هایی نوشته‌اند که نسبت آنها را با رخداد سال ۶۱ هجری تغییر داده‌اند. ۲۴



### رحیبه

از مجموعه‌ی کاشوب است؛ مجموعه‌ای که بنا دارد اگر خدا بخواهد هر سال از منظری دیگر و آدم‌هایی دیگر به حال و هوای امروز ما و روضه‌ها نگاه کند. در این کتاب ۱۸ نفر از گروه‌های مختلف اجتماعی با گرایش‌های فکری متفاوت درباره رابطه خودشان و محرم نوشته‌اند. تفاوت سبک زندگی و دغدغه‌های نویسندگان باعث شده که هر کدام از زاویه‌ای به این ماجرا نگاه کنند. محرم در اردوگاه‌های رژیم بعث، سفر اربعین با مسافری کانادایی، عزاداری پاکستانی‌ها در حاشیه پایتخت، آماده کردن یک تعزیه به همراه کودکان روستایی در تربت حیدریه، گشت و گذار توریستی در مجالس سخنرانی پایتخت و سفر غیرقانونی به عراق بخشی از موضوعات متفاوتی است که در کتاب چهارم مجموعه کاشوب روایت شده است.

«شاید هیچ وقت نشود فهمید عاشقانه‌های گرم حسینی، روضه‌خوانی‌های سوزناک و ابراز ارادت‌های شاعرانه و آتشین، پیش حضرت پذیرفته‌ترند یا روایت دست‌های لرزان جوانی که اعتراف می‌کنند همه زندگی تلاش کرده‌اند با محرم و کربلا ارتباط بگیرند ولی هنوز در سفرند؛ هنوز گوشه خودشان را در این واقعه نیافته‌اند. کسی چه می‌داند کدام‌شان به لمس روح کربلا نزدیک‌ترند. برای ما که روایت‌های کتاب را جمع می‌کنیم، اتفاق غافلگیرکننده همیشه آنجاست که به نیت زلال و کوشش بی‌منت این جست‌وجوگران مردد و گوشه‌نشینان عزاداری برمی‌خوریم. حتی اگر نوشتن خیلی برایشان سخت باشد، دل‌شان می‌خواهد در کاری مربوط به حسین علیه‌السلام سهیم باشند و به بهترین شکل نقل تنهایی‌شان در محرم را بنویسند. در پیشکش آوردن شرح شک‌ها و فاصله‌ها، در اعتراف به دور بودن و در ثبت برداشته‌ها و تجربه‌های نامطمئن و سرگردان‌شان همان قدر مصمم و مخلصند که پدران‌شان در هدیه کردن برنج و زعفران و کتیبه و پرچم به هیات، رهیده کتاب چهارم



### کاشوب

در مقدمه‌اش آمده است: «نویسندگان دعوت شده‌به کاشوب همه تلاش کرده‌اند گزارشی صادقانه و عینی از روضه‌هایی زندگی شده بدهند. روایت‌های واقعی و مستند از نسبت نسل‌های متفاوت امروز با واقعه سال ۶۱ هجری. این کتاب تلاش کرده تا با توجه به گستره و تنوع زاویه دید نویسندگان، به یک اتفاق واحد در خود دست پیدا کند و مخاطب خود را از وحدت موجود در متن بهره‌مند کند. به همین خاطر در این کتاب از سویی لحن‌ها و روایت‌های مختلف هر یک طعم خاص خود را دارند و از سوی دیگر اثر راوی تجربه واحدی است که شبیه هیچ‌یک از تجربه‌های حاضر در متن کتاب نیست.» کاشوب حجم عظیمی از اتفاقات بسیار خوب را در خود رقم زده و شامل ۲۳ روایت از نویسندگان مختلف با دیدگاه‌های متفاوت است که درباره نسبت خودشان و محرم نوشته‌اند. روایت‌ها به زبانی روشن و ساده نوشته شده‌اند و هر کدام طعم و لحن اقلیم یا فکری را دارند که نویسندگان در آن رشد یافته‌اند. دغدغه‌های متفاوت هر کدام از نویسندگان، روایت‌شان را منحصر به فرد کرده و یکتاخوانی را از کتاب گرفته است، اما وقتی وارد روایت‌ها می‌شوی، حس می‌کنی هر روایت به دنبیلی غیر از روایت دیگر تعلق دارد. این پراکنده‌گی را جز در یک چیز، یعنی پایبندی به روایت واقعی، در بقیه موارد می‌توان دید؛ از سبک روایت و اینکه مثلاً راوی



### رست‌خیز

داستان شنونده‌هایی که از مجلس روضه، خرده‌ای اندیشه، اندکی شهود یا تغییری کوچک غنیمت می‌برند.

در رست‌خیز ۲۴ نفر از تجربه‌هایی نوشته‌اند که در دل این سنت عزای و در همین کوچه‌ها و تکیه‌ها شکل گرفته و دریافت و برداشت تازه با خودش آورده است. کتاب رست‌خیز روایت محشر هر ساله است که هنوز هم رستگاری‌های کوچک و بزرگ می‌آفریند و ما را نو می‌کند. رست‌خیز، کتاب دوم از مجموعه کاشوب است. نویسندگان و مجموعه نشر اطراف که این دو کتاب را منتشر کرده‌اند، می‌گویند مجموعه کاشوب و رست‌خیز بنا دارد اگر خدا بخواهد هر سال از منظری دیگر و آدم‌هایی دیگر به حال و هوای امروز ما و روضه‌ها نگاه کند. عادت شیعه به ثبت عاشورا در شکل موزون بوده است. ما اغلب ارتباط خودمان با این حماسه را منظوم شرح کرده‌ایم و روایت منثور و قصه کمتر به این آستان عرضه شده‌اند.

کتاب «رست‌خیز»، روایت کرامت‌ها، شفا و معجزه‌های بزرگ نیست؛ شرح زنده شدن ذره‌ای از درون انسان در فراخوان هر ساله محرم است. هر سال غیر گریه‌کن‌های همیشگی، چند غریبه هم ناشیانه از کنار دیوار روضه و هیات می‌آیند تو و با کفش‌های بلاتکلیف، معذب از نگاه کنجکاو حاضران، گوشه‌ای یا پشت ستونی خودشان را جا می‌دهند. هر سال وسط روضه‌شنوهای حرفه‌ای که غم و عشق حسین را با شیر از مادر گرفته‌اند دیگرانی هستند که کتاب رست‌خیز کتاب این جست‌وجوگران است. رست‌خیز بیشتر از آن که روایت ارادت‌های گرم و سنتی به محرم باشد، شرح جست‌وجوی مردمانی است که آمده‌اند تا بفهمند چطور می‌شود تشنگی و نیزه و خون مهم نباشد؛ «کسی مر عقل را گوید کجایی؟» اشک‌هایی که از شوق یافتن حقیقت در گوشه چشم جمع می‌شوند این روزها کم شده‌اند و رست‌خیز، روایت فروریختن چشم‌ها در ثانیه رویه‌رویی با حقیقت است؛ «تری اعینهم تفیض من الدمع مما عرفوا من الحق.» این کتاب، روایت کرامت‌ها، شفا و معجزه‌های بزرگ نیست، شرح زنده شدن ذره‌ای از درون انسان در فراخوان هر ساله محرم است.









# سازمان تکذیب فجایع محیط زیست

آقای سلاجقه! بعد از چمشیر در میانکاله هم حرف‌هایتان غلط از آب درآمد

## سازمان تکذیب فجایع محیط زیست



ابوالقاسم رحمانی

دبیر گروه جامعه

تراژدی میانکاله را که خاطرتان هست، ماجرای احداث مجتمع پتروشیمی در یکی از بکرترین، مهم‌ترین و استراتژیک‌ترین پهنه‌های طبیعی ایران که با هیچ منطق و اولویتی امکان و ظرفیت ایجاد چنین مجتمعی در آن وجود نداشت و ندارد. فروردین ماه سال گذشته و البته کمی قبل‌تر از آن بود که اخبار و تصاویری از لودر و بولدوزر و کارگران مشغول کار، در منطقه میانکاله دست به دست می‌شد و برخی فعالان محیط زیست نسبت به آن مطالباتی داشتند و واکنش‌هایی نشان می‌دادند. اما کسی فکرتان را نمی‌کرد جدی دولت چشم بر یکی از بهترین و جذاب‌ترین مراتع و منابع طبیعی خود ببندد و آن را با فنس و سیمان محصور سرمایه منفعت طلبان کند. اما خب این‌طور شده بود و هم دولت این کار را کرد و هم سرمایه‌دارها از چنین بر خاک حاصلخیز میانکاله خوشحال بودند. ماجرا روز به روز بیخ پیدا می‌کرد ولی رسانه دولت خبر از ممانعت دولت و سازمان محیط زیست از احداث و راه‌اندازی این پروژه می‌داد. خبری که جز همان دولتی‌ها کسی باورش نکرده بود، مردم محلی مدام پیغام می‌دادند که صدای لودر و بولدوزرها خواب از چشمانشان گرفته و هر میله‌ای که برای فنس کشی دور محدوده می‌کشیدند، تیری به قلبشان می‌زند. دامدارها بیشتر از همه نگران بودند. بیش از ۶۰ دامدار که هر روز و جب به وجب آن خاک پرپرکت را به همراه گله‌هایشان قدم می‌زدند و نان حلال سر سفره خودشان و گوشت لذیذ سر سفره بقیه می‌پرند. هرطوری بود خودم را به آن جا رساندم و یکی دو روز در محدوده بودم. قصد اول راستی‌آزمایی ادعای رسانه دولت مبنی بر توقف اجرای پروژه بود، اما قبل‌تر از آن دوست داشتم با چشمان خودم این فاجعه را تماشا و این سرمایه‌سوزی ملی را ببینم. هم این میسر شد و هم قصد اولی. هرچقدر رژه کامیون‌ها و ماشین‌آلات در آن زمین‌هایی که جز سنگینی وزن دام و پرنده‌ها تحمل نکرده بودند واقعی بود، ادعای رسانه دولت مبنی بر توقف عملیات عمرانی در آن محدوده کذب و غیرواقعی. حالا حدود ۱۵ ماه از آن ایام می‌گذرد اما تراژدی میانکاله همچنان باقیست!

◆ ماجرای من شروع شده بود. دولت چند ماهی بود کارش را شروع کرده بود و از ناامیدی با ریاست عیسی کلانتری در دولت روحانی به امید با علی سلاجقه در دولت رئیسی رسیده بودیم و فکر می‌کردیم استاد دانشگاه تهران، با آن همه آهن و تلب، می‌خواهد یک‌بار حداقل محیط زیست را مساله محور دنبال و مانع از استمرار رویه‌های همیشگی شود. غافل از اینکه، فاصله بین سلاجقه و کلانتری، در حد همان فاصله بین امید و ناامیدی ما از اصلاح رویه‌های مسئولان محیط زیستی کشور بود. کارگران مشغول کار و دامداران دل‌نگران در حال چرای گوسفندان بودند. از آن صحنه‌هایی که اگر یک دوربین خوب داشتیم و می‌توانستیم از بالاتر از زمین تصویربرداری کنیم، جدال خیر و شر در پهنه‌ای بکر و سبز قابل ثبت و ضبط بود. تلاش می‌کردم اول با دامدارها گپ بزنم، آنهایی که مجوز چرای دام در این دشت ناز را داشتند، دل پر درد و خونی داشتند و نگران از آینده و اینکه اگر پای آن گنده‌بک‌های پر درد و سرور صد اینچا بیش از اینها باز بشود، نه زمینی برای چراندن کاری برای امرار معاش می‌ماند. نگرانی جایی بود. هیچ‌جوره و با دسترسی به هیچ سطحی از فناوری نمی‌شد به جمع دامداری و پتروشیمی در آن دشت پر آب و علف رسید. مسئولان برای اینکه کار خودشان را پیش ببرند چیزهایی می‌گفتند، اما واقعا شدنی نبود جایی که انواع و اقسام آلودگی‌ها جولان می‌دهند، امید به حفظ مرتع و منبع داشته باشی، چه برسد به اینکه در فاصله اندکی از فنس‌ها و محصورات مجتمع پتروشیمی بخواهی گله به چرای بی‌رومی و دامداری هم بکنی. هرچقدر می‌توانستیم، هم من و هم بقیه، از رسانه‌ها و انسان رسانه‌ها، از فعالان و دغدغه‌مندان تا بازیگران و هنرمندان بلافاصله پای کار آمدند و بعد از کش و قوس‌های فراوان، بعد از بحث و جدال‌ها و جلسات، بعد از کلی وعده و وعید و بدقولی، ادامه روند اجرای این پروژه که پول حسابی هم پای آن ریخته بودند متوقف شد. البته با کندی محسوس و بعد از باز شدن پای رئیس جمهور در ماجرا.

◆ خب همان‌طور که گفتم حدود ۱۵ ماهی از ماجرای عجیب احداث مجتمع پتروشیمی در میانکاله می‌گذرد و حقیقتش را بخواهید فکر نمی‌کردم دیگر مجبور به نوشتن درباره این موضوع باشم. چیزی که متصور بودم و هر بار با دیدن تصویر صورت چروکیده و دست‌های سوخته و خیلی کار کرده دامداران آنجا در ذهن مرور می‌کردم این بود که اگر روزی گذرم به آن منطقه افتاد و تماشا می‌کردم همه زیبایی‌های آنجا را که کسی همراهم نبود، یک‌بار دیگر مساله را روایت کنم و تعریف کنم که چه روزهایی به مردم و روستاییان اینجا گذشت و سرمایه‌داری چه خوابی برای این زیستگاه بکر و بی‌مثال دیده بود. اما خب باز هم برخلاف تصور و مثل همیشه، منفعت طلب‌ها زودتر از موعد پا روی خاطرهای ما گذاشتند و کابوس‌های گذشته را تکرار کردند. داشتم چیزی می‌نوشتیم، همین چند روز پیش، به لطف فیلتر شکن، نیچمه اتصالی به واتساپ برقرار شد و اعلانی داشتم از یک گروه قدیمی که در همان ایام بلبوشی میانکاله یکی از فعالان محلی ایجاد کرده بود. وارد گروه شدم و دیدم بله، یکی از محلی‌ها خطاب به آنهایی که مثل من امکانی در رسانه داریم پیامی نوشته و خبر از آغاز دوباره عملیات احداث پتروشیمی در میانکاله داده است. راستش را بخواهید باورم نمی‌شد، اما خب تنها خبرنگار آن گروه من نبودم و این خبر خیلی سریع‌تر از روزنامه‌ها که چند ساعتی بعدتر چاپ و توزیع می‌شوند در رسانه‌های مجازی، سایت‌ها و کانال‌ها منتشر و دست به دست شد و کاشف به عمل آمد که بله، میانکاله دوباره زمین دست‌اندازی سرمایه‌داری شده که با اسم رمز کارآفرینی و اشتغال‌زایی به جان منابع طبیعی کشور افتاده‌اند و این همه زمین لم‌پیزع را رها کرده‌اند آمده‌اند در بهترین و حاصلخیزترین مراتع ایران، مانور قدرت و ثروت می‌دهند. باور نمی‌کردم، این بار از دفعه قبل باور نکردنی‌تر بود، اما خب انگار مثل دفعه قبل واقعی!

◆ بی‌خیال مساله شدم، منتظر بودم تا خیلی زود مساله تکذیب و خبر مربوط به جمع آوری آن خرت‌وپرت‌های سنگین و بلااستفاده قبلی که حتی منظر آن منظره بی‌نظیر را هم زشت کرده بودند، منتشر شود؛ هرچند در پس ذهنم آن اطلاع غیرواقعی رسانه دولت بود که سال پیش خبر از توقف احداث پروژه پتروشیمی در میانکاله داده بود و بعد خیلی زود مشخص شد واقعی نیست. با این اوصاف می‌گفتم بعد از آن همه تلاش و پیگیری، آن همه پروپاگاندا رسانه‌ای و زشت حمایت از محیط زیست، حتما دولت دست به چنین اشتباهی نمی‌زند و این بار حداقل سلاجقه، معاون رئیس جمهور و رئیس سازمان حفاظت محیط زیست، حرف راست زده و پای وعده‌ای که داده می‌ایستد. که خب حداقل برای یکی دو روز این تصور، اشتباه نبود. یعنی همان چیزی که انتظارش را می‌کشیدیم واقع شد. یعنی از سرگیری عملیات احداث مجتمع پتروشیمی میانکاله توسط عالی‌ترین مقام مسئول در حوزه محیط زیست یعنی علی سلاجقه تکذیب شد. علی سلاجقه، رئیس سازمان حفاظت از محیط زیست همین چهارشنبه گذشته یعنی ۷ تیر، در حاشیه برگزاری جلسه هیات دولت در جمع خبرنگاران، در ارتباط با دو مساله و پرونده مهم محیط زیستی در دوران مسئولیتش یعنی سد چمشیر و میانکاله اظهار نظر کرد. او ابتدا درباره سد چمشیر گفت: «مشکلی درباره سد چمشیر و حقیقه آن نداریم. این حقیقه براساس محاسباتی که انجام شده، داده می‌شود. بحث مربوط به این سد درباره کیفیت آب است. بررسی کیفیت آب را وزارت نیرو در دستور کار دارد و علاوه بر آن، سازمان محیط زیست نیز به عنوان دستگاه ناظر این کار را انجام خواهد داد. با توجه به تراز آبرگیری که تاکنون انجام شده، آب سد از نظر کیفیت در تراز مناسبی است و مشکلی در این زمینه وجود ندارد. سلاجقه بعد از این سراغ میانکاله رفت و در ارتباط با پروژه احداث مجتمع پتروشیمی در این منطقه گفت: «اصلا پروژه‌ای به نام میانکاله دیگر ندارد، چرا که مجوزی برای آن موجود نیست. اصل کار، مبتنی بر نقشه آمایش استان است که براساس آن از لحاظ علمی، اقتصادی و اجتماعی چنین پروژه‌ای در آنجا قابل اجرا نیست. ما از دستگاه‌های قضایی استان، دادستانی و مجموعه قضایی استان می‌خواهیم که این کار از ابعاد قضایی آن دنبال شود. نمی‌خواهم نیش قیر کنم، این پروژه از نظر ما تمام شده است. من خوش خیال هم ذوق زده از این موضوع، بی‌خیال پیگیری ماجرا شدم و چقدر در ذهنم خوب سلاجقه و الباقی مدیران محیط زیستی را گفتم. اما خب ذهن خام یادش رفته بود هم تجربه قبلی تکذیب این ماجرا دروغ بود و هم سلاجقه از این حرف‌ها زیاد زده بود. کجای کاری که اصلا ماجرا از این قرار است که هرچیزی این بنده خدا گفت، برعکسش به واقعیت نزدیک‌تر است. احتمالا با همین دست فرمان و منطق، باید نگران وضعیت سد چمشیر هم باشیم، که خب هستیم.

◆ سرخوش بودم و فارغ از اینکه میانکاله دوباره جولانگاه ماشین‌آلات سنگین و دست‌درازی همان قبلی‌ها برای احداث مجتمع پتروشیمی شده است. این را البته من نمی‌دانستم، هم پیام آن معتمد محلی تأیید می‌کرد و هم مسئول استانی و مقام مطلع سازمان محیط زیست. سه شب پیش غلامرضا شریعتی اندرانی، نماینده بهشهر در مجلس شورای اسلامی در برنامه تهران بیست درباره بررسی تأسیس پتروشیمی در تالاب میانکاله اظهار کرد: «پتروشیمی ما نزدان را به‌عنوان پتروشیمی میانکاله مطرح شده که کاملا اشتباه است و این پروژه پتروشیمی ما نزدان است که در محدوده اراضی محمودآباد شهرستان بهشهر است. این پتروشیمی مصوبه هیات وزیران را هم دارد. وقتی مصوبه‌ای به تصویب می‌رسد، برای کلیه دستگاه‌های اجرایی لازم‌الاجرا است. وزارت نفت و وزارت نیرو مجوزهای لازم را برای این پروژه صادر کرده‌اند. سازمان بازرسی کل کشور شش ماه روی این پروژه کار و اعلام کرده است این پروژه ایرادی ندارد. مردم ما نزدان در این پروژه ذی‌نفع هستند و نباید جلوی آن گرفته شود. محیط زیست سال ۹۹ با اجرای این پروژه موافقت کرده است و معاونان این مجموعه این موضوع را تأیید کرده‌اند. این مجوز را دیده‌ام، شماره خورده و معاونان محیط زیست آن را امضا کرده‌اند. مجوز نهایی صادر شده است ولی این مجوز را محیط زیست به ما نمی‌دهد. در مورخه ۱۸ دی ماه سال ۱۴۰۰ صورتجلسه‌ای نوشته شده و محیط زیست قید کرده است که تخصیص زمین، آب و خوراک برای این پروژه بلا مانع است و مجوز اولیه صادر می‌شود ولی در ادامه مجوز نهایی را صادر نکردند.» اینکه نماینده مردم آنجا، چطور بر خلاف محلی‌ها و مردم همانجا، موافق چنین پروژه مخرب و عجیب و غریبی است هم خود مساله مفصلی است که مجال دیگری می‌طلبد. نماینده دادستانی در این برنامه هم با احداث این مجتمع پتروشیمی مخالفت کرد و گفت: «سرمایه‌گذار این پتروشیمی ۵۸ میلیون یورو از بانک توسعه صادرات وام گرفته و این مبلغ را بزرگ‌دانه است و از جمله ابریدها کاران بانکی است. ما برای حفاظت از محیط زیست دستور قضایی صادر کردیم و جلوی اجرای این طرح را گرفتیم و درخواست کردیم مصوبه هیات وزیران لغو شود. به لحاظ اجرایی و طی فرآیندهای قانونی مصوبه هیات وزیران، واگذاری زمین تالاب میانکاله غیرقانونی بوده است. ۹۰ هکتار از اراضی با کیفیت این تالاب در سال ۹۹ به سرمایه‌گذار واگذار شده و انتظار ما از دولت این است که تصمیم مقتضی را در این خصوص بگیرد.» با این اوصاف ادعای یکی از مدیران سازمان محیط زیست تأییدی دیگری است از انجام عملیات ایجاد و احداث پروژه در میانکاله.

◆ سعید کریمی، مدیرکل دفتر ارزیابی زیست محیطی سازمان حفاظت محیط زیست تقریباً سه روز بعد از اظهارات سلاجقه و در همان برنامه تلویزیونی که نماینده مردم بهشهر در مجلس دفاع تمام‌قیدی از پروژه ضد محیط زیستی میانکاله داشت گفت: «پتروشیمی میانکاله از ابتدای سال ۱۴۰۰ در منطقه امیرآباد ما نزدان مطرح و پرونده آن در محیط زیست بررسی و مشخص شد مشکلات فراوانی دارد و جمع بندی این شد که محیط زیست با این پرونده موافقت نکرد و ارزیابی زیست محیطی را برای آن تأیید نکرد و در نهایت مقرر شد در این پروژه ساخت و سازی انجام نشود. سرمایه‌گذار این پروژه فنس کشی انجام داده و براساس اخبار جدید شبانه در حال بتن‌ریزی در منطقه است ولی از دید ما این اقدام خلاف قانون و بدون تأیید محیط زیست است. در بررسی صورت گرفته مشخص شد که شروع عملیات فیزیکی در همان محل قبلی در حال انجام است. گفته شده که این پروژه در کهرباران در ۲۰ کیلومتری این سایت در حال اجراست درحالی که هیچ اقدام عملیاتی و اجرایی در آنجا انجام نشده و عملیات جدید در همان محلی که سال گذشته مورد بررسی قرار گرفته و با آن مخالفت شده، انجام شده است. این سرمایه‌گذار سال گذشته نتوانست به اهداف خود برسد و هم اکنون اگر دوباره شروع به ساخت و ساز کرده باشد یا آن برخورد می‌شود. رویه اعطای تأییدیه محیط زیستی برای هر پروژه‌ای این است که ابتدا گزارش زیست محیطی سه بار در کمیته زیست محیطی بررسی می‌شود ولی این بررسی حقی برای ذی‌نفع ایجاد نمی‌کند. موافقت ما با مهر و هولوگرام برجسته محیط زیست صادر می‌شود. اگر مجوز تأسیس پتروشیمی میانکاله را با امضا هولوگرام مهر برجسته‌اند در رسانه‌ها منتشر کنند، علاوه بر این ما مصوبه هیات وزیران را داریم که صنایع شیمیایی که فاضلاب دارند، حق استقرار در استان‌های شمالی را ندارند.» این یعنی هر پروژه‌ای به نام میانکاله وجود دارد و هم اینکه زیر سایه بی‌تفاوتی برخی مسئولان، همچون رئیس سازمان محیط زیست کارش را پیش می‌برد. حالا شاید محیط زیست طبق معمول ادعا کند که صرفاً نظارت می‌کند و نمی‌تواند دستبند به دست کسی بزند و مانع جدی ایجاد کند، اما خب به قول یکی از متخصصان و فعالان محیط زیست، اگر نمی‌توانید کاری کنید، نماند! القصه اینکه صورت مساله، شبیه گذشته است. یعنی شبیه به مرتبه اول ماجرای میانکاله و شبیه به ماجرای سد چمشیر که علی سلاجقه، رئیس سازمان حفاظت محیط زیست در یک برنامه تلویزیونی خبر آبرگیری سد چمشیر را تکذیب کرد و توضیح داد: «سرمایه‌گذاری کلانی در سد چمشیر برای کشور انجام شده و سازمان حفاظت محیط زیست نیز در زمان خود مجوزهای لازم را داده است. به عبارتی گزارش‌های ارزیابی سد چمشیر مدون هستند. سازه‌های زمین‌شناسی منطقه حساس هستند و از لحاظ مکان‌یابی محل اجرای سد و بحث‌های ساختاری مناسب انتخاب شده، اما سمن‌ها و اساتید دانشگاه درباره عرصه دریاچه بحث داشتند. ما واقعا اجازه نمی‌دهیم و تلاش می‌کنیم منطقی حرکت کنیم. ما از ابتدای کار به وزارت نیرو نامه زدیم که با احداث چند چاهک راستی‌آزمایی انجام دهیم. رئیس جمهوری نیز این نامه را برای وزیر نیرو ارسال کرد. در همین راستا حرکت کردیم و ابتدا راستی‌آزمایی را انجام می‌دهیم.» درحالی که این سد کمی قبل‌تر آبرگیری شده بود و آقای رئیس اطلاعاتی از این اتفاق نداشتند. البته این تمام بی‌اطلاعی‌ها و وارونه‌گویی‌های سلاجقه نیست و نبود. پیش از این هم رئیس سازمان حفاظت محیط زیست از این رویه‌ها داشته و اصلا راستش را بخواهید ما که عادت کردیم و احتمالا مردم هم بی‌خیال شده‌اند که آبی از سمت ساکنان پارک پردیسان برای محیط زیست گرم شود، اما خب این نه قرار مدیران بود و نه انتظار مردم و دغدغه‌مندا. اگر به کسی بر نمی‌خورد، کاش زودتر فکری در حال محیط زیست و مدیریت منابع طبیعی و زیست محیطی کنیم. سدسازی‌های عجیب و غریب، پروژه‌های انتقال پرمخاطره و آسیب، یکی یکی تلف شدن یوزهای ایرانی، فرونشست‌های متعدد و گسترده، آلودگی هوا و چندین و چند مساله کلان زیست محیطی دیگر، همه روی میز رئیس سازمان محیط زیست و مدیران آن خاک می‌خورد و دریغ از یک اقدام عاجل و قابل دفاع.